

پرسمان قرآنی جوانان

۴

روابط دختر و پسر

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش ها و پاسخ های قرآنی

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش ها و پاسخ های قرآنی (روابط دختر و پسر ۱) جلد ۷

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : روابط دختر و پسر/ جمعی از پژوهشگران؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ج.: جدول.

فروست : پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج]. ۷.

شابک : ۲۴۰۰۰ ریال: ج. ۱

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: theQuranic qustions of youth ۷.

یادداشت : چاپ؟ : ۱۳۸۵(در انتظار فهرستنویسی).

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : جوانان -- جنبه های اخلاقی

موضوع : جوانان -- راه و رسم زندگی

موضوع : اخلاق جنسی جوانان

موضوع : نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی

موضوع : جوانان مسلمان

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده : مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)

شناسه افزوده : پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج]. ۷.

رده بندی کنگره : BP۶۵/۲/پ۴ ۷.ج ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۳۶۷۹۸

ص :۱

اشاره

درآمد:

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد. (۳)

۱- (۱) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبهٔ اللّه فتعلموا مأدبته ما استطعتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲) . هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون. (زمر / ۹)

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده

پرسش کلید دانش است. [(۱)](#) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه پاسخ پرداخته اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت(علیه السلام) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

۱- (۱) . عن علی(علیه السلام): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۳۰)

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. (۱)

با سپاس

دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - ۸۵/۶/۷

ص:۱۵

۱- (۱) . آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱ تلفن، پیام گیر، نمابر: ۷۷۳۹۰۰۲ - ۰۲۵۱ / ص . پ: ۴۱۶ - ۳۷۱۸۵ - قم Email: quran quransc.com info quransc.com WWW.quransc.com

فصل اول: کلیات

اشاره

ص:۱۷

پرسش:

قرآن در مورد عدالت حقوقی و حقیقی بین دختر و پسر چه می فرماید؟

اشاره

پاسخ:

دختران و پسران جزئی از زنان و مردان اجتماع انسانی هستند و قرآن از نظر حقیقی بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست و اگر از نظر حقوقی نیز تفاوتی در بین باشد، براساس دلیلی است که از مطالب زیر روشن می شود:

تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف - تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی

همان گونه که از آیات قرآن به دست می آید، دین اسلام نه تنها در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش ها، و مقام و منزلت معنوی و انسانی مساوی می داند (۱) که به ذکر نمونه هایی از آیات قرآن می پردازیم:

۱- (۱) . ر.ک: قرآن در آیینه اندیشه ها، جمعی از نویسندگان سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۳۷۸؛ سیری در مسائل خانواده، حبیب الله طاهری، ص ۲۸ - ۳۲.

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد از نظر خلقت: قرآن کریم در آیاتی متعدد (۱)، زن و مرد را از یک طینت دانسته و اعلام می کند که زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده اند و مکمل یکدیگرند. (۲)

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد، در داشتن صفات برجسته و ارزش های والای انسانی و مقام معنوی. (۳)

۳. تساوی زن و مرد از نظر ثواب (۴) و عقاب (۵) اعمال: قرآن در کیفرها و ثواب اعمال، به زن و مرد به طور یکسان خطاب کرده، قبح گناه و اعمال حرام و کیفر آن ها، و نیز ثواب اعمال را در مورد زن و مرد مساوی بیان می کند.

۴. تساوی زن و مرد در تکلیف و مسئولیت پذیری: قرآن کریم با مطرح کردن زندگی آدم و حوا و رانده شدن آن ها از بهشت، هیچ یک را مسئول اصلی معرفی نمی کند و در بیشتر مواقع، هر دو را مسئول می داند (۶) و حتی گاهی به صراحت می گوید: شیطان آدم را وسوسه کرد؛ و قرآن با این بیان بر

۱- (۱) . نساء، ۱؛ اعراف، ۱۸۹

۲- (۲) . ر.ک: تفسیر نور و تفسیر المیزان ذیل آیه ۱ سوره نساء

۳- (۳) . ر.ک: تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب

۴- (۴) . نساء، ۱۲۴؛ نحل، ۹۷؛ غافر، ۴۰

۵- (۵) . مائده، ۳۸؛ توبه، ۶۸

۶- (۶) . طه، ۱۱۷؛ اعراف، ۲۰، ۲۲.

روی اعتقاداتی مانند این که «زن را عنصر گناه و شیطان کوچک مطرح می کنند» خط بطلان می کشد. (۱)

۵. تساوی زن و مرد از نظرتعلیم و تعلّم: از آیات قرآن کریم به دست می آید که همه مسلمانان اعم از زن و مرد باید به کسب علم و دانش اهتمام ورزنـد. (۲) در حـدیثی از پیـامبر اکرم(صـلی الله علیـه و آله) آمـده است: «فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.» (۳)

۶. برابری زن و مرد در پیشـگاه خـدا: خداوند در قرآن می فرماید: «در حقیقت ارجمندترین شـما نزد خدا، خود نگهدارترین [پارساترین] شماست!» (۴)

در واقع قرآن ملاک برتری نزد خداوند را تقوا می داند (چه زن و چه مرد).

ب- تفاوت های طبیعی میان زن و مرد

اشاره

بـا وجود مطـالبی که در مورد تسـاوی زن و مرد گـذشت، تفـاوت هـای موجود میان زن و مرد را نمی توان انکار کرد؛ تفاوت هـایی که زن و مرد را از یکـدیگر متمایز می سازنـد و همین تفاوت هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زنان و مردان می شود. در این جا به برخی تفاوت های طبیعی زن و مرد اشاره می کنیم:

۱- (۱) . ر.ک: شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی، ص ۴۲

۲- (۲) . ر.ک: قرآن در آیینه اندیشه ها، ص ۳۸۰

۳- (۳) . میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۶، ص ۴۶۳

۴- (۴) . حجرات، ۱۳.

۱. تفاوت های زیستی (جسمی)

الف – تفاوت های اساسی تعیین کننده جنسیت.

ب – تفاوت های ثانوی در اندام.

برای مثال، به طور متوسط مردان درشت اندام تر، بلند قدتر، خشن تر و دارای صدای متفاوت با زنان می باشند. رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است؛ مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری ها، از مقاومت مرد بیشتر است و ... (۱)

از آن جا که بین نفس] روح و روان [و جسم، تناسب و ارتباط متقابل برقرار است. تفاوت جسمانی بدون تفاوت روانی] و روحی [ممکن نیست و این برای بقا و کمال جامعه و نسل بشری ضروری است. (۲)

۲. تفاوت های روانی

احساسات] و عواطف [زن، از مرد جوشان تر است؛ زن از مرد زودتر به هیجان می آید و سریع تر تحت تاثیر احساسات و عواطف خویش قرار می گیرد. زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش علاقه دارد. احساسات زن بی ثبات تر از مرد است، زن از مرد محتاطتر و مذهبی تر است] و مردها معمولاً

۱- (۱) . نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۰۵ - ۲۰۶

۲- (۲) . منزلت زن در اندیشه اسلامی، محمد فنایی اشکوری، ص ۱۵.

جسورتر و شجاع تر می باشند [احساسات زن، مادرانه است و علاقهٔ زن به خانواده بیشتر است و ... (۱)

۳. تفاوت های اجتماعی حاصل از جامعهٔ انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان

با توجه به تفاوت هایی که در توانایی ها و نقش اجتماعی زن و مرد وجود دارد عقل سلیم اقتضا می کند که برای انجام نقش ها، بین زن و مرد تفاوت قائل شویم؛ به این ترتیب که:

۱. نقش ها و کارهایی که زن و مرد هر دو امکان اجرا دارند؛

۲. نقش هایی که با ساخت جسمی و روحی زن متناسب است؛

۳. نقش هایی که با ساخت روحی و جسمی مرد متناسب است. (۲)

۴. تفاوت در برخی احکام دینیِ نشأت گرفته از وحی

همان گونه که گذشت، تفاوت های طبیعی و فطری (جسمی و روحی) وظایف و تکالیف خاصی را برعهدهٔ انسان ها (زن و مرد) می گذارد و به علت همین تفاوت هاست که برای مردان و زنان، احکام و تکالیف دینی خاصی معین شده است. (۳)

۱- (۱) . نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۷ و ۲۰۶

۲- (۲) . منزلت زن در اندیشهٔ اسلامی، ص ۱۸

۳- (۳) . همان، ص ۲۰.

بعد از بیان تفاوت های بین زن و مرد و اقسام آن، لازم است نکاتی را مورد توجه قرار دهیم:

۱. با دقت در آیهٔ ۱۱ سورهٔ نساء در می یابیم که قرآن کریم برای اهتمام به حق زن هنگام تعیین سهم ارث، ارث زن را اصل و مبنا قرارداده و آن را مسلم دانسته و معیار ارث معرفی می نماید، آن گاه می فرماید: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ»؛ یعنی موقع بیان سهم برادر، نمی فرماید که خواهر نصف سهم برادر می برد تا معیار اصلی، سهم برادر باشد، بلکه معیار و اصل مفروض و مسلم را ارث خواهر که دختر میّت است، قرار می دهد و سهم برادر را دو برابر سهم خواهر بیان می کند، تا اصل ارث زن قطعی و مفروغ عنه باشد. (۱)

این احتمال نیز وجود دارد که محور بودن دختر در آیه یاد شده برای جبران بی توجهی به دختر باشد. (۲)

۳. در مورد برخی احکام فلسفه هایی ذکر شده است که بعضی از آن ها را عقل سلیم درک می کند و برخی از آن ها در منابع دینی به نام فلسفه احکام و اسرار عبادات آمده است که البته به صورت کامل نمی باشد و این مورد حکمت حکم است نه علت آن، و بعضی دیگر از احکام نه فلسفه آن ها در کتاب های دینی آمده است و نه عقل ما آن ها را درک می کند و ناگزیر از روی

۱- (۱) . زن در آیینهٔ جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، ص ۳۴۷

۲- (۲) . ر.ک: تفسیر نور، ذیل آیه ۱۱ سوره نساء.

تعبد آن ها را بپذیریم و به آن ها عمل کنیم؛ زیرا براساس علم و حکمت الهی بوده است.

نکتهٔ جالب این که از آنجا که خداوند تمام قوانین حقوقی را براساس حقوق فطری و ویژگی های انسان تنظیم و تدوین فرموده است، در پایان آیهٔ ارث (نساء / ۱۱) دو اسم از اسمای حسنای الهی را یادآور می شود... و آن «علم» و «حکمت» خداوند است «... ان الله کان علیماً حکیما»؛ یعنی شما از علم و حکمت کافی برخوردار نیستید تا راز تفاوت را که در هستهٔ مرکزی عدل نهفته است، در آن جستجو کنید، لیکن خداوند آگاه و حکیم است؛ همهٔ علل تساوی و عوامل تفاوت را جمع بندی نموده و بر مدار حکمت، به صورت دستورهای معتدل حقوقی صادر می فرماید تا مسائل در سنت و مانند آن، از «تفریط» جاهلیت کهن، و از «افراط» جاهلیت جدید و مُدرن مصون بماند. (۱)

۵. عدالت آن نیست که در تقسیم چیزی، به همهٔ افراد به طور مساوی بدهند؛ برای مثال، در یکی از اتاق های بیمارستان که یک متخصص مسئول معالجهٔ بیماران آن اتاق است، برای هر کدام با توجه به وضعیت آن ها دستور غذایی خاص می دهد؛ در دستور غذایی یکی چلومرغ است و دیگری سوپ و به بیماری نیز اجازهٔ غذا خوردن نمی دهد که ممکن است برای برخی جای تعجب باشد و بگویند چرا به همه یک نوع غذا نمی دهد؟

۱- (۱) . ر.ک: زن در آیینه جلال و جمال، ص ۳۴۷.

عدالت آن است که هر چیزی را به موقع، و در جای خودش قرار دهیم و خداوند که حکیم و علیم است و خود خالق انسان ها می باشد، می داند که مصالح و مفاسد بندگان خود در چیست و از این رو، احکام را بر اساس مصالح و مفاسد وضع می کند، هرچند در ظاهر برای برخی افراد ناخوشایند باشد؛ بنابراین، آنچه ناپسند است، تبعیض می باشد نه تفاوت.

تذکر مهم

احکام اسلامی به صورت اجزای یک سیستم و شبکه به همدیگر مرتبط هستند و گاهی با توجه به همدیگر حکم جدید وضع می شود؛ از این رو، در موقع قضاوت و داوری و اشکال گرفتن به یک حکم، باید به احکام دیگر بی توجه نبود و از همهٔ جوانب به آن نگاه کرد؛ برای مثال، داوری دربارهٔ تقسیم ارث زنان که از قوانین اقتصادی اسلام است، باید با توجه به قوانین اقتصادی دیگر اسلام باشد.

چنانچه بیان شد، اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده را به مرد واگذار و بر او واجب کرده است، در حالی که در این باره به عهدهٔ زن هیچ مسئولیتی گذاشته نشده است، و از سوی دیگر، به هنگام ازدواج مهریهٔ زن بر عهدهٔ مرد است که پرداخت آن عند المطالبه بر مرد واجب می باشد؛ از این رو لازم است احکام و قوانین اقتصادی را به صورت یک شبکه و سیستم به هم پیوسته نگریست نه از هم گسیخته و جدا جدا.

ص:۲۶

۶. در قانون ارث همیشه این گونه نیست که سهم پسر دو برابر دختر باشد و در مواردی از این قانون تبعیت نمی شود که عبارت اند از: (۱)

الف – مواردی که سهم زن بیشتر از مرد است

– موردی که میت غیر از پدر و دختر، وارث دیگری نداشته باشد که در این جا پدر می برد و دخترش بیش از او.

– موردی که میّت دارای نوه باشد و فرزندان او در زمان حیات وی مرده باشند، که در این جا نوهٔ پسری، سهم پسر را می برد (هرچند دختر باشد) و نوهٔ دختری، سهم دختر را می برد (هرچند پسر باشد).

ب. مواردی که زن به مانند مرد ارث می برد

– در صورتی که میت فرزند داشته باشد، هر یک از پدرو مادر از سهم ارث را می برند، و سهم پدر از مال فرزند (در این مورد) بیشتر از مادر نیست.

* کلالهٔ مادری – یعنی برادر و خواهر مادری میت – به اندازهٔ مساوی ارث می برند. (۲)

در وضع احکام و قوانین، قانون به صورت کلی وضع می شود و ناظر به موارد جزئی و استثنایی نیست و بر محور افراد دور نمی زند؛ برای مثال، اسلام

۱- (۱) . زن در آیینهٔ جلال و جمال، ص ۳۴۶ و ۳۴۵

۲- (۲) . نساء، ۱۲ و ۱۱.

مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهدهٔ مرد قرار داده و بر او واجب کرده است؛ از این رو در وضع قوانین، اسلام مرد را محور و رکن اقتصادی و نان آور خانواده می داند، حال اگر دختری مجرد و ازدواج نکرده باشد، موردی استثنایی است، ولی قانون، کلی و برای همهٔ زنان است.

اما در مورد قسمت دوم سوال که گفته شده است: «در برخی روایات تبعیض حقوقی به ویژه بین زن و شوهر به چشم می خورد.» توجه به چند نکته لازم است:

اولاً: تمام روایات را بررسی کرده و مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم به صورت جامع و دقیق قضاوت کنیم.

ثانیاً: هر روایتی که مشکل به نظر می رسد، باید به صورت خاص ذکر شود.

ثالثاً: بین تفاوت و تبعیض فرق بگذاریم؛ زیرا در بسیاری از روایات تفاوت ها بیان شده نه تبعیض، همان گونه که در بخش قبل بیان شد.

رابعاً: اگر در بعضی روایات برخی زنان نکوهش شده اند، دلیلی خاص دارد.

ستایش ها و نکوهش ها

گاهی حادثه و یا موضوعی در اثر یک سلسله عوامل تاریخی، زمانی، مکانی، افراد، و شرایط و علل و اسباب آن، ستایش یا نکوهش می شود. معنای این ستایش و نکوهش این نیست که اصل طبیعت آن شیء قابل ستایش و یا مستحق نکوهش است، بلکه احتمال دارد زمینهٔ خاصی سبب این ستایش و نکوهش شده باشد؛ مثلاً اگر قبیله ای ستایش شود، احتمال دارد به خاطر آن

باشد که مردان خوبی در آن عصر از این قبیله برخاسته اند و شاید در موقعی دیگر افرادی از آن قبیله مستحق نکوهش باشند و مورد نکوهش واقع شوند؛ (۱) همان گونه که از بصره و کوفه نیز در زمینه هایی نکوهش شده، در صورتی که بصره رجال علمی فراوانی تربیت کرده و کوفه نیز مردان مبارز و کم نظیری را به اسلام تقدیم کرده است، و کسانی که به خونخواهی سالار شهیدان(علیه السلام) برخاستند، از کوفه برخاسته بودند.

در نتیجه نمی توان گفت: «چون مثلاً کوفه یا بصره نکوهش شده است، آن دو شهر برای همیشه و ذاتاً بد و سزاوار نکوهش اند.»

آری قضایای تاریخی در یک مقطع حساس زمینهٔ ستایش و یا نکوهش را فراهم می کند و با گذشت آن مقطع، زمینهٔ مدح و ذم منتفی می گردد. (۲)

بخشی از نکوهش های نهج البلاغه در مورد زن نیز ظاهراً به جریان جنگ جمل باز می گردد (۳) و یک قانون کلی و همگانی دربارهٔ عموم زنان نیست، بلکه با توجه به این که این خطبه بعد از جنگ جمل (که عایشه به راه انداخت) از امام علی(علیه السلام) صادر شده است، دربارهٔ دستهٔ خاصی از زنان می باشد که در این گونه مسیرها گام برمی دارند؛ (۴) چنانچه ابن ابی الحدید - از علمای سنی مذهب

۱- (۱) . همان، ص ۳۶۸

۲- (۲) . همان، ص ۳۶۹

۳- (۳) . همان

۴- (۴) . ترجمه نهج البلاغه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۳۸۹ - ۳۹۰.

- در شرح نهج البلاغه در مورد این خطبه می نویسد: «هذا الفصل کله رمز الی عایشه؛ (۱) تمام این خطبه اشاره به عایشه است.» وگرنه چه کسی می تواند فداکاری های زنان بزرگ و با شخصیتی همچون حضرت خدیجه(سلام الله علیها)، حضرت فاطمه زهرا و زینب کبری - علیهن السلام - و ... را در راه اسلام، انکار کند؛ علی(علیه السلام) نیز برای آنان احترام فوق العاده ای قائل بود. (۲)

معرفی کتاب:

۱. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ذیل آیات مربوطه؛

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛

۳. تفسیر نور، محسن قرائتی؛

۴. قرآن در آیینه اندیشه ها، جمعی از نویسندگان؛

۵. سیری در مسائل خانواده، حبیب الله طاهری؛

۶. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی؛

۷. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری؛

۸. منزلت زن در اندیشه اسلامی، محمد فنایی اشکوری؛

۹. زن در آیینهٔ جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی.

۱- (۱) . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید (المعتزلی)، ج ۳، ص ۳۱۹

۲- (۲) . ترجمه نهج البلاغه، مکارم شیرازی، ص ۳۹۰.

پرسش:

اگر دین اسلام میان دختر و پسر تفاوتی قائل نیست، چرا دیه دختر نصف دیه پسر است ؟

اشاره

پاسخ:

دختران و پسران جزئی از جامعه انسانی زنان و مردان هستند و تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف – تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی زن و مرد:

همان گونه که از آیات قرآن به دست می آیـد، دین اسـلام نه تنها در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش ها، و مقام و منزلت معنوی و انسانی، مساوی می داند که به ذکر نمونه هایی از آیات قرآن می پردازیم:

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد از لحاظ خلقت

قرآن کریم در آیاتی متعـدد زن و مرد را از یک طینت دانسـته و اعلام می کنـد که زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده اند و مکمل یکدیگرند؛ از جمله: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِى خَلَقَكُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيراً وَنِسَاءً ؛ (۱)ای مردم! [خودتان را] از [عذاب] پروردگارتان حفظ کنید، (همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد در داشتن صفات برجسته و ارزش های والای انسانی و مقام معنوی

در سوره احزاب آیه ۳۵ می خوانیم: «به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردانِ مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آن ها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» (۲)

در تفسیر آیه چنین آمده است: «گاه بعضی چنین تصور می کنند که اسلام کفهٔ سنگین شخصیت را برای مردان قرار داده و زنان در برنامه اسلام چندان جایی ندارند؛ شاید منشأ اشتباه آن ها پاره ای از «تفاوت های حقوقی»

۱- (۱) . نساء، ۱

۲- (۲) . «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً»

باشد که هر کدام دلیل و فلسفهٔ خاصی دارد، ولی بدون شک با قطع نظر از این گونه تفاوت ها که با موقعیت اجتماعی و شرایط طبیعی آن ها ارتباط دارد، هیچ گونه فرقی از جنبه های انسانی و مقامات معنوی میان زن و مرد در برنامه های اسلام وجود ندارد. آیه فوق دلیل روشنی بر این واقعیت است؛ زیرا به هنگام بیان ویژگی های مؤمنان و اساسی ترین مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی، زن و مرد را در کنار یکدیگر همچون دو کفه یک ترازو قرار می دهد و برای هر دو ارزشی یکسان بدون کم ترین تفاوت قائل می شود. ...» (۱)

۳. تساوی زن و مرد از لحاظ ثواب و عقاب اعمال

قرآن در احکام، کیفرها و ثواب اعمال به زن و مرد را یکسان خطاب کرده، قبح گناه و اعمال حرام و ممنوع، و کیفر آن ها، و نیز ثواب اعمال را در مورد زن و مرد مساوی بیان می کند؛ از جمله:

- «و مردِ دزد و زنِ دزد، به کیفر آنچه بدست آورده اند [و] بخاطر مجازات [پیشگیرانه] الهی، دست هایشان را قطع کنید؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است.» (۲)

- «خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنّم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا آنان را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است.» (۳)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۷، ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب

۲- (۲) . مائده، ۳۸: «وَالسارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

۳- (۳) . توبه، ۶۸: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ»

- «و هر کس از مرد یـا زن، (چیزی) از (اعمـال) شایسـته انجـام دهـد در حـالی که او مؤمن باشـد، پس آنـان داخل بهشت می شوند؛ و کم ترین ستمی به آنها نخواهد شد.» (۱)

- «هر کس از مرد یا زن، [کار] شایسـته ای انجام دهـد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه ای زنده می داریم؛ و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.» (۲)

- « هر کس از مرد یا زن، (کار) شایسته ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس آنان داخل بهشت می شوند در حالی که در آنجا بی شمار «روزی» داده می شوند.» (۳)

۴. تساوی زن و مرد در تحمل تکلیف و مسئولیت

قرآن کریم با مطرح کردن زندگی آدم و حوا و رانده شدن آن ها از بهشت هیچ کدام را مسـئول اصـلی معرفی نمی کند و در بیشتر مواقع هر دو را مسئول می داند و حتی گاهی به صراحت می گوید: شیطان آدم را وسوسه کرد و قرآن

ص:۳۴

۱- (۱) . نساء، ۱۲۴: «وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلاَ يُظْلَمُونَ نَقِيراً»

۲- (۲) . نحل، ۹۷: «مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

۳- (۳) . غـافر، ۴۰: «مَنْ عَمِـلَ سَـيِّئَةً فَلاَـ يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَـا وَمَنْ عَمِـلَ صَالِحـاً مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَـدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»

با این بیان بر روی اعتقاداتی مانند این که «عنصر گناه و شیطان کوچک دانستن زن» خط بطلان می کشد.

-«فَقُلْنَا یَاآدَمُ إِنَّ هـذا عَـدُوٌّ لَکَ وَلِزَوْجِکَ فَلاَ یُخْرِجَنَّکُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْـقَی؛ (۱)پس گفـتیم: ای آدم! این (ابلیس) دشـمن تو و (دشمن) همسر توست، مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به رنج و زحمت خواهی افتاد!»

-«فَدَلاَّهُمَا بِغُرُورٍ...؛ (۲)به این ترتیب آن ها را با فریب از مقامشان فرود آورد.»

- «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّیْطَانُ...؛ (۳)پس شیطان آن دو را وسوسه کرد.»

۵. تساوی زن و مرد از لحاظ تعلیم و تعلّم

از آیات قرآن کریم به دست می آید که همهٔ مسـلمانان اعم از زن و مرد باید به کسب علم و دانش اهتمام ورزند؛ برای نمونه، قرآن بارها یادآور می شود که قرآن را بخوانیـد، تلاوت کنیـد و پیرامون آیات آن بیندیشـید. تفکر و تدبر در آیات خداوند و در طبیعت و عبرت از آن هـا نیز بارهـا در قرآن توصـیه شـده است و قرآن در این زمینه میـان زن و مرد تفـاوتی قائـل نیست و هرگز کسب علم و دانش را به یک جنس خاص محدود نمی کند. از حضرت رسول

۱- (۱) . طه، ۱۱۷

۲- (۲) . اعراف، ۲۲

۳- (۳) . اعراف، ۱۲۰.

اکرم(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة؛ (1) فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

۶. مساوات زن و مرد در پیشگاه خدا

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ؛ (2)ملاک برتری نزد خداوند تقوا می باشد (چه زن چه مرد).»

اینها نمونه هایی از تساوی ارزشی و مقام و منزلت معنوی زن و مرد بود که در این جا به همین مقدار بسنده می کنیم.

ب– تفاوت های بین زن و مرد

با وجود مطالبی که در مورد تساوی زن و مرد گذشت، نمی توان تفاوت های موجود میان زن و مرد را منکر شد، تفاوت هایی که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می سازد و همین تفاوت هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زن و مرد می شود.

یادآوری: در مورد تفاوت های زن و مرد در مباحث قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

۱- (۱) . میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۳

۲- (۲) . حجرات، ۱۳.

پرسش:

مقصود از «فمینیسم» چیست و پیامدهای منفی آن در روابط زن و مرد کدام است ؟

پاسخ:

فمینیسم (جنبش دفاع از حقوق زنان) با تمام افت و خیز و تشتّت درونی اش، به تدریج به یک حرکت حقوقی وسیع اندیشید.

پیدایش سازمان ملل متحد به عنوان بالا-ترین نهاد مدنی، تعاملات ملت ها را به سمت روابط دیپلماتیک تر سوق داد، و کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان اعلامیه ای را تهیه کرد که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م، ۱۹ آذر ۱۳۲۷ مجمع عمومی به تصویب رساند. شش سال بعد، مجمع عمومی بر این اساس دو قرار یا دو میثاق سامان داد که یکی شامل «حقوق سیاسی و مدنی» و دیگری شامل «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» شد. این دو میثاق به منزلهٔ دو سازِ کار مهم برای اعلامیه ای جهانی حقوق بشر بودند که در نهایت در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی از تصویب مجمع عمومی گذشت. (۱)

ص:۳۷

۱- (۱) . نظام بین الملل حقوق بشر، حسین مهرپور، ص ۴۳ - ۴۶ (با تلخیص).

آنچه این پیشینهٔ مختصر را به بحث ما مرتبط می سازد، این است که تمام این نوشته ها با وجود تاکیدشان بر «حقوق طبیعی و فطری» آحاد انسان ها، به صراحت وحدیت زنان را مخاطب قرار نداده و مدافعان حقوق زن را ابداً راضی نکرده اند. بر این اساس، آن ها تلاش خود را به این سمت معطوف ساختند که سازمان ملل متحد را به عقد معاهده ای وادار نمایند که موضوع اصلی آن، زنان و هدف اساسی آن، بررسی حقوق زنان و مردان باشد. این تلاش ها در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به تهیهٔ پیش نویسی در بارهٔ مسائل زنان با عنوان «اعلامیهٔ رفع تبعیض علیه زنان» انجامید. پیش نویس یاد شده پس از تصویب نهایی به صورت «کنوانسیون محو کلیهٔ اشکال تبعیض علیه زنان» در آمد و در ردیف معاهدات حقوقی بین المللی با تضمینات لازم قرار گرفت. زمان تصویب معاهدهٔ فوق ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م، آذرماه ۱۳۵۸ و زمان لازم الاجرا شدن آن (به دلیل الحاق حد نصاب لازم از کشورها به آن) ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ م، ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ بود.

از آن پس، با رویکرد مستمر این سازمان به مسئلهٔ زنان روبه رو هستیم، به گونه ای که این سازمان طی ۲۷ سال گذشته پنج کنفرانس جهانی مخصوص زنان برگزار کرده که در هر کدام از آن ها چگونگی پیشرفت یا رکود کشورها در مسائل زنان گزارش و بررسی شده است. در تمام این اجلاس ها شاخص اصلی، کنوانسیون محو تبعیض از زنان بوده است.

کنفرانس های مزبور عبارت اند از: کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاک (۱۹۸۰)، نایروبی (۱۹۸۵)، پکن (۱۱۹۴) و نیویورک (۲۰۰۰). (۱)

جنبش فمینیستی و پیامدهای اجتماعی

«کنوانسیون» که در واقع نتیجه تلاش جنبش های فمینیستی است، همنوا با جنبش های فمینیستی زنان غرب به منظور استیفای حقوق زنان و در جهت احیا و تثبیت جایگاه واقعی آنان، سیاست ها و برنامه هایی را با تأکید به اعضای خود توصیه نموده است. مواردی نیز مانند فرصت های شغلی برابر، آموزش های مختلط به جای قالب های سنّتی آموزش، الغای محدودیت های سنّتی حضور اجتماعی زنان و روابط آزاد مرد و زن از جمله برنامه های جنبش های فمینیستی و کنوانسیون برای یکسان سازی جایگاه زنان و مردان در جهان است که از دیرباز بسیاری از جوامع غربی تحت تأثیر امواج اجتماعی و فرهنگی فمینیستی به این توصیه ها عمل کرده اند. اکنون پس از چندین دهه فرصت آزمون و خطا، وقت ارزیابی برنامه های فمینیستی و توصیه های آنان فرا رسیده است. این در حالی است که جمعی از جامعه شناسان غربی و منتقدان اجتماعی مقولاتی را که با تأکید از سوی کنوانسیون و جنبش فمینیستی توصیه شده است، برای علل اصلی برخی معضلات اجتماعی بر شمرده اند. هدف ما در این جا نشان دادن همین نقاط تلاقی است؛ یعنی

۱- (۱) . نقد کنوانسیون رفع کلیهٔ اشکال تبعیض علیه زنان، خانم علاسوند، ص ۲۱ - ۲۳ (با اندکی تلخیص).

مواردی که از سوی کنوانسیون و جنبش فمینیستی به جوامع انسانی، به ویژه جامعه زنان، توصیه شده اند، ولی نظریه های آسیب شناسی آن را علت بروز اختلالات و ناهنجاری های اجتماعی معرفی می کند. اگر چه بررسی و تبیین همهٔ نقاط تلاقی کار دشوار و پیچیده ای است که فرصت مناسب تری را می طلبد، مواردی که در این جا مورد بررسی و استناد قرار گرفته، در جدول (شماره ۱) به نمایش گذاشته است:

جدول شماره ۱:

توصیه های جنبش فمینیستی و کنوانسیون و پیامدهای آن از نگاه صاحبA��نظران اجتماعی

ص:۴۰

در اینجا به بررسی معضلات اجتماعی جوامع صنعتی غرب و ارتباط آن ها با مقولات مورد عنایت کنوانسیون و جنبش فمینیستی می پردازیم:

۱. رشد منفی یا سیر نزولی جمعیت

یکی از مسائل و معضلات بزرگ اجتماعی، تئوری های توسعه یافته رشد منفی (یا ساخت پیر) جمعیت است. در جمعیت شناسی، «رشد منفی جمعیت» به سیر نزولی و انقراض تدریجی یک نسل تعریف شده است؛ به تعبیر روشن تر، با رشد منفی جمعیت در یک جامعه ناقوس های مرگ و انقراض آن جامعه به صدا در آمده است. این پدیده نامیمون هنگامی رخ می دهد که نسل حاضر به تولید نسل بعدی (جانشین) تمایلی نشان ندهند و یا حداکثر به یک (یا حتی دو) فرزند بسنده کنند، بدیهی است که در این گونه جوامع، درصدد بزرگسالان و سال خوردگان نسبت به درصد کودکان و نوجوانان مساوی یا بیشتر است.

مطالعات جامعه شناسی نشان می دهد که ساخت جمعیت در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپایی و آمریکایی، پیر و در کشورهای جهان سوم جوان است. مقایسهٔ جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۲۵ سال در چند کشور جهان سوم و جهان صنعتی غرب در سال ۱۹۹۷ مطلب فوق را تایید می کند:

ص:۴۱

جدول شماره ۲:

مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۶۵ سال جهان سوم و جهان صنعتی

ویلیام. ژگود کاهش درصد موالید در کشورهای مغرب زمین بین سال های ۱۸۶۶ - ۱۹۶۱ را یادآور می شود. این کاهش به خصوص در چهارده کشور، به موازات توسعهٔ صنعتی مشاهده شده است: در فرانسه ۲۵ تولد برای ۱۰۰۰ نفر در سال های ۱۸۸۱ - ۱۱۸۵ در مقابل هجده تولد سال ۱۹۵۹ و ۱۶۷ تولد در سال های ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ بوده است. در ایالت متحدهٔ آمریکا چهل تولد برای هزار نفر در سال ۱۸۸۰، ۲۳/۵ تولد در سال ۱۹۶۱ و ۱۷/۵ تولد در سال ۱۹۶۸ ثبت شده است. در کشورهای کاپیتالیست (ایالت متحدهٔ آمریکا، فرانسه، کانادا، بلژیک و ...) و

ص:۴۲

سوسیالیست (شوروی، رومانی، اتریش) درصد تولدها کاهش بیشتری داشته است. (۱) در آمریکا طی سال های اخیر به طرز قابل توجهی از تعداد خانواده هایی که دارای سه فرزند یا بیشتر بودند کاسته شده و در مقابل به تعداد خانواده هایی که دارای فرزند نیستند، افزوده شده است. (۲) رشد منفی جمعیت و پیامدهای زیانبار اجتماعی و سیاسی آن، همان خطر و بحرانی است که فیلسوف و روانشناس شهیر فرانسوی - پیرژانه - از سال ها قبل آن را به مغرب زمین، به ویژه فرانسه کشور متبوعش، گوش زد کرده بود.

«کشور فرانسه را اکنون خطری بزرگ و سهمناک تهدید می کند. این خطر را نیاکان ما درست احساس نمی کرده اند، ولی در هر صورت حتمی و نزدیک است. بسیاری از گویندگان و نویسندگان بحران موالید و خطر نقصان جمعیت را یادآوری کرده اند. از چند سال پیش، میزان موالید (یعنی نسبت عدهٔ نوزادان هر سال به تعداد جمعیت) پیوسته رو به کاهش می رود و این کاهش در هر سرشماری بعدی محسوس تر است. تعداد نوزادان که در سال ۱۸۶۹ در حدود یک میلیون بوده، به تدریج کاهش یافته است و در سال ۱۹۲۲ به ۷۶۰۰۰۰ رسیده است. ... نقصان جمعیت، کشور را به سقوط سیاسی و نظامی و همچنین به ورشکستگی اقتصادی، عقلی و اخلاقی تهدید

ص:۴۳

۱- (۱) . جامعه شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمهٔ فرنگیس اردلان، ص ۱۵۷

۲- (۲) . سیمای زن در جهان - آمریکا، ص ۳۲.

می کنـد. ... نقصان جمعیت به تدریـج از سـلامت بـدنی و فکری نژاد ما می کاهـد. اگر نقصان نوزادان ادامه پیـدا کند، ناچار کشور فرانسه شاهد و ناظر انحطاط و تنزل فاحش خود خواهد بود. (۱)

این خطر و پیامـد منفی آنچنـان آینـده و بقـای کشورهـای صـنعتی غرب را تهدیـد می کنـد که دولتمردان و سیاسـتمداران آن سامـان را به اتخـاذ سیاست و تـدابیر تشویقی برای افزایش بـارداری نـاگزیر ساخته است. به گفته یکی از کارشـناسان جمعیت شناسی «اصلی ترین سیاست کشورهای توسعه یافته در سال های اخیر سیاست جمعیتی تشویق ولادت بوده است.» (۲)

چهارچوب تئوریک رشد منفی جمعیت و مفاد گزاره های فمینیستی در کنوانسیون

علت اصلی و اساسی این سیر نزولی جمعیت در کشورهای فمینیستی، پیامد اجتماعی چه متغیر مستقلی است؟

در پاسـخ به سؤال فوق و در بررسـی و تحلیل رشـد منفی جمعیت، صاحب نظران و منتقـدان اجتماعی بر نقاط مشترکی دسـت گذاشـته اند، ولی علل و عواملی که از سوی آنان برای این پدیدهٔ ناخواسته معرفی شده، همان اموری است که فمینیست ها در مفاد کنوانسیون بدان توصیه، سفارش و تاکید می کنند:

۱- (۱) . درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی، احمد کتابی، ص ۲۳۴ و ۲۳۵

۲- (۲) . جمعیت و تنظیم خانواده، صمد کلانتری، ص ۱۲۷.

الف - اشتغال بانوان

اشتغال بانوان و ایجاد فرصت های شغلی برابر با مردان که فمینیست ها در مادهٔ ۸۱ کنوانسیون بدان توصیه و تاکید کرده اند، از سوی جمعیت شناسان و محققان اجتماعی از جمله عوامل اصلی کاهش میزان رشد جمعیت در کشورهای غربی و صنعتی معرفی شده است.

ارتباط میان این دو متغیر (اشتغال زنان و سقوط رشد جمعیت) در نزد جامعه شناسان و جمعیت شناسان به قدری بدیهی است که برای کنترل و تعدیل رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم، اشتغال بانوان را

ص:۴۵

توصیه می کنند: (۱) خانم «اندره میشل» در کتاب جامعه شناسی خانواده و ازدواج در بررسی عوامل کاهش میزان جمعیت در کشورهای صنعتی می نویسد:

«در کشورهای صنعتی، مطالعات نشان می دهد که نقش زن در خانواده دگرگون شده؛ زن ازدواج کرده که در خارج از منزل کار می کند، وظایف سنگین مربوط به خانه را نیز انجام می دهد، پس این سوال پیش می آید که آیا وظایف دو جانبهٔ ما در جامعهٔ امروزی تا حدودی در کاهش متولدین موثر نیست؟ آمار فرانسه و آمریکا - من باب مثال - نشان می دهد که تعداد کودکان زنان شاغل معمولاً نسبت به زنانی که شاغل نیستند، کم تر است. در پاریس، یک مطالعهٔ نمونه گیری احتمالی روی ۴۵۰ خانواده پاریسی نشان داده که میانگین تعداد فرزندان زنان ازدواج کرده شاغل ۱/۴۸ است و میانگین آن برای زنانی که کار نمی کنند ۲/۵۰ است. در ایالات متحده آمریکا تعداد فرزندان با تعداد سال هایی که زن ازدواج کرده شاغل است، نسبت معکوس دارد.» (۲)

به هر حال کشورهای فمینیستی مغرب زمین، امروزه به سر دو راهی دشواری قرار گرفته اند؛ آیا بر شعار تساوی و برابری پافشارند و اشتغال بانوان را پا به پای مردان ترویج کنند، یا از شعار جهانی خود (ضرورت اشتغال برابر

۱- (۱) . جمعیت و تنظیم خانواده، حلم سرشت، پرپوش و دل پیشه، اسماعیل، ص ۶۶

۲- (۲) . جامعه شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمه فرنگیس اردلان، ص ۱۹۶.

زنان با مردان) دست بردارند و به برگشت بانوان به خانه برای تولید نسل و بهبود نرخ رشد جمعیت رضایت دهند؟

ب- روابط جنسی آزاد

از نظر کارشناسان علوم اجتماعی یکی دیگر از عوامل رشد منفی جمعیت در غرب، گسترش فزاینده روابط عاطفی و جنسی آزاد است.

مواد ۱ و ۳ کنوانسیون، جوامع انسانی را از اعمال هرگونه محدودیت زنان به سبب تمایزها و تفاوت های جنسیتی بر حذر می دارد و این گونه محدودیت ها را تبعیض ناروا بر زنان و ممنوع می شمارد. دقیقاً بر هیمن اساس کنوانسیون در بند «ج» از مادهٔ ۱۰ خواستار اختلاط و ارتباط آزاد دختران و پسران در مدارس می شود و در بند «الف» از ماده ۵ نیز الغای رسوم و روش های سنّتی، تعصب آمیز و کلیشه ای را در روابط زن و مرد توجیه می کند.

در الگویی که گزاره های فمینیستی و کنوانسیون از روابط اجتماعی زن و مرد ارائه می دهند، زنان مانند مردان آزادند با هر فردی که دوست دارند، روابط عاطفی و دوستانه برقرار کنند و در این راه، تفاوت های جنسی و طبیعی آنان با مردان مجوز معقول و مشروعی برای ممنوعیت رابطهٔ دوستی آنان با مردان نیست. پیامد طبیعی و منطقی چنین توصیه ای که در کشورهای اروپایی و صنعتی غرب به دقت عمل می شود، طبق آمار و واقعیت موجود در

این گونه کشورها، افزایش چشمگیر میزان روابط جنسی نامشروع به ویژه در قشر دانش آموزان دبیرستانی و حتی راهنمایی، است.

بنا بر برخی برآوردها شمار افرادی که در آمریکا قبل از نخستین ازدواج خود تجربهٔ زندگی مشترک خارج از ازدواج با دیگری را داشته اند، از ۱۱ درصد در سال ۱۹۷۰ به حدود ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. به ادعای یک پزشک آمریکایی که در یکی از زایشگاه های این کشور فعالیت داشته و در مورد مشکلات محل کار خود مقاله ای نوشته است، بیشتر موالیدِ مربوط به زنان پایین تر از ۲۰ سال و تقریباً ۹ درصد از زایمان های زنان سیاه پوست همسن آنان مربوط به موالید نامشروع بوده است. (۱)

نکته ای که در این مطلب به بحث ما (رشد منفی جمعیت در غرب) مربوط می شود، این است که شیوع روابط آزاد زنان و مردان موجب ارضای غرایز و نیازهای جنسی آنان می گردد و تمایل نداشتن به تشکیل خانواده که دارای بار مسئولیت است، یا تاخیر در سن ازدواج را به دنبال دارد:

۱- (۱) . سیمای زن در جهان - آمریکا، ص ۳۴ و ۳۵

خانم انـدره میشل در گزارش یونسـکو (۱۹۹۱ - ۱۹۹۲) اعلام می کنـد که شـمار فزاینـده ای از مردان و زنان در پی زنـدگی مشترکی هستند بیرون از مدار ازدواج قراردادی در سراسر اروپا. افزایش شمار وصلت های غیررسمی، کاهش در میزان ازدواج را ترسیم می کند. تنها در فرانسه که در این زمینه از کشورهای اسکاندیناوی بسیار عقب تر است، ده درصد ازدواج ها

ص:۴۹

(حدود یک میلیون زوج) در دایرۀ وصلت های آزاد با هم زندگی می کنند. این نسبت میان زوج های جوانی که در پاریس و حول و حوش آن زندگی می کنند و سن مرد در میان آن ها از ۲۵ سال کم تر است تا ۵۰ درصد بالاتر می رود.

گزارش کارشناسان اجتماعی مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری دربارۀ وضعیت سیاسی و اجتماعی آمریکا نیز نشان می دهد که رواج ارزش های جدید جوامع صنعتی و غربی همچون همجنس بازی، زندگی مشترک خارج از چهارچوب ازدواج، روابط جنسی غیر مشروع ... در آمریکا، ازدواج سنتی و خانواده را با تهدیدات زیادی مواجه کرده اند. در طی دو سه دهه گذشته در کشورهای غربی زندگی مشترک خارج از ازدواج رشد زیادی کرده است. در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ۱۰ زوج ۳ تا ۴ زوج زندگی مشترک خارج از ازدواج دارند. این نرخ در سوئیس، فرانسه، انگلستان و هلند بین ۱ تا ۲ و در ایتالیا، اسپانیا، ایرلند و سایر کشورهای کاتولیک کم تر است. امروزه آمار زندگی مشترک خارج از ازدواج در آمریکا رشد نگران کننده ای یافته است؛ بنابر برخی تخمین ها، تعداد افرادی که قبل از نخستین ازدواج خود تجربۀ زندگی مشترک خارج از ازدواج را با دیگری داشته اند، از ۱۱٪ در سال ۱۹۷۰ به ۵۰٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. ... (۱)

۱- (۱) . سیمای زن در جهان - آمریکا، ص ۳۴ - ۳۵.

۲. روابط نامشروع جنسی

دومین پیامد اجتماعی اجرای مفاد گزاره های فمینیستی و کنوانسیون در مغرب زمین رشد فزایندهٔ «روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده» است. فمینیست ها با التزام به ضرورت نادیده انگاری تفاوت های جنسی و طبیعی میان زنان و مردان، از آزادی روابط زن و مرد و حتی اختلاط آزاد جنسی آنان در مدارس، حمایت و به آن توصیه کرده اند. جوامع غربی این توصیه را مانند توصیهٔ پیشین (فرصت های برابر شغلی برای زنان و مردان) تحت تاثیر جنبش های فمینیستی پذیرفتند و دقیقاً اجرا کردند و جامهٔ عمل پوشاندند، به گونه ای که مدارس و ورزشگاه های مختلط از نمادهای برجستهٔ آن است؛ اما این تمام داستان نیست. ناگفته پیدا است که روابط آزاد جنسی، بستری مناسب برای رشد و گسترش تمایلات جنسی است. نظریات روان کاوی در مورد رفتار جنسی مؤید این واقعیت است؛ برای مثال، می توان به نظریه «هورنای» در بارهٔ تمایلات جنسی اشاره کرد. هورنای معتقد است علت این که گاه نیاز به محبت به صورت تمایلات جنسی در می آید، عوامل مختلفی از جمله اوضاع و احوال فرهنگی و تربیتی است. در اجتماع هایی که روابط جنسی آزاد است، بسیاری از احتیاجات روانی شکل تمایلات جنسی پیدا می کنند و به صورت عطش جنسی در می آیند. (۱)

ص:۵۱

۱- (۱) . رفتارهای جنسی انسان، علی اسلامی نسب، ص ۸۷.

مطالعات و تحقیقات اجتماعی که جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی در آمریکا و کشورهای اروپایی انجام داده اند، نیز موید نظریهٔ فوق است.

«هانت» نتایج تحقیقات خود را در بارهٔ رفتارهای جنسی در مردان و زنان در مقایسه با تحقیقات «کین» در سی سال گذشته در کتابی به نام رفتار جنسی نگاشت که در اوایل دههٔ ۱۹۷۰، مؤسسهٔ (play boy) آن را منتشر کرد. نتیجهٔ مقایسهٔ تحقیقات هانت و کین در ۲۴ ایالت از ایالات متحده انجام شده، بیانگر آن است که در دهه های اخیر، آمیزش جنسی قبل از ازدواج بر اثر آزادی های جنسی افزایش یافته است؛ اما آمریکاییان سعی داشته اند که نتایج تحقیقات هانت را اشتباه جلوه دهند تا خود را از مشکلات مربوط به آن برهانند. (۱)

گزارش نشریه آمریکایی ریدرز دایجست در سپتامبر ۱۹۹۶ نیز نظریه «هورنای» و نتایج تحقیقات «هانت» را تایید کرد. طبق این گزارش، هر ساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین بین ۱۵ تا ۱۹ (دوره دبیرستان) به سبب ارتباطهای نامشروع آبستن شده و فرزندان غیر قانونی خود را به دنیا می آورند که این آمار در دهه های اخیر، سال به سال در حال افزایش است. این دختران با رؤیایی چون ازدواج با دوستان پسرشان، اتمام تحصیلات، شروع یک زندگی ایده آل و دست یابی به یک شغل مناسب، به این ارتباط

ص:۵۲

۱- (۱) . همان، ص ۲۰.

غیر قانونی روی می آورند، ولی بسیار زود پرده های سراب گونه این اوهام به کنار رفته و واقعیت زندگی روی خود را نشان می دهد و متاسفانه این بیداری درست در زمانی به دست می آید که این دختران نوجوان دیگر شأنی برای برخورداری از یک زندگی سالم و ایده آل ندارند.

این نشریه در ادامه گزارش خود، با اشاره به چگونگی آشنایی و برقراری ارتباط این دختران نوجوان با هم کلاس هایی پسرشان، طی گفتگویی با برخی از این دختران به نقل از یکی از آن ها می نویسد:

«ای کاش زمان به عقب بر می گشت! ای کاش من به عنوان عضوی از خانواده در میان والدینم جای داشتم! ای کاش هنگامی که زمینه های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده ام می اندیشیدم و این گونه به پایان خط نمی رسیدم!» (۱)

آمارهای نگران کنندهٔ فراوان در این زمینه ارائه شده است که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف نظر می کنیم؛ اما از آنچه گذشت، می توان نتیجه گرفت که: اولاً: روابط نامشروع و خانواده های پیش از ازدواج، در آغاز پدیده ای رایج اما ناخواسته و زیانبار نزد افکار عمومی غرب بوده است و ثانیاً: رواج این پدیده از نظر جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی غربی، ارتباط و همبستگی مستقیمی اجرا و تحقق گزاره های فمینیستی، به ویژه آزادی روابط زن و مرد، دارد؛ اما قضیه به همین جا ختم نمی شود.

۱- (۱) . فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، عبدالرسول هاجری، ص ۵۷.

برای آگاهی دقیق از پیامدهای اجتماعی اجرای مفاد گزاره های فمینیستی، به ویژه آزادی روابط و اختلاط زن و مرد، در غرب باید جادۀ روابط نامشروع را تا پایان بپیماییم؛ به بیان دیگر، نانی که دیدگاه های فمینیستی بر سر سفره غربی ها گذاشته اند، در ظاهر به گسترش روابط نامشروع ختم می شود، ولی واقعیت پنهان آن سقط جنین، موالید نامشروع، خشونت و تجاوز به زنان، خانواده های تک والدینی (مادر و فرزند)، بیماری های عفونی، واخوردگی جنسی و گرایش به همجنس بازی، روسپی گری و فروپاشی بنیاد خانواده است که از آن به بحران اخلاق و خانواده در غرب یاد می کنند. (۱)

در این جا از نمایی نزدیک، با گوشه ای از ارقام و آمار موجود دربارۀ پیامدهای روابط غیر رسمی در غرب آشنا می شویم:

ص:۵۴

۱- (۱) همان، ص ۵۸.

۱ –۲. نوزادان ناخواسته

بی شک موالید نامشروع بدیهی ترین پیامد روابط غیررسمی در غرب است. به گفته «اندره میشل» در ایالت متحده آمریکا درصد متولدین کودکان نامشروع سفید پوست و غیر سفید پوست در یک دورهٔ سی ساله بالا رفته است. از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۶۹ از صد کودک به دنیا آمدهٔ غیرسفیدپوست، هفده کودک نامشروع بوده و در سال ۱۹۶۹ این درصد به ۳۱ رسیده است و برای سفید پوستان در دورهٔ یاد شده افزایش از ۲ درصد به ۵/۳ درصد می باشد.

ص:۵۵

امروزه یکی از بزرگ ترین معضلات جامعه آمریکا حاملگی دختران نوجوان و زایمان های نامشروع آنان است. طی سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ نسبت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله آمریکایی که سابقهٔ آمیزش جنسی داشتند، از ۴۷ درصد به ۵۲ درصد افزایش یافت و با توجه به این که اکثر آنان از وسایل پیشگیری از بارداری نیز استفاده نمی کردند، آمار موالید نامشروع نیز افزایش چشمگیری یافت. (۱)

نوزادان نامشروع، عقده های روانی و فشارهای زندگی

حال که جریان بحث، به میزان فزایندهٔ موالید ناخواسته در غرب رسید، بد نیست به واقعیتی تلخ در این باره اشاره کنیم. موالید نامشروع در کشورهای غربی، سرنوشت شومی پیش رو دارند. آن ها محکوم اند که در کنار مادر (خانواده های تک والدینی)، اقوام و بستگان مادر یا در پرورشگاه ها زندگی سخت و پر مشقتی را سپری کنند و از آن بدتر، عنوان تحقیر آمیز و شکنندهٔ «بچه سر راهی و نامشروع» را تا پایان عمر بر دوش کشند. موالید نامشروع به سهم خود عامل بسیاری از بحران ها، ناامنی ها و انحراف ها در جوامع غربی بوده و هستند که امروزه قتل های خیابانی و خودکشی های جوانان و ... معلول همین علت است.

۱- (۱) . سیمای زن در جهان - آمریکا، ص ۳۴ - ۴۰.

۲ – ۲. سقط جنین

روابط غیررسمی و آبستنی های ناخواسته راهی است که در پایان به موالید نامشروع یا سقط جنین می انجامد؛ به بیان دیگر سقط جنین در کنار تولد موالید نامشروع، آخرین ایستگاهی است که روابط آزاد بدان منتهی می شود؛ از این رو، در کنار شمار روزافزون موالید نامشروع آمار سقط جنین در کشورهای غربی به ویژه دانش آموزان همواره رو به افزایش بوده است:

بنابر آمارهای منتشر شده در سال ۱۹۹۳ هر ساله حدود یک میلیون زن نوجوان آمریکایی حامله می شوند که ۴۰ درصد آنان داوطلبانه و ۱۳ درصد آن به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می کنند و ۴۷ درصد باقی، فرزند نامشروع خویش را به دنیا می آورند. نرخ سقط جنین های قانونی که در سال ۱۹۹۱ در آمریکا صورت گرفته ۱/۳۸۸/۹۳۷ مورد بوده است؛ به سخن دیگر، در این سال در مقابل هر هزار نوزادی که متولد شده، ۳۳۹ مورد سقط جنین صورت گرفته که رقم بسیار بالایی است. (۱)

این پدیده ناهنجار که معلول روابط آزاد جنسی به ویژه اختلاط دختران و پسران دانش آموز است، خطری است که جان شمار زیادی از زنان را تهدید می کند؛ از این رو، همان کسانی که دیروز از روابط آزاد و اختلاط دختران و

ص:۵۷

۱- (۱) . فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، عبدالرسول هاجری، ص ۶۲ – ۶۳.

پسران دانش آموز (که زمینه را برای روابط نامشروع و آبستنی های ناخواسته فراهم کرده اند) حمایت می کردند، امروزه فریادشان به وانفسا برخواسته است. در ماده ۹۶ از اعلامیه پایانی چهارمین کنفرانس جهانی زنان (پکن ۱۹۹۵) آمده است:

سقط جنین های ناایمن جان شمار زیادی از زنان را تهدید می کند و بیانگر مسئله ای خطیر در بهداشت عمومی است؛ زیرا عمدتاً فقیرترین و جوان ترین افراد در معرض بیشترین خطرها قرار می گیرند.

سپس در بند دال از مادهٔ ۱۰۶ با عنوان «اقداماتی که باید اتخاذ شود» برای جلوگیری از این پدیده شوم آمده است:

بررسی و بازنگری قوانینی که در بردارندهٔ اقدامات جزایی علیه زنان است که به سقط جنین غیر قانونی دست زده اند، در پرتو مفاد بند ۸/۲۵ برنامهٔ عمل کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه می باشد که بیان می دارد: تحت هیچ شرایطی نباید سقط جنین به عنوان روش تنظیم خانواده مطرح گردد و از دولت ها و سازمان های ذی ربط بین الدولی و غیر دولتی مصرّاً درخواست می شود تعهد خویش را به بهداشت زنان تحکیم بخشند و با پیامدهای سقط جنینِ ناایمن به منزلهٔ یکی از نگرانی های عمدهٔ بهداشت عمومی برخورد نمایند.

۲-۳. گسترش روسپی گری و شیوع بیماری های مقاربتی

گسترش روسپی گری و بیماری های عفونی و مقاربتی را باید از ضلع های دیگر مثلث شوم روابط آزاد جنسی برشمرد؛ به بیان دیگر، روابط آزاد جنسی

ص:۵۸

نقطهٔ عزیمت و سکّوی پرش به سوی روسپی گری و بیماری های مقاربتی است. این پدیـده به ویژه در بین دختران جوانی که به طور ناخواسـته، آبسـتن و صاحب فرزند (یا فرزندان) نامشـروع شده اند، شایع است؛ زیرا بدین وسـیله فرصت های اشـتغال و تحصیل را از دست می دهند و برای تامین هزینه های زندگی و رهایی از فقر به خودفروشی رو می آورند. ارتباط و همبستگی واقعی میان سه پدیـدهٔ یاد شده به گونه ای است که حتی مراکز رسـمی بین المللی که مروج روابط آزاد دختران و پسـران بوده انـد، نتوانسـته انـد آن را انکار کنند، بلکه به اشاره آن را تأیید کرده اند. اعلامیه جهانی پکن (۱۹۹۵) در مادهٔ ۱۲۲ ضمن تایید روابـط و همبسـتگی میـان روابـط آزاد و آمیزش نامشـروع، پیامـدهای روابط آزاد دختران و پسـران (آبسـتنی های ناخواسـته و بیماری های مقاربتی) به ویژه در مدارس و آموزشـگاه ها را هشدار می دهد و برای کنترل این عواقب زیانبار، طرح ها و برنامه های آموزش جنسی را توصیه می کند؛ از سوی دیگر، همین اعلامیه خطرهای مادر شدن زود هنگام دختران جوان و پیامدهای آن (ترک تحصیل و از دست دادن فرصت های اشتغال) را که به فقر شدید آنان ختم می شود، گوشزد می کند:

دختران نوجوان، هم از نظر زیست شـناختی و هم از نظر ویژگی های روانی – اجتماعی در برابر سوء استفاده و خشونت جنسی و روسپی گری و نیز پیامدهای روابط جنسـی بی محافظه و پیش از بلوغ آسـیب پذیرند. روندی که هم اینک به راسـتای تجربهٔ زود هنگام جنسی پیش می رود، همراه با فقدان

ص:۵۹

اطلاعـات و خـدمات، احتمـال خطر آبسـتنی هـای ناخواسـته و بسـیار زود هنگـام، آلـودگی به ایـدز و دیگر بیمـاری هـایی که انتقالشان از طریق دستگاه جنسی است و نیز سقط جنین های نا ایمن را افزایش می دهد. فرزند آوری زود هنگام همچنان یکی از موانع بهبود منزلت آموزشی، اقتصادی و اجتماعی زنان در همه نقاط جهان است. ...

ص:۶۰

۴ -۲. افول ازدواج و تشکیل خانواده

برای بررسی پیامدهای روابط جنسی آزاد در غرب، اینک بر اساس آخرین گزارش، به سقوط آمار ازدواج و تشکیل خانواده در غرب می پردازیم.

خانواده یکی از کهن ترین، گسترده ترین و کارآمدترین نهادهای اجتماعی است. قدمت این نهاد به آغاز زندگی بشر باز می گردد. گسترۀ خانواده به یک منطقه یا قبیله اختصاص ندارد، بلکه چتر جغرافیایی آن همۀ جوامع، ملل، قبایل و نژادها را در بر می گیرد. اگر چه دنیای مدرن و فرهنگ مدرنیته، بسیاری از عناصر و مولفه های سنتی زندگی اجتماعی را ناکار آمد و از صحنه خارج کرد، کارکردهای متنوع، متعدد و انکارناپذیر این درخت کهن به گونه ای است که سازمان های بین المللی در سال های اخیر برای حفظ، احیا و گسترش آن در مقابل امواج سهمگین و خانمان برانداز فرهنگ مدرنیته سالی را به نام «سال خانواده» تعیین کردند.

ضعف و رخوت این نهاد کهن و مبارک را هیچ جامعه ای بر نمی تابد. این در حالی است که فرهنگ مدرن در کشورهای صنعتی غرب سر ناسازگاری با ازدواج و تشکیل خانواده گذاشته و آمار ازدواج و تشکیل خانواده در این گونه جوامع در دهه های اخیر سیر نزولی شدیدی داشته است. گزارش اداره کل غرب اروپا - وزارت خارجه - از آخرین شاخصه های جمعیتی اروپا خبر داده است. طبق این گزارش در سراسر اروپا ازدواج قانونی در خطر انحطاط قرار دارد. نرخ ازدواج که در سال ۱۹۸۰ به میزان ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده، اینک به ۰۰۵٪ کاهش یافته است.

ص:۶۱

گزارش یاد شده که به آمار و گزارش های «یورو استارت» (ارائه آمار کمیسیون اروپا) مستند است، در جایی دیگر اعلام می کند که میزان ازدواج در اروپای مرکزی و شرقی در فاصلهٔ سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ به طور فاجعه آمیزی به نصف و حتی کم تر سقوط کرده است.

امروزه با توجه به کاهش شدید ازدواج در آمریکا، ساختار خانواده در این کشورها با مشکلات متعددی رو به رو شده است. در مورد کاهش میزان ازدواج در این کشور همین بس که ۱۲ درصد از زنان ۳۵ تا ۳۹ ساله در سال ۱۹۹۱ هرگز ازدواج نکرده بودند. این میزان در سال ۱۹۹۸ تنها ۶/۲ درصد بود و در طی ۱۰ سال تقریباً دو برابر شده است. (۱)

علت رکود ازدواج و تشکیل خانواده در غرب

اکثر قریب به اتفاق کارشناسان و نظریه پردازان علوم اجتماعی، علت اساسی این پدیده را گسترش روابط آزاد و نامشروع جنسی پیش از ازدواج دانسته اند. ناگفته پیداست که غریزهٔ جنسی و نیاز به محبت و عاطفه، از جمله علل و انگیزه های اصلی گرایش انسان به ازدواج و تشکیل خانواده است؛ از این رو، جوامع انسانی در طول تاریخ برای پاسخ گویی به نیازهای جنسی و عاطفی بیشتر - نوعاً - به ازدواج و تشکیل خانواده روی آورده اند.

ص:۶۲

۱- (۱) . Barringeh F. Newyohk tim ۱۹۹۲ p. ۲.

حال اگر نیازهای مذکور از راهی آسان تر، کم هزینه تر، متنوع تر، با کم ترین مسئولیت فردی و اجتماعی تامین و تدارک شود، بدیهی است که ازدواج و تشکیل خانواده حداقل در بدو امر مطلوبیت خود را از دست می دهد. روابط آزاد جنسی زن و مرد در غرب پدیدهٔ جدیدی است که به سبب تنوع، تعدد و کم ترین مسئولیت قانونی طرفین، با استقبال عمومی روبه رو شده و توانسته است رقیب دیرینهٔ خود (خانه و خانواده) را از صحنه خارج کند. یکی از جامعه شناسان معاصر ضمن تایید نظریه فوق می گوید:

«خانواده که در غرب یکی یکی این ابعاد را که در گذشته داشت و امروز دارد از دست می دهد، اصلی آن را فقط ارضای نیاز جنسی تشکیل می دهد. حالا ـ اگر این نیاز با توجه به بی بند و باری و انحطاط فرهنگی حاکم بر غرب، به راحتی قابل دسترسی باشد و فرد هر وقت و هرگونه که خود خواست این نیاز را ارضا کند، دیگر چه ضرورتی دارد ازدواج کند؟ یعنی واقعاً فلسفه تشکیل خانواده به دلیل وجود مؤسسات بیرونی که نیازها را به راحتی برطرف می کند، دارد از بین می رود ...» (۱)

گزارش مقایسه ای اداره کل غرب اروپای وزارت خارجه نشان می دهد به همان نسبت که آمار روابط آزاد و نامشروع جنسی در کشورهای غربی رو به

۱- (۱) . رفتارهای جنسی انسان، ص ۱۶۱.

افزایش است، آمار ازدواج و تشکیل خانواده سیر نزولی دارد. در این گزارش که مربوط به سال ۱۹۹۸ میلادی است، آمده است:

بر اساس گزارشی که از سوی یورو استارت - اداره آمار کمیسیون اروپا - منتشر شده، تقریباً یک چهارم نوزادان در اتحادیه اروپا خارج از چهارچوب های زناشویی متولد می شوند. این تناسب در سال ۱۹۸۰ کم تر از ۱۰ درصد بوده است. ... به گزارش «یورو استارت»، زندگی در شرایط غیر زناشویی به طور فزاینده ای در حال رشد است. این ارزیابی به خصوص در کشورهای اسکاندیناوی (که مصداق برابری زن و مرد در آن سامان، بیش از دیگر کشورهاست) مصداق بیشتری دارد. در ایسلند از هر سه کودک متولد شده، دو نوزاد و در دانمارک رستونی، نروژ و سوئد نیمی از نوزادان خارج از پیمان های زناشویی متولد می شوند. ... این در حالی است که، همانطور که بیان شد، در سراسر اروپا ازدواج قانونی در خطر انحطاط قرار دارد؛ نرخ ازدواج که در سال ۱۹۸۰ به میزان ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده، اکنون به ۰۰۵٪ کاهش یافته است.

فرانسیس، کاری و کریستین کوری در مقالهٔ «ساختارهای جدید خانواده» که مجلهٔ پیام یونسکو به چاپ رسیده است، این وضعیت (رواج و گسترش روابط آزاد جنسی و از هم پاشیدگی خانواده) را در غرب به صراحت از پیامدها و امتیازهای نهضت برابری زنان اعلام کرده اند و می نویسند: «نهضت زنان در ارتقای مقام زن تا حد برابری او با مرد در به دست آوردن حق سقط

جنین و استفاده از وسایل جلوگیری از آبستنی و آزادی عمل و آوردن خواسته های زن بیرون از کانون خانواده و دایرهٔ زناشویی پیشرفت کرده و موقعیت او را تحکیم کرده است. با این شیوهٔ آزاد زندگی، زنان دیگر مکلف نیستند به شیوهٔ محدود و انعطاف پذیر گذشته، میان زوج بودن، مادر بودن و شغل داشتن یکی را برگزینند.» (۱)

۲-۵. همجنس گرایی

شیوه روابط آزاد و تعدد آن از علل عمدهٔ پدیدهٔ واخوردگی جنسی و گرایش به همجنس بازی در کشورهای صنعتی به شمار می آید. در حقیقت همجنس بازی و پیامدهای آن مانند ایدز برای اولین بار در کشورهای صنعتی به ویژه در آمریکا مشاهده شد؛ کشوری که روابط زن و مرد و ارضای نیازهای جنسی در متنوع ترین، متعددترین و افراطی ترین شکل آن، آزاد و متداول است؛ تنها ۶۵ درصد از آمریکاییان با همجنس بازی مخالف بوده و طبق آخرین آمار بیش از ۸۰ درصد از مبتلایان به ایدز در قارهٔ آمریکا و اروپا زندگی می کنند. (۲)

برخی از فمینیست های معاصر، این گونه روابط جنسی را جایگزینی برای «خانوادهٔ سنتی» در عصر برابری زن و مرد دانسته و از آن به عنوان «خانوادهٔ شاد» یاد کرده اند. (۳)

۱- (۱) . جامعه شناسی، آنتونی گیدنز، ص ۴۴۳

۲- (۲) . سیمای زن در آمریکا، ص ۲۲۱

۳- (۳) . خانواده در گذشته و حال، اندره میشل، ص ۳۶.

۳. خشونت جنسی علیه بانوان

در جوامعی که با ندیـدانگاری تفاوت های زیستی و طبیعی، روابط آزاد و برابر زنان و مردان تشویق و ترویج و بر آن پافشاری می شود، روابـط ناسـالم و خشونت جنسـی دو روی یـک سـکه انـد؛ به بیان دیگر، در روابط آزاد زن و مرد اگر تمایل آنان به یکـدیگر دو سویه و متقابل باشـد، به پیونـدهای مشـروع و نامشـروع ختم می شود، اما اگر تمایل یک طرفه باشد و زن علاقه و تمایلی به ایجاد رابطه نداشته باشد، در بسیاری موارد پدیده ای با نام تجاوز و خشونت جنسی و در مواقعی آزار جنسی رخ می نماید. این پدیده در کشورهای صنعتی غرب در دهه های اخیر همواره رو به افزایش بوده است. در این جا نیز جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی علت اساسی این پدیده را رابطهٔ آزاد زن و مرد و به ویژه تحریکات زنانه معرفی کرده اند.

روابط آزاد و برابر زن و مرد

ص:۶۶

دانیل سیلورمن (۱۹۷۸) از مشاوران بحران تجاوز دربارهٔ زنانی که مورد خشونت و تجاوز جنسی قرار گرفته اند، می گوید: «چنین زنانی پس از مدت کمی دچار پشیمانی شده و خود را سرزنش می کنند و پیوسته این جملات را بر زبان جاری می کنند: ای کاش آن لباس را نپوشیده بودم تا جلب توجه کنم!ای کاش به او لبخند نزده بودم! ...» (۱)

واقعیت های موجود نیز فرضیهٔ فوق را تایید می کند. بررسی ها و تحقیقات اجتماعی در کشورهای صنعتی غرب نشان می دهد در این گونه جوامع که روابط زن با مرد آزاد است و زنان از پوشش مشابه مردان برخوردارند و هیچ محدودیتی ندارند، آمار خشونت جنسی و تجاوز به عنف رو به افزایش است. «میشل اوبرمن» در مقاله ای در نشریهٔ حقوق زنان برکلی به این نتیجه می رسد:

«اگر سقط جنین به صورت قانونی متوقف شود، زنان اصلاً نمی توانند زنده بمانند. علتش این است که فرهنگ آمریکا فرهنگ تجاوز است؛ فرهنگی که در آن زندگی زنان به خاطر ترس از خشونت جنسی همه جا حاضر، محدود شده است ... همهٔ زنان با خطر تهاجم جنسی مردان زندگی می کنند و با خطر حاملگی ناخواسته.» (۲)

۱- (۱) . فمنیسم جهانی و چالشی های پیش رو، ص ۸۳

۲- (۲) . زنان، جنون و پزشکی، ص ۱۶۴.

طبق آمارهای سال ۱۹۹۲ در هرشش دقیقه یک بار یک تجاوز جنسی در آمریکا صورت می گیرد. در برخی شهرهای آمریکا همچون «سنت لوئیز» آمار تجاوز گزارش شده به زنان نسبت به هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر از جمعیت در سال ۱۹۹۲، ۱۷۳۳ مورد بوده است که آمار بسیار بالا‌یی است. در شهرهایی همچون والاس، هرستون و نیویورک نیز آمار جنسی نسبت به دیگر ایالات بسیار بالا بوده است. (۱)

از پیامدهای ناگوار خشونت و تجاوز جنسی برای فرد و جامعه همین بس که زنان قربانی تجاوز، از فشار روانی، عصبانیت و احساس گناه شدیدی رنج می برند. «بورکس» و «لینداهلموستروم» که در این زمینه به مطالعه و تحقیق پرداخته و اثر تجاوز را با عنوان «سندرم ضربهٔ تجاوز» مطرح کرده اند، واکنش قربانی را در اثر تجاوز به دو مرحله تقسیم می کنند: ۱. مرحله حاد ۲. مرحله تجدید سازمان

در مرحله حاد، حالتی از گسیختگی و بی نظمی روانی در شیوهٔ زندگی زن مورد تجاوز بروز می کند و احساساتی از قبیل ترس، شوک، نگرانی و احساس گناه شدید دیده می شود. حادترین واکنش قربانی در برابر تجاوز، سردرگمی است. زنان پس از تجاوز، خود را کالای صدمه دیده ای می دانند که از جامعه اخراج شده اند و جایی برای رفتن ندارند. در مطالعهٔ وسیعی که در آمریکا

۱- (۱) . جنگ علیه زنان، ص ۳۲۶.

صورت گرفت و در سال ۱۹۹۰ گزارش شد، «ینفیلد» و همکارانش بین تهاجم جنسی و افسردگی رابطه معنادار ۱۲/۹۳ درصد یافتند. اما در مرحله تجدید سازمان، زن می کوشد آنچه را بر او گذشته است، فراموش کند و برای تحقق این هدف، خود را به کارهای عادی مشغول می نماید. مهم تر آن که نگرش جامعه و به ویژه مردان به این گونه زنان تغییر می کند و با آنان به عنوان کالای آسیب دیده برخورد می کنند. عکس العمل پدران با دختران خود که مورد تجاوز قرار گرفته اند، این است که آن ها را باید از خانه اخراج کرد یا این که برای مدتی در منزل زندانی شوند. «سیلورمن»، در این باره می نویسد: اغلب این زنان مورد تنفر و سرزنش همسران واقع شده اند و از نظر شوهرانشان زنانی سهل انگار و بی اراده اند. (۱)

پیامد دیگر آن بر جامعهٔ زنان به گفتهٔ جامعه شناسان و آسیب شناسان غرب، ایجاد فضایی از ترس، نگرانی و اضطراب بر جامعهٔ زنان کشورهای صنعتی است؛ به همین سبب، کشورهای صنعتی غرب به ویژه آمریکا از شعارهای اولیه خود در بارهٔ حضور فیزیکی آزاد و برابر زنان در اماکن عمومی دست برداشتند و برای مصونیت و حفاظت از زنان، تدابیر و محدودیت های اجتماعی را وضع و توصیه کردند. آنچه در زیر می آید، فهرستی از «بایدها و نبایدها» برای زنانی است که سعی دارند خطر تجاوز جنسی را کاهش دهند.

ص:۶۹

۱- (۱) . رفتارهای جنسی انسان، ص ۱۵۸.

این فهرست را یکی از سازمان های زنان در ایالات متحده آمریکا منتشر کرده است:

۱. خانۀ خود را تا آن جا که ممکن است ایمن کنید؛ قفل ها، پنجره ها، و درها باید در وضع مناسبی باشند؛ اگر به آپارتمان یا خانه جدیدی نقل مکان کردید، قفل ها را عوض کنید. واحد پیشگیری جنایت پلیس محلی می تواند در مورد ضرورت ضد دزد کردن محل سکونت، و در نتیجه ضد تجاوز کردن آن، شما را راهنمایی کند.

۲. اگر تنها زندگی می کنید:

الف – چراغ ها را روشن بگذارید تا تصور شود که بیش از یک نفر در خانه زندگی می کند.

ب – هنگامی که به زنگ در جواب می دهید، وانمود کنید که مردی در خانه است (با صدای بلند بگویید: «من نمی بینم چه کسی زنگ می زند.»)

ج – نام کوچک خود را روی زنگ در یا دفتر تلفن ننویسید، در عوض از حرف اول آن استفاده کنید.

۳. به طور کلی، از غریبه ها دوری کنید و هرگز در را به روی یک غریبه باز نکنید. همیشه از ماموران تحویل اجناس یا کارگران خدمات کارت شناسایی بخواهید (کارت شناسایی آن ها می تواند از زیر در به داخل انداخته شود) اگر بچه ها در خانه زندگی می کنند، مواظب باشید که آن ها در را به روی غریبه باز نکنند.

۴. اگر در یک خانۀ آپارتمانی زنـدگی می کنیـد، تنها وارد یک زیرزمین متروک، گاراژ، یا اتاق رختشویی نشویـد یا تنها در آن جا نمانید.

نگاهی دیگر:

اگر به روابط زن و مرد از دیدگاه قرآن و اسلام بنگریم:

۱. شخصیت و حقوق زن قابل احترام است. (ر.ک: سوره نساء، بقره)

۲. روابط دختر و پسر قانون مند است و روابط نامشروع زن و مرد جایز نیست. (۱) (ر.ک: سوره نور و قصص)

۳. حریم خانواده محترم است.

۴. اسلام به ازدواج و تولید نسل تشویق می کند.

۵. شغل متناسب با روحیه و وقت خانم ها با توافق شوهر جایز است.

در نتیجه، در جوامع اسـلامی مشـکلات فوق (رشد منفی جمعیت و مشـکلات جنسـی و ...) یا اصلاً وجود ندارد یا کم تر پدید می آیـد، و معمولاً در مواردی که زن آزاری و مشـکلاتی از این قبیل وجود دارد، در اثر عدم رعایت قوانین و اخلاق اسـلامی است.

۱- (۱) . در مورد روابط دختر و پسر به مقالات و پرسش و پاسخ های دیگر این مجموعه مراجعه شود.

فصل دوم: عشق

اشاره

ص:۷۳

پرسش:

عشق چیست و چرا باید عاشق شویم ؟

اشاره

پاسخ:

مقدمه

عشق اصلی ترین میل و گرایش انسانی است که انسان را سریع تر از هر چیزی به خوشبختی کامل می رساند. عشق عامل بهسازی و تصفیهٔ روح و روان بوده و همو است که به زندگی زیبایی می دهد. عشق بالاترین مقام را در زندگی دارد و در پرتو آن، زندگی لذت بخش می باشد. اگر انسان به این مقام برسد، دیگر بدون عشق زندگی نتوان کرد.

عشق را زماهی باید آموخت که چون از آب گیرندش بمیرد

الف - تعریف عشق

معنای لغوی عشق: در کتاب های لغت چند معنا برای واژه «عشق» ارائه شده که در این جا به معنای مشترک بین آن ها اشاره می کنیم:

ص:۷۵

عشق عبارت است از علاقهٔ شدید یا محبت از حد گذشته. (۱)

معنای اصطلاحی: علاقه به شخصی یا شیئی وقتی که به اوج شدت برسد، به گونه ای که وجود انسان را تسخیر کند و حاکم مطلق وجود او گردد، عشق نامیده می شود. (۲)

در زبان عربی، واژهٔ «عشق» در اصل از ماده «عشقه» است و عشقه نام گیاهی است که در فارسی به آن «پیچک» می گویند که به هر چیزی برسد، دور آن می پیچد؛ مثلاً وقتی به گیاهی دیگر می رسد، دور آن چنان می پیچید که تقریباً آن را محدود و محصور می کند و در اختیار می گیرد. یک چنین حالتی اثرش این است که بر خلاف محبت عادی، انسان را از حال عادی خارج می کند، خواب و خوراك را از او می گیرد و توجه را منحصر به همان معشوق می کند؛ یعنی او را از همه چیز می برد و تنها به یک چیز متوجه می کند. این تعریف عشق بیانگر حال معشوق است. (۳)

۱- (۱) . العشق: فرط الحب. ر.ك: مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۱۴؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۲۵۱؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۱۴؛ انس التائبین، ص ۲۱۱۴ و ۲۱۲، الاربعین، امام محمد غزالی، ص ۲۴۰؛ اوصاف الاشراف، ص ۲۳۷ و ۱۲۸؛ فرهنگ فارسی عمید

۲- (۲) . جاذبه و دافعه امام علی(علیه السلام)، شهید مطهری، ص ۵۱

۳- (۳) . برگرفته از کتاب های لسان العرب، ج ۱، ص ۲۵۱؛ انس التائبین، ص ۲۱۱ - ۲۱۲؛ کتاب فطرت، ص ۹۸ و ۹۰.

ب- منشا عشق

مقصود از منشأ عشق این است که در یک رابطه عاشقانه چه چیزی باعث می شود که یک شخص عاشق دیگری شود. آیا علت اصلی این رابطه غیرعادی، نقص و کمبود در یکی و کمال و خوبی در دیگری است که سبب کشش او به سوی خود می شود؟ یا خیر، علت این رابطه «شباهت» است؛ یعنی شکل هم بودن؟

در پاسخ به این پرسش دیدگاه های گوناگونی مطرح است که به گذری اجمالی بر آن ها بسنده می کنیم.

۱. منشا ارگانیکی؛ یعنی عشق از تراوش غدد جنسی حاصل می شود که در این صورت با استفاده از علم پزشکی قابل کم و زیاد می باشد. (۱)

۲. هدف جنسی منع شده منشا عشق است (۲) (دیدگاه فروید)؛ یعنی علت عشق آن است که ما از طرفی مصرانه خواستار رابطه جنسی هستیم و از سوی دیگر نیز از دست یافتن به این هدف منع شده ایم که در نتیجه اصطکاک این دو برخورد، محبت و مهربانی حاصل می شود؛ از این رو، اگر رابطه جنسی کاملا آزاد می بود، هیچ گاه کسی عاشق نمی شد.

۱- (۱) . روانشناسی عشق ورزیدن، ص ۲۸

۲- (۲) . انگیزش و شخصیت، ص ۲۶۱.

۳. عشق یک منشا فطری دارد.

۴. تمایل انسان به کمال منشا عشق است. (۱)

بررسی:

در این جا این مطلب قابل ذکر است که منشا عشق به چند دلیل نمی تواند ارگانیکی یا هدف جنسی منع شده باشد.

الف – عشق منحصر در عشق شهوانی و جنسی نیست؛ زیرا موارد زیادی پیدا می شود که خلاف این باشد؛ مانند عشق انسان به خداوند یا به خود و یا به گل... .

ب – اگر منشا عشق تراوش غدد جنسی باشد، باید افراد پیر هرگز عاشق نشوند، در حالی که خیلی از افراد سن زیادی دارند و در عین حال عاشق هستند.

ج – اصلا عشق جنسی و شهوانی عشق نیست، بلکه یک رابطه غریزی است که در همه موجودات وجود دارد.

براساس عقیده صحیح، عشق یک منشا فطری دارد که در اثر شناخت انسان نسبت به خوبی های موجود در یک شخص یا یک شئ و از سوی دیگر، نقصان آن ها در وجود خود، حاصل می شود و هرچه این شناخت کامل تر شود،

۱- (۱) . جاذبه و دافعه امام علی(علیه السلام)، ص ۹ – ۱۰.

این علاقه بیشتر می شود تـا جـایی که انسـان را وارد معرکه عشق می کنـد و انسـان حاضـر می شود برای به دست آوردن آن خوبی ها همه هستی خود را فدا کند.

د – واژه عشق در قرآن مجیـد حتی برای یکبـار هم به کـار نرفته است؛ امـا بـا این حـال کلمـات و واژه هـایی که بـا این مفهوم مترادف و رساننده معنای آن می باشد، به شکل های گوناگون آمده است؛ مانند حبّ، ود، مودت و... .

ج – اقسام عشق

پیش از بیان اقسام عشق و بیان دیدگاه قرآن کریم در بارهٔ آن، ذکر چند نکته لازم است:

[

قاعده یکم [انسان اگر کسـی را دوست داشـته باشد، خویشاوندان و دوسـتان او را نیز دوست می دارد و حتی شهر، لباس، باغ، نوشته و سایر چیزهایی که با او ارتباط دارند، در نظرش محبوب است.]

قاعـده دوم [امـور و امیـال فطری از جهت شـدت و ضـعف دارای مراتـبی هسـتند که هر مرتبه ای از آن هـا دارای اسم و آثـار خاصـی می باشد و این مراتب در افراد بشـر مختلف است؛ از جمله این امور «محبت» است که مراتب آن طبق تفسیر آلوسی به شرح ذیل می باشد.۱. هوی: نخستین مرتبه محبت «تمایل داشتن»؛

۲. علاقه: محبتی است که همیشه همراه و درون قلب است.

۳. کلف: محبت شدید را گویند.

۴. عشق: حب شدید یا افراط در محبت را گویند.

۵. شعف: مرحله ای که عشق به تمام زوایای قلب نفوذ کند.

۶. تدله: مرحله ای که عشق عقل انسان را می رباید.

۷. هیوم: مرحله ای که عشق انسان را بی قرار و بی اختیار می کند و او را به هر سوی می کشاند. (۱)

تقسیم دیگر عشق

با توجه به منشأ عشق، عشق به اقسام زیر تقسیم می شود:

۱. حقیقی؛

۲. مجازی؛

۳. سرابی، جنسی و کاذب. (۲)

۱. عشق حقیقی

به عشقی گفته می شود که معشوقش حقیقی باشد؛ یعنی زیبایی های او نامحدود باشد و دارای هیچ گونه نقصی نباشد، و به دیگر سخن، عشق یعنی پرواز انسان به سوی بی نهایت، یعنی اتصال قطره به دریا «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ (۳)و [لی] کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند.»

۱- (۱) . تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ عبهر العانقین، ص ۴۲ - ۴۰

۲- (۲) . الاشارات و التنبیهات، ابوعلی سینا، با شرح خواجه نصیرالدین طوسی، ج ۳، ص ۳۸۳؛ الحکمهٔ المتعالیهٔ فی الاسفار الاربعهٔ، صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)، ج ۷، ص ۱۸۰ - ۱۸۵

۳- (۳) . بقره، ۱۶۵؛ تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۰۶، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲. عشق مجازی

عشق و علاقه ای واسطه ای به موجودات در راه خدا است که هدف از آن رسیدن به عشق حقیقی می باشد؛ یعنی وسیله ای است برای رسیدن به معشوق حقیقی، و در واقع به خاطر معشوق حقیقی ابراز علاقه می کند؛ مانند عشقی که حضرت یعقوب را از درون می سوزاند: «قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضاً أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ؛ (۱) (فرزندان) گفتند:

«به خدا سوگند، پیوسته یوسف را یاد می کنی تا بیمار مشرف به مرگ شوی یا هلاک گردی!»

۳. عشق سرابی، جنسی و کاذب

عشق به غیر از معشوق حقیقی است، به گونه ای که هدف از آن خاموش شدن غریزه جنسی و کام گرفتن از معشوق می باشد نه رسیدن به معشوق حقیقی، و منشأ آن شهوت است؛ مانند «قَدْ شَغَفَهَا حُبّاً...؛ (۲) و زنان در شهر گفتند: «زن عزیز (مصر) از غلامـ جوانش تمنّای کامجویی از وجودش کرده، و محبت (یوسف) در دلش جای گرفت! قطعاً ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم.»

۱- (۱) . یوسف، ۸۵

۲- (۲) . یوسف، ۳۰.

قرآن سخن از عشق و محبت را با روشی خاص و با شیوایی و زیبایی تمام بیان می کند، و آنچه لازم است از اقسام عشق و علاقه را در ضمن آیات یادآور می شود و جالب این که در بین یکصد و چهارده سوره قرآن که در بیشتر آن ها از عشق، محبت و مترادف های آن ها سخن رفته، یک سوره به تمامی به شرح حال یکی از اولیای خدا اختصاص یافته و در آن عشق و علاقه بیان شده است.

روح کلی و پیام های سوره یوسف:

۱. عشق به خداوند مطمئن ترین مانع در برابر عشقهای جنسی می باشد و با سختی هایی که دارد، معجزه آسا انسان را نجات می دهد. (۱)

۲. عشق های کاذب معمولاً ـ مقدمه ای برای عشق های حقیقی نیست، بلکه به ظلم و فساد می انجامد. عشق زلیخا به یوسف(علیه السلام) که بیانگر نقطه اوج عشق شهوانی و جنسی می باشد، (۲) به بیان قرآن آثاری چون خیانت، ظلم، فحشاء، رسوایی و مکر و حیله داشت. (۳)

ص:۸۲

۱- (۱) . ر.ک: کیمیای محبت، لاله ای از ملکوت

۲- (۲) . «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِی الْمَدِینَةِ امْرَأَتُ الْعَزِیزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبّاً إِنَّا لَنَرَاهَا فِی ضَلالٍ مُبِینٍ؛ و زنان در شهر گفتند: «زن عزیز (مصر) از غلام جوانش تمنّای کامجویی از وجودش کرده، و محبت (یوسف) در دلش جای گرفت!»

۳- (۳) . برگرفته از تفسیر المیزان و نمونه.

نتیجه:

بـا توجه به بیـان اقسـام عشق و نظر قرآن کریم در این بـاره، به این نتیجه می رسـیم که عشق هـدیه ای الهی است که در فطرت همه انسان ها به امانت گذاشـته شده است؛ اما چگونگی بروز و اسـتفاده انسان ها از آن متفاوت است؛ برخی با استفاده صحیح از آن به سـعادت، خوشـبختی و بالنـدگی و کمـال می رسـند، ولی برخی دیگر بـا اسـتفاده نـادرست از آن به بیابـان خشـکیده شقاوت و بـدبختی گام می نهنـد و هر لحظه بیش از پیش از قافلـهٔ انسانیت فاصـله می گیرنـد؛ هماننـد آتش که بدون آن نمی توان زندگی کرد، ولی اگر به علت استفاده نادرست مقداری از آن در خرمنی بیفتد، یک جا همه آن را نابود می کند.

این شـیوهٔ اسـتفاده ما باز می گردد به این که آیا ما در تشـخیص و انتخاب معشوق، راه درست را پیموده ایم یا راه نادرست را. نکتـه قابـل تـوجه کـه به ویژه برای جوانـان دارای اهمیت می باشـد، این است که آیـا عشـق هـای خیابـانی می توانـد انسـان را خوشبخت کند یا خیر؟

پاسخ این پرسش با توجه به تقسیم بندی عشق و آثار مترتب بر هر قسم آن آشکار می شود.

قرآن کریم عشق را بارزترین صفات مومنین می داند (۱) و اصیل ترین عشق را، عشق حقیقی به معشوق حقیقی بیان می کند و خدای تبارک و تعالی را به

۱- (۱) . بقره، آیه ۱۶۵، تفسیر المیزان ذیل آیه.

عنوان معشوق حقیقی معرفی می نماید؛ زیرا خداوند است که همه خوبی ها و زیبایی ها را در خود جمع دارد و در عشق نیز انسان دنبال خوبی ها و زیبایی ها می باشد که در معشوق وجود دارد و خود از آن ها بهره ای ندارد، و با عشق به معشوق می خواهد کمبودهای درونی خود را جبران کند و نهایت استفاده را از زیبایی های معشوق ببرد.

در این جا این پرسش مطرح می شود که اگر بیش از یک معبود و یک معشوق در عالم وجود ندارد و عشق نیز فقط منحصر در عشق حقیقی است، پس عشق به دیگران به ویژه اولیای خدا چه صورتی دارد. پاسخ این است که خداوند عشق به اولیای خود به ویژه پیامبر اکرم و اهل بیت(علیه السلام) را در طول محبت خود بیان می کند و آن دو را یکی می داند. (۱)

عشق سرابی و کاذب

عشق دروغین به جریان آب رودخانه ای که از مسیر اصلی خود منحرف شده، می ماند که اگر در مسیر اصلی خود قرار نگیرد، خرابی های فراوانی به بار می آورد.

نمونه بارز این عشق، عشق های خیابانی، رابطه های غیرمشروع و دوستی های پنهانی است که در بین برخی دختران و پسران جوان رواج دارد و

۱- (۱) . توبه، ۲۴.

معمولا نتیجه این دوستی ها نیز ناخوشایند است؛ زیرا این نوع علاقه ها هدایت و عنایت الهی نمی باشد و به جای این که وسیله ای برای اطاعت اوامر الهی و رسیدن انسان به همه خوبی ها می باشد، سبب می شود که انسان لحظه به لحظه از زیبایی ها و خوبی ها فاصله بگیرد و معصیت الهی را مرتکب (۱) شود، تا جایی که خیلی از آن ها به قتل و جنایت و جدایی های غم انگیز و همچنین فروپاشی کانون گرم خانواده ها می انجامد.

توجه به این نکته ضروری است که ما در این جا نمی خواهیم امیال غریزی انسان را نفی کنیم و آن را نادیده بگیریم، اسلام هرگز با غرایز انسان خصوصاً غریزه جنسی مخالف نیست، بلکه چیزی را که اسلام با آن مخالف است، افراط و تفریط در این غرایز می باشد؛ از این رو، وقتی این امیال غریزی تحت مدیریت اسلام و هدایت الهی قرار بگیرند، اعتدال در آن ها شکل می گیرد و در آن صورت جامعه بشری به سعادت و سلامت همه جانبه می رسد.

اینک مناسب است به سخن یکی از دانشمندان غربی به نام «اریک فروم» اشاره ای داشته باشیم. وی می گوید:

«عشق جنسی فریبکارترین نوع عشق است. عشق جنسی در وهله اول، با احساس شدید گرفتار شدن اشتباه می شود، در حالی که این احساس دلبستگی ناگهانی طبیعتاً عمرش کوتاه است وبعد از این که بیگانه ای از نزدیک

۱- (۱) . بقره، ۱۶۵.

شناخته می شود، دیگر حجابی باقی نمی ماند و دیگر هیچ نوع نزدیکی ناگهانی در کار نیست، تا برای رسیدن به آن کوشش شود.

در این نوع عشق به مرور زمان این نزدیک شدن ها کاهش می یابد و عاشق احساس می کند که آن کسی که فکر می کرد به او نزدیک است، نه تنها نزدیک نیست، بلکه فرسنگ ها با هم فاصله دارند؛ در نتیجه شخص هوس می کند به سراغ بیگانه ای تازه برود و عشقی جدید را آغاز و تجربه کند و باز این بیگانه بعد از مدتی تبدیل یک آشنای تکراری می شود و عاشق همیشه با خود می گوید این فرد که این بار از او خوشم آمده با قبلی ها فرق می کند؛ این یک چیز دیگر است.

بسیاری از اوقات ما متوجه نیستیم و حال آن که این انگیزه های ناهشیار فعال اند، مخصوصاً در ابتدای جوانی که هنوز تجربه این گونه محبت ها بسیار اندک است. حال اگر مثلا دو نفر که قصد ازدواج دارند، تمام ارتباط خود را براساس این نوع عشق پایه ریزی کنند، بی گمان دچار پیامدهای آن نیز خواهند شد که نمونه های آن در عشق های خیابانی و طلاق های وحشتناک بعد قابل رؤیت است.» (۱)

نکته پایانی این است که، عشق سرابی، عشق نیست بلکه فوران امیال غریزی و شهوانی است که به صورت مقطعی بروز و ظهور دارد؛ زیرا در

۱- (۱) . هنر عشق ورزیدن، اریک فروم.

حقیقت ریشه و سنگ بنای عشق، علم و شناخت است، و به طور طبیعی هر اندازه که علم و شناخت عاشق نسبت به معشوق بیشتر شود به همان اندازه نیز عشق و علاقه اش بیشتر می شود؛ زیرا ابعاد وجودی معشوق یکی پس از دیگری برای عاشق آشکار می شود. بدیهی است هر چقدر زیبایی های معشوق بیشتر باشد، عشق و علاقهٔ عاشق به آن بیشتر می شود و باعث استمرار این رابطه می باشد و این مؤلفه فقط در عشق حقیقی وجود دارد، ولی عشق سرابیِ جنسی به چند دلیل این گونه نیست:

الف – هدف آن ارضای شهوت است که عمری کوتاه دارد و نمی تواند برای استمرار ایجاد انگیزه کند.

ب – ریشه و سنگ بنای عشق سرابیِ جنسی جهل و نادانی است که از دریچهٔ جادویی به نام چشم صورت می گیرد؛ از این رو، هر اندازه که شناخت عاشق به معشوق بیشتر شود، فاصله و شکاف بیشتری ایجاد می شود؛ زیرا زیبایی های این معشوق محدود است و عشق نیز یک حالت روحی است که دنبال نامحدود می باشد. از سوی دیگر، زیبایی ها منحصر در این فرد نیست، بلکه شاید اشخاص دیگر بهره ای بیشتر داشته باشند.

آثار عشق

هر یک از اقسام عشق دارای آثار و پیامدهای خاص خود می باشد.

آثار عشق حقیقی:

۱. رسیدن به درجات عالی انسانیت یا همان کمال نهایی؛ (۱)

۲. لذت بردن از عبادت؛

۳. رهایی از گناه؛ (۲)

۴. سلامت و آرامش روحی و روانی؛ (۳)

۵. اطلاع بعضی از اسرار غیبی؛ (۴)

۶. رسیدن به مقام استجابت دعا؛ (۵)

۷. حلاوت سختیهای زندگی؛ (۶)

۸. بندگی و عبودیت. (۷)

در قرآن و سنت به تمامی آثار عشق به خداوند و اولیا خدا اشاره شده است، ولی به جهت اختصار از ذکر آن ها صرف نظر می کنیم.

۱- (۱) . کلمات مکتوبه فیض کاشانی، ص ۸۰. من طلبنی وجدنی و من..

۲- (۲) . قصه حضرت یوسف در سوره یوسف

۳- (۳) . رعد، ۲۸

۴- (۴) . یوسف، ۶۱

۵- (۵) . یوسف، ۳۴

۶- (۶) . یوسف، ۳۳

۷- (۷) . کافی، ج ۳، ص ۸۳، ح ۳؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ۳۵۳، ۱۰.

آثار عشق سرابی جنسی

عشق سرابی مانند راهزنی ماهر دارای آثاری نامطلوب فردی و اجتماعی است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. دوری از حق و حقیقت؛

۲. مانع رسیدن انسان به کمال واقعی؛

۳. کشیدن انسان به سوی انحراف و گناه و سقوط او از انسانیت؛

۴. به انحطاط کشیدن فرد و جامعه؛

۵. زود گذر بودن آن؛

۶. سلب آرامش روحی و روانی از فرد و جامعه؛

۷. فروپاشی کانون گرم خانواده؛

۸. ایجاد روحیه، طغیان و سرکشی در انسان؛

۹. دوری انسان از اطاعت و بندگی؛

۱۰. تیرگی قلب؛

۱۱. ایجاد تضاد و تراحم اخلاقی در فرد و جامعه؛

۱۲. توام بودن آن شکست و ناکامی های فراوان؛

۱۳. ایجاد دغل بازی و عوام فریبی در جامعه؛

۱۴. ایجاد قتل و غارت و تجاوز در جامعه. (۱)

۱- (۱) . آثار عشق شهوانی در سوره یوسف آمده و به آن ها اشاره شده است.

پیشنهاد:

پس از بیان اقسام عشق و آثار آن، اینک این پرسش مطرح می شود که چرا باید عاشق نشویم و چرا باید عاشق شویم؟ شاید این پرسش در ذهن افراد زیادی به ویژه قشر جوان وجود داشته باشد، و یا در مواردی موجب آزار آنان شود.

پاسخ این پرسش در قالب یک پیشنهاد ارائه می شود:

عاشق شوید اما در کمند عشق های ناپخته، جوان و کاذب گرفتار نگردید، بلکه آن ها را نردبانی برای زندگی سعادتمندانه و شناخت محبوب واقعی قرار دهید:

عشق هایی کز پی رنگی بود عشق نبود، عاقبت ننگی بود (۱)

لذت عشق، جوهر آدمی است و حیات بدون عشق ناممکن است؛ بلبل اگر نغمه سرایی دارد به عشق معشوق است و انگیزهٔ وصال و درک لذت دارد. آنان که همتی بلند دارند و به حقیقت مردان روزگارند، هرگز خویشتن خویش را در قفس تن اسیر نمی کنند و جوهر وجودی خویش را در چنگال طبیعت و لذایذ پست مادی و شهوانی گرفتار نمی سازند.

خشم و شهوت وصف حیوانی بود مهر و رقت وصف انسانی بود (۲)

۱- (۱) . مثنوی معنوی

۲- (۲) . دیوان حافظ.

بیاییـد لـذت ببریم، اما از حقیقت و عشق حقیقی، از طهارت و پاکی؛ بیاییـد صـفا کنیم در فضای پاک تقوا، در محیطی آرام و سـالم، در اقیـانوس پرهیزکـاری، در جـای طهارت، در باران معنویت و در آبشار حقیقت. چه بسـیار جوانانی که عشـقشان پیر، پخته و پایـدار است، و چه بسـیار پیرانی که عشق های جوان، ناپخته و ناپایـدار در سـر دارند. آنان که دار و ندار خویش را در گرو تار مویی و خط و خالی می گذارنـد و با یک نگاه ظاهری همه هستی خویش را می بازنـد، عشـقشان جوان و لـذت شان بسیار گذرا و ناپایدار است، و هرگز به عشق حقیقی نخواهند رسید؛ چرا که محل عشق قلب انسان است و هر قلبی ظرفیت یک عشق را دارد. این گونه نیست که یک شـخص دو قلب داشـته باشـد که هم عشق به معشوق حقیقی داشـته باشـد و هم عشق به معشوق سرابی. (۱)

امـا آنـان که عـاشق معبود و معشوق حقیقی هسـتند، معشوق آن هـا همیشه و همه جا همراه آنان است، حتی در قبر و قیامت، و هرگز از لذت عشق جدا نمی شوند، حتی در فرای زمان و مکان.

پس عشق مـذموم نیست، بلکه اگر منشأ عشق صـحیح باشـد، رویکرد عشق نیز صـحیح خواهـد بود و اگر رویکرد صـحیح شد، آثار عشق صحیح می شود.

۱- (۱) . احزاب، ۴: «مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ؛ خدا برای هیچ مردی دو دل در درونش قرار نداده است.»

آنچه در این جا مذموم است و مورد نکوهش قرار گرفته، عشق و لذت جوانی نیست، بلکه جوانی عشق و ناپختگی لذت است.

نه امروز بلکه در همیشهٔ ایام سخن از عشق و عاشقی بوده، هست و خواهد بود؛ اما آنچه به ندرت یافت می شده و می شود، عشق حقیقی به خداوند و اولیای او است و این جاست که فلسفه عشق برای ما روشن می شود:

رسیدن انسان به کمال حقیقی و انسانیت و این تنها در عشق حقیقی است؛ اما عشق حیوانی سرابی است که جنبه حیوانیت انسان رشد می کند و نمی تواند عهده دار این رسالت خطیر باشد. مگر این که انسان عشق به مخلوقات الهی را در راستای عشق الهی طلب کند و به دستور پروردگار به پدر، مادر، همسر و فرزند عشق بورزد و آن ها را مقدمه صعود به محبوب نهایی قرار دهد.

ص:۹۲

پرسش:

نظر قرآن دربارۀ غریزۀ جنسی و لذت طلبی چیست ؟

اشاره

پاسخ:

انسـان گـل سرسـبد مخلوقـات خداونـد است که همه نعمت هـا برای او آفریـده شـده است: «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُم مَـا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً؛ (۱) او کسـی است که همۀ آنچه در زمین است را برای شـما آفرید» او است خدایی که آنچه در زمین است برای شـما (انسان ها) آفرید.»

اما استفاده از این نعمت ها که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده، می تواند به دو گونه باشد:

الف - بهره بری مثبت از نعمت ها؛

ب - بهره بری منفی از نعمت ها.

برای مثـال، «انگور» یـک نعمت الهی است که فوایـد مثبت زیـادی برای بشـر دارد؛ماننـد انواع ویتـامین هـا، ساختن کشـمش، سرکه، سرکه شیره و ... و از همین انگور نیز می توان شراب ساخت که بهره بری منفی از این میوه است.

۱- (۱) . بقره، ۲۹.

این دو بهره بری (مثبت و منفی) هر کدام علتی دارد و آن ستیز و کشمکش بین عقل و نفس است؛ عقل انسان و پیامبران الهی به بهره وری مثبت از اشیا دستور می دهند، ولی هوای نفس و شیطان انسان را به سوی استفاده های منفی و نادرست از اشیا تشویق می کند.

۱. لذت طلبی

یکی از گرایش های فطری انسان گرایش به لذت طلبی، خوش گذرانی و راحت طلبی است که به طور طبیعی توام با رنج گریزی و فرار از درد و ناراحتی خواهد بود. قرآن کریم نه تنها وجود گرایش به لذت را در انسان انکار و یا آن را محکوم نمی کند، بلکه یک سلسله از تعالیم خود را بر اساس این میل طبیعی انسان مبتنی می سازد و در روش تربیتی خود از وجود آن بهره می برد. در قرآن تعبیرهایی مانند «سعادت»، «فلاح»، «فوز» و مانند آن ها آمده بدین معنا که انسان فطرتاً طالب سعادت و خوشبختی و کامیابی است و باید به دستورهای دینی عمل کند تا به گمشده و ایده و هدف حقیقی خود برسد. در برخی آیات نیز از تعبیر ویژه «لذت» استفاده شده است، مانند آن جا که درباره بهشت صالحان می فرماید: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ؛ (۱) هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم ها لذت ببرند، در آن (بهشت موجود)

۱- (۱) . زخرف، ۷۱.

است؛» و آیات دیگر نیز مانند ۱۵ سورهٔ محمد و ۱۷ سورهٔ سجده و ... که تعبیرهایی در همین راستا دارند.

در نتیجه، اصل این که انسان طالب لذت باشد، از نظر قرآن مورد تایید و بی اشکال است؛ زیرا این یک میل فطری است؛ البته بدیهی است که قرآن هیچ گاه آن را رها و افسار گسیخته نگذاشته بلکه آن را در جهت صحیح خود هدایت می کند.

لذت طلبی نکوهیده

پس از آن که روشن شد قرآن وجود این میل را نامطلوب نمی داند، جای طرح این پرسش است که با وجود این دید مثبت قرآنی، چرا گاهی لذت طلبی مذمت و نکوهش شده است و آیا وجود این گونه نکوهش ها و مذمت ها با این دیدگاه قرآنی قابل جمع است؟

در پاسخ به این پرسش می گوییم: مذمت ها و نکوهش هایی که در این زمینه و در رابطه با این میل انجام شده، به اصل لذت طلبی مربوط نمی شود تا با این دیدگاه قرآنی در تعارض باشد، بلکه منشأ این نکوهش ها عواملی جنبی است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف - فراموش کردن لذت های ارزنده تر؛ زیرا ممکن است انسان خود را در لذایذ آنی و لحظه ای زودگذر غرق کرده و در آن متمرکز شود و تمام همت خود را به هوس های کم ارزش تر متوجه نماید و از لذت های معنوی و برتر غافل شود و از کمال باز ماند. انسان از میان لذت ها به جهت غفلت به دنبال

آن مقـدار لـذتی است که برایش ممکن و میسور است، ولی طبیعی است که عقل، منطق و اختیار دارد و می تواند از میان همهٔ انواع لـذت ها با کمیت ها، کیفیت ها و شـدت های مختلف بهترین، شدیـدترین و عمیق ترین لـذت ها را در محدودهٔ گزینش خود قرار دهـد، ولی او گـاهی در این انتخاب دچار اشـتباه و لغزش می شود و بـدون توجه به لـذت های عمیق و والاتر (لـذت های معنوی) خود را با لذت های زودگذر مادی مأنوس می کند.

ب - فرار از تلاش و کوشـش: گاهی انسان به خاطر تن نـدادن به سـختی و کار و کوشـش به طرف لـذت های بی اهمیت می رود و در هوس های پست و کم ارزش تا حـد افراط غرق می شود. خداونـد زندگی و رنج را توأمان آفریده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِی کَبَدٍ؛ (۱)که بیقین انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.» و از این سختی در زندگی گریزی نیست، حال اگر کسی به خاطر فرار از کار و تلاش و زحمت خود را به تنبلی و تن پروری و لـذت گرایی افراطی عادت دهـد، لـذتی گذرا به دست می آورد، ولی از لذت های و الا و برتر چشم پوشی می کند و با این کار خود به یقین مورد مذمت و نکوهش قرار می گیرد.

ج - کوتاهی در شـکوفا کردن اسـتعداد درک لذت های والای انسانی و اکتفا کردن به لذت های طبیعی خود جوش نیز عامل جنبی دیگری است که منشأ نکوهش لذات می شود. بدان معنا که انسان با عادت کردن به معنویات

۱- (۱) . بلد، ۴.

می تواند استعداد درک لذت ها را شکوفایی ببخشد، ولی به لذت های طبیعی گذرا اکتفا می کند و این لذت طبیعی چون در مقابل لذات معنوی کم ارزش است، سرزنش می شود.

لذت حقیقی چیست؟

انسان بر اثر ممارست با زندگی مادی لذت های مادی این دنیا را لذت حقیقی می پندارد، ولی قرآن کریم (ضمن این که استفاده از زینت های دنیا را تایید می کند) لذت حقیقی را رسیدن به نعمت های اخروی مانند لقاء الله، محشور شدن با اولیای الهی، بهشت عدن و ... بیان می کند. اگر کسی از میان این دو لذت، لذت های آنی و لحظه ای و کم ارزش دنیایی را انتخاب کند، به لذت های ابدی و ارزشمند نخواهد رسید و باید دانست که درک لذت حقیقی تنها با ریاضت و عرفان حقیقی که همان عمل صالح و انجام دادن واجبات و ترک گناه باشد، حاصل می شود. در واقع لذت های آنی که لذت نیستند، باید ترک کرد تا به لذت بالاتری رسید؛ به قول شاعر:

اگر لذتِ ترک لذت بدانی دگر لذت نفس، لذت نخوانی

۲. غریزه جنسی

یکی دیگر از مجاری و موارد لذت انسان علاقه به همسر و ارضای غریزه جنسی است. اسلام درباره غریزهٔ جنسی و چگونه استفاده کردن از آن و نیز محدودیت های فطری غریزهٔ جنسی مطالب جالب و کمال آفرینی دارد؛

از جمله این که زن و مرد در آفرینش، مکمل یکدیگرند و مقتضای فطرت انسان این است که هر یک از این دو یعنی زن و مرد نسبت به جنس مخالف خود گرایش جنسی دارد، ولی این گرایش از دیدگاه قرآنی دارای ویژگی های زیر است:

۱. گرایش به جنس مخالف بدان جهت است که هر یک از زن و مرد مایهٔ آرامش و آسایش یکدیگرند. خداوند متعال می فرماید: «وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْکُنُوا إِلَیْهَا؛ (۱)از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید.»

۲. گرایش برای تولید و تکثیر نسل در متن آفرینش است که حفظ و بقای نوع انسانی برای تولید نسل است. خداوند می فرماید: «الَّذِی خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً کَثِیراً وَنِسَاءً؛ (۲)(همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.» و نیز می فرماید: «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً کَثِیراً وَنِسَاءً؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

بدیهی است که تولید نسل و فرزندان زیاد با ازدواج صورت پذیرفته است.

ص:۹۸

۱- (۱) . روم، ۲۱

۲- (۲) . نساء، ۱.

۳. راه صحیح تکثیر نسل تنها تشکیل خانواده است و خانواده آثار بسیار پرارزش و والایی دارد.

استفاده از غریزه جنسی در چهارچوب ذکر شده (در قالب ازدواج قانونی) مطلوب و هماهنگ با فطرت انسان و غریزه طبیعی او است؛ اما اگر رفتار جنسی انسان از این مرز تجاوز کرد، ارزش منفی پیدا می کند و قرآن کریم نیز از چنین عملی به تجاوز تعبیر کرده است: «وَالَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَی أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْعَادُونَ؛ (۱)و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند؛ مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده اند؛ که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی شوند؛ کسانی که فراتر از این جُویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.»

اگر بنا باشد هر انسانی با هر فردی از جنس مخالفش که بخواهد، رابطهٔ جنسی داشته باشد، به یقین بنیاد خانواده متزلزل و فحشا و منکرات در جامعه رواج و امنیت از بین خواهد رفت.

بنابراین، برای حفظ مصالح مترتب بر خانواده و دفع مفاسد مترتب بر بی بند و باری جنسی، لازم است همه افراد جامعه به این محدودیت معقول و منطقی که قرآن نیز بیانگر آن است، گردن نهند.

۱- (۱) . مومنون، ۷ - ۵.

۴. آزادی غریزه و بی بند و باری جنسی موجب اختلاط نسل هاست و با اختلاط نسل ها و نطفه ها هدف از آفرینش انسان از بین خواهد رفت؛ زیرا هدف آن است که انسان با عبادت خلیفهٔ خدا روی زمین شود و برای رسیدن به این هدف به پاکی ذاتی نیاز است، ولی اختلاط نسل بنیاد معنویت و پاک بودن ذاتی که لازمهٔ خلیفهٔ اللهی است، را از بین می برد.

۵. گرایش به جنس موافق خلاف فطرت و نظام آفرینش است و در واقع یک نوع انحراف در گرایش جنسی به شمار می رود. قرآن کریم همجنس گرایی را به قوم لوط نسبت داده و آن را یک ضدارزش معرفی نموده است. (۱)

نتیجه: از بحث های گذشته روشن شد که لذت جویی در فطرت انسان ریشه دارد و قرآن نیز کامیابی از زینت های دنیا را حق فطری انسان می داند؛ اما لذت حقیقی تنها در این دنیا نیست، بلکه لذت حقیقی را باید لذت های معنوی دانست.

و نیز روشن شد که استفاده از غریزهٔ جنسی، فطری انسان است و قرآن نیز آن را تایید می کند؛ زیرا خداوند برای انسان همسری از خودش آفریده که مایه آرامش او است، و او می تواند تشکیل خانواده دهد و غریزه جنسی خود را از این راه تعدیل نماید، ولی رها کردن این غریزه مشکلاتی برای بشر به بار خواهد آورد؛ از جمله تزلزل بنیاد خانواده، ایجاد اختلاط نطفه ها و دور شدن

۱- (۱) . نک: سوره اعراف، آیات ۸۴ - ۸۰ .

از هدف خلقت؛ بنابراین، همان گونه که دین امری فطری است، قوانین آن نیز در همه جا فطرت انسانی را ملاحظه و محافظت کرده است.

قوانین خداوند مانند نسخه پزشک است که مصلحت بیمار را به خوبی می داند، در حالی که بیمار ممکن است میل به خوردنی های زیادی داشته باشد، ولی پزشک مصلحت نمی داند برای او تجویز کند؛ انسان نیز این چنین است که اگر طبق نسخه خداوند عمل کند، از نظر روحی، معنوی و حتی جسمی سالم می ماند؛ اما این انسان میل و اشتها به چیزهای فراوانی دارد که به صلاح او نیست و برخی از آن ها کشنده است و حق تعالی مصلحت انسان را بهتر می داند که موارد مضر را برای بشر تجویز نکرده است.

پرسش:

تحلیل روان شناختی – قرآنی رابطه میان دختر و پسر چیست ؟

اشاره

پاسخ:

درآمد:

عقل و عاطفه دو نیروی ضروری برای زندگی بشری هستند که به انسان عطا شده اند. خالق هستی به اقتضای شرایط و شرح وظایف زن و مرد، آن دو را حکیمانه میان آن ها تقسیم کرده است که هر یک با تفاوت های طبیعی موقعیت های ویژه ای را برای زندگی انسانی فراهم آورند.

در مورد وجود این تفاوت ها، میان روان شناسان دیدگاه های متفاوتی ارایه شده است. برخی می گویند: از نظر روانی بین زن و مرد تفاوت های قابل ملاحظه ای دیده می شود، به طور کلی مرد برون گر است، او فعال و مایل است بر دنیای اطراف چیره شود؛ در نتیجه فکر و ملموسات در او بیش از شور و

احساس رشد می کند، در حالی که زن بیشتر درون گرا و غیر فعال است و احساس بر او چیره است. (۱)

در مورد نوع رابطه میان زن و مرد از نظر یونگ - روان کاو مشهور - مسئله «جبران» مطرح است. توضیح این که: میان رابطه زن و مرد حالتی مکمل گونه وجود دارد تا تضاد گونه. او بیان می کند که مردان و زنان اگر در درون خود حالت های تضاد، مثلاً مرد حالت زنانگی و زن حالت مردانگی، داشته باشد، نه تنها باعث جذب و عشق نمی شود بلکه باعث همرنگ شدن می گردد؛ از این رو، آنچه در خارج با آن رو به رو هستیم، رابطه ای تکمیلی است که توسط دوست داشتن میان دو جنس مخالف حاصل می شود و تمام کمبودهای وجودی را نیز برطرف می کند. (۲)

به هر حال وجود مرد و زن در کنار یکدیگر در صورتی که همراه با ارتباطی سالم به دور از اضطراب باشد، خود عاملی در برقراری اعتدال روحی - روانی است که باعث می شود افراد از زندگی خود لذت ببرند.

آلپورت می گوید: «داشتن هدف های دراز مدت، اکنون وجود آدمی را تشکیل می دهد و شخصیت سالم را از شخصیت بیمار متمایز می سازد.

۱- (۱) . روان شناسی عشق ورزیدن، اینیاس لپ، ترجمه کاظم سامی و محمود ریاحی، ص ۲۶ انتشارات چاپ پخش

۲- (۲) . همان.

«رابطه» مهم ترین نقش را در زنـدگی آدمی ایفا می کنـد. شاید هیچ یک از ابعاد تجارب زندگی انسان به اندازهٔ رابطه دو نفر سرشار از عاطفه و هیجان نباشد؛ همچنین است توانایی در برقراری روابط محبت آمیز. از نشانه های شخصیت سالم است.» (۱)

مفهوم شناسی:

تعریف: پژوهش در رابطه با ارتباط میان فردی، از دیرباز مورد توجه دانشمندان و صاحب نظران تربیتی بوده است. برای روشن شدن موضوع به بررسی این واژه می پردازیم.

۱. ارسطو درباره ی این مفهوم چنین می گوید: ارتباط (ریطوریقا) جستجو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران است. ایشان مفهوم ارتباط را معادل فعالیت و عملیات های انفعالی دانسته است و بعید نیست آنچه در نظر این دانشمند بوده، ارتباط در صحنه های سیاسی و اقتصادی باشد.

۲. از نگـاه روانشـناسان اجتمـاعی و دانشـمندان علوم ارتباطات انسانی، ارتباط میان فردی فراینـدی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات از

۱- (۱) . مجله معرفت، مقاله «سلامت روان در پرتو التزام عملی به آموزه های دینی»، محمد مهدی صفورایی پاریزی وسلیمان قاسمی، ش ۹۷ سال چهاردهم.

طریق پیام های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان گذارده می شود؛ یعنی همان فرایند ارسال و دریافت پیام است. طبق این تعریف، ارتباط یک مفهوم دو سویه است و بر تاثیر و تأثّر ارتباط برقرار کننده گان بر یکدیگر در یک سیستم دو سویه تاکید می کند.

۳. در تعریفی دیگر چنین آمده است: ارتباط میان فردی یک تعامل گزینشی نظام مند، منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر می باشد و محصول این شناخت، خلق معانی مشترک بین اعضا و طرفین ارتباط است. (۱)

در تعریف سوم، انتخاب گری جزء مقومات تعریف است. این تعریف بر این تاکید دارد که نتیجه یک ارتباط، رسیدن به شناخت طرفینی از یکدیگر و یک پیشرفت اجتماعی می باشد. در ضمن در این گونه ارتباطات، معانی جدید و قابل قبول طرفین خلق می شود.

۴. مقصود از دوستی دختر و پسر، رابطه ای نسبتاً صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی است که از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه و یا برقرار ساختن ارتباط تلفنی بین دختر و پسر ایجاد می شود. (۲)

۱- (۱) . مجله کتاب زنان، «اسلام و روابط دختر و پسر»، علی زینتی، ش ۲۴، سال ۱۳۸۳

۲- (۲) . تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، دکتر علی اصغر احمدی، ص ۶۹.

جمع بندی: آنچه در این مقال مورد نظر است، مطلق برخوردهای میان دختر و پسر و برقرار کردن رابطه اعم از گفتاری و غیره می باشد که همراه با اهداف متفاوتی صورت می پذیرد.

از آنجا که بشر موجودی بالطبع اجتماعی است و لازمه جدایی ناپذیر زندگی انسان ورود به عرصهٔ اجتماع و برقرار کردن تعاملات میان افراد است، در نظام ترسیم شده در قرآن کریم نیز بدان پرداخته شده و رابطهٔ آنها به عنوان دو نیمه مکمل هم در نظام آفرینش جایگاهی را به خود اختصاص داده است. ولی در اینجا پرسشی مطرح می شود که آیا جامعهٔ مورد نظر قرآن بسته و منحصر به حضور مرد در عرصه اجتماع است و یا جامعه ای باز و رها شده بوده و با هرگونه ایجاد رابطه میان افراد موافق است و یا این که جامعه مورد نظر آن جامعه ای همراه با ارتباطاتی نظام مند و کارشناسی شده و هدفمند می باشد که بر اساس همین هدفمندی، احکام اجتماعی و فردی آن انشا شده است؟

در مواردی از آیات قرآن، چگونگی ارتباط میان افراد جامعه، زن و مرد، به گونه ای حکیمانه بیان شده است که با بررسی آنها می توان درباره ی نگاه قرآن به موضوع به جمع بندی مناسبی دست یافت. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که از نگاه قرآن کریم رابطهٔ سالم میان زن و مرد باعث ایجاد آرامش و سکون نفس می گردد؛ آرامشی که تمام دانشمندان مختلف تربیتی سال ها برای رسیدن به قاعده ای که به آن بینجامد، فعالیت می کنند، ولی بر اثر

ص:۱۰۷

تکبعد نگری نسبت به انسان تاکنون راه حلی نهایی ارایه ننموده اند. در آیه ای از قرآن کریم چنین آمده است: «وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْکُنُوا إِلَیْهَا». (۱)

در این آیه شریفه، رسیدن به آرامش نتیجه یک تعامل سالم میان مرد و زن به نام ازدواج دانسته شده است.

از سوی دیگر، از نگاه قرآن، با توجه به آیه یاد شده، یکی از مهم ترین اهداف خلقت بشر به دوگونهٔ زن و مرد، آرامش بخشیدن و ماندگاری نسل انسانی است؛ از این رو، قوانین مطرح در این نظام الهی نباید با این هدف اولیه خلقت مغایر باشد، بلکه باید تکمیل کننده و در راستای این هدف تعریف و انشا شود.

طرح آیات ارتباط

۱. «قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکَی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ» (۲)

این آیه شریف به تمام مومنان دستور می دهد که در هنگام ارتباط با زنان از نگاه مستقیم بر حذر باشند. می فرماید: (ای پیامبر)، به مردان مؤمن بگو:

۱- (۱) . روم / ۲۱

۲- (۲) . نور / ۳۰.

«چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.»

در این آیه، حفظ فرج به معنای جلوگیری از نظر افکنـدن به آن است. (1) ذکر حفظ فرج پس از فرو بسـتن چشم ذکر معلول بعد از علت است؛ زیرا هر کس به چشم چرانی عادت داشته باشد، بدون شک آثار سوء آن از جمله از دست دادن عفت دامن گیر او خواهـد شـد، و چون به غض بصـر (پوشانـدن چشم) عادت کننـد، بـدون شک اثر آن که حفظ فرج باشـد، به دنبال آن خواهد آمد. (2) در ادامه آیه، حکمت این حکم بیان شده که این کار برای آن ها پاکیزه تر است و این پاکیزگی هم برای فرد است و هم اجتمـاع. در ادامه بحث برای این که کسـی گمـان نکنـد خداونـد راضـی می شود محیـط سـالم اجتمـاع به انحطاط کشـیده شود و یـا روح و روان افراد دسـتخوش افکار ناسالم گردد، با یک جمله تهدیـدآمیز می فرمایـد: «خداونـد به آنچه می سازیـد، آگاه تر است». تعبیر به ساختن به جای «یعملون» می توانـد اشاره به بازتاب این عمل در اجتماع باشد؛ یعنی آنچه شـما انجام می دهید، باعث بروز و ظهور یک انحراف اجتماعی است و خداوند نسبت به آن آگاهی کامل دارد.

۱- (۱) . نک: المیزان، ذیل آیه ۳۰ نور

۲- (۲) . التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۷، ص ۲۳۶.

۲. «وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا....» (۱)

در ادامهٔ دستور به مردان، برای چگونه ارتباط برقرار کردن، روی سخن را به نیمه دیگر افراد اجتماع کرده و وظایف مفصل تری را برای آن ها بر می شمارد:

الف - «قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»

این قسمت، زنان مومن را به بازداشتن چشم خود از نگاه به مردان نامحرم امر می کند؛ زیرا نظر افکندن به محیطهای شهوت آلود باعث ایجاد اختلال در سیستم عصبی شده و ذهن بیننده را برای مدتی به خود مشغول می کند و همان گونه که در آیه قبل بیان شد، بازتاب و آثار این عمل، زیر پا گذاشتن عفت و سلامت انسانی است.

همان گونه که گذشت، نگاه از جمله عواملی است که می تواند غریزه جنسی را به حرکت در آورد. «فروید» منشأ تمام بیماری های عصبی را غریزه جنسی می داند و تظاهرات مرضی در این گونه بیماران را فعالیت های جنسی بیمار گونه آن ها بیان می کند. (۲) از دیدگاه این روانکاو، عوامل بر انگیختگی میل

۱- (۱) . نور / ۳۱

۲- (۲) . رفتارهای جنسی انسان، دکتر علی اسلامی نسب، ص ۶۴ و ۶۵.

جنسی مشتمل بر عوامل بیرونی و درونی است. فکر زیاد، دقت زیاد و بیش از اندازه بر یک موضوع جنسی از جمله عوامل درونی تحریک میل جنسی به شمار می آید؛ این همان چیزی است که در این آیه شریفه در دو کلمه پر مغز بیان شده است که عمل به آن بیمه شدن جامعه انسانی در برابر انحراف را به دنبال دارد.

از جمله عوامل بیرونی در تحریک جنسی افراد، جذبه های موجود در جنس مخالف است؛ به عبارت دیگر، آنچه باعث جلب نظر می شود، زیبایی جنس مخالف و بروز دادن و در معرض قرار دادن این زیبایی است. این لذت در نگاه، که به علت زیبایی فرد مقابل ایجاد می شود، به مرور زمان حالت صعودی پیدا می کند و اگر این حالت به ناامیدی بینجامد، چیزی جز درد و اندوه درونی را به دنبال نخواهد داشت. (۱)

با توجه به این بیان معنا و هدف آیه از بیان غض بصر و حفظ فرج به نهایت وضوح می رسد و معلوم می شود که این حکم نیز در راستای همان هدف کلی خلقت که رساندن جامعه به آرامش روانی است، وضع شده است.

۱- (۱) . همان.

ب- «وَلاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

زنان مومن باید دربارهٔ آشکار شدن زینت ها نهایت دقت را به کار بندند. آنچه در این مسئله مهم است و برخی مفسران نیز بر آن تاکید دارند، این است که اظهار محل زینت؛ مراد از نهی خداوند است نه خود زینت زیرا اظهار زینت حرام نیست، بلکه آنچه حرام است، به نمایش گذاردن محل آنهاست. (۱)

علت بیان این حکم بعید نیست که ناظر به یکی از غرایز مهم نهفته در زنان به نام «تبرج» و «خود آرایی» باشد. همه زنان به طور طبیعی به خودآرایی و دل ربایی تمایل دارند. به این مسئله در آیه دیگر چنین اشاره شده است:

ج - «وَلاَ تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (۲)

شهید مطهری در این باره می گوید: «اما علت این که در اسلام پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب ها و دل ها مرد شکار است و زن شکارچی؛ هم چنان که از نظر تصاحب جسم و تن زن شکار است و مرد شکارچی.

ص:۱۱۲

۱- (۱) . المیزان

۲- (۲) . احزاب، ۳۳.

میل زن به خود آرایی از این نوع حس شکارچی گری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس های بدن نما و آرایش های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و به دام خود اسیر کند.» (۱)

وجود غریزه تبرج و آثار آن از دید دانشمندان روان شناس نیز پنهان نمانده است. «لمبروزو» - روان شناس معروف ایتالیایی - در این باره می گوید: «در زن علاقه به دلبر بودن و دل باختن، مورد پسند بودن و مایه خرسند شدن بسیار شدید است.» در جای دیگر می گوید: «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به وسیله حسن قیافه، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز تکلم و بالاخره شیوه خرام خود، مطبوع قرار گرفته، احساسات آن ها را تحریک و روحشان را مجذوب سازد.» (۲)

پس وجود غریزه خودآرایی در زنان امری مسلم می باشد. حال خداوند حکیم از آن جا که به این مسئله علم و آگاهی داشته و پیامد آن را در اجتماع انسانی می دانسته است، با یک حکم «منع اظهار زینت» جامعه رو به سعادت بشری را از خطر انحراف جنسی و درنتیجه بروز اختلالات روانی نجات داده

۱- (۱) . مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۶

۲- (۲) . مجله معرفت، «حیاء و خودآرایی و نقش آن ها در سلامت روانی زن»، عباس رجبی، ش ۸۷.

است؛ البته در این مورد راه افراط را در پیش نگرفته و جایی را که احتمال ریبه و خطر انحراف نبوده، استثنی کرده است.

د- «وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ»

در ادامه آیه خداوند موضوع پوشش را مطرح کرده و می فرماید: باید اطراف مقنعه خود را بر سینه ها انداخته و فضاهای خالی را پر کنند. از نظر اسلام تمام بدن زن جزء عورت او به شمار می رود؛ یعنی تمام اندام زن باعث تحریک جنس مخالف می شود. فیزیولوژیست ها و روانشناسان در مقام مقایسه زن و مرد به این مطلب تصریح کرده و گفته اند: میان زن و مرد در تمام سلول های آن ها تفاوت وجود دارد. در توضیح آیه باید گفت:

«زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است و طبعاً بیش از مرد در معرض چشم چرانی قرار می گیرد. جهت حفظ سلامت روانی جامعه بر حفظ پوشش و عدم تحریک غرایز در روابط اجتماعی تاکید شده است.

این که در آخر آیه می فرماید: «لعلکم تفلحون» نشانگر این مهم است که عدم تحریک غرایز در روابط اجتماعی به رستگاری و سعادت افراد جامعه می انجامد.» (۱)

۱- (۱) . بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، دکتر ثریا مکنون و مریم صانع پور، ص ۲۰۴.

- «وَلاَ یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ»

زنان مومن نباید به گونه ای پا بر زمین بکوبند که زینت های آن ها به صدا در آید و باعث جلب نظر افراد اجتماع گردد. این نیز در راستای غریزهٔ تبرج و خودآرایی صادر گردیده و باعث نوعی پیش گیری از اختلالات روانی در اجتماع است.

۳. «یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً» (۱)در این آیه شریف، خداوند شرط دیگر را در رابطه میان فردی بیان می کند. در مورد ارتباط زن و مرد آنچه مهم به نظر می رسد، این است که با توجه به ویژگی های خاص زنان در لطافت و ظرافت های جسمی و روحی و ... نباید در روابط اجتماعی و سازمانی، جذابیت زن واسطه ارتباط قرار گیرد، چه جذابیت چهره و چه جذابیت کلامی. برای رعایت این امر، قرآن کریم در این آیه چگونگی ارتباط کلامی زنان با مردان را مطرح کرده است؛ البته ممکن است کسی گمان کند که این آیات خاص زنان پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است، ولی این برداشت به چند دلیل مردود و آنچه مورد نظر آیه است، عمومیت حکم می باشد؛ زیرا اولاً: در آیه علت حکم بیان شده و توسعه و محدوده حکم، دار و مدار دلیل حکم است و دلیل

۱- (۱) . احزاب، ۳۲.

مـذکور در آیه دلیـل عـام و گسـترده می باشـد. می فرمایـد: «فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ» که تعمیم آن نشـان می دهـد احکـام مذکور به زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) اختصاص ندارد.

ثانیاً: این که خداونـد زنان پیامبر(صـلی الله علیه و آله) را مخاطب قرار داده نشان از غلظت و شـدت حکم نسبت به زنان دیگر است؛ زیرا زنان پیامبر (صـلی الله علیه و آله) از لحاظ حقوقی حکم مادر مومنان را دارنـد؛ از این رو، اساساً بعد از پیامبر(صـلی الله علیه و آله) ازدواج با آن ها حرام است.

افزون بر آن، هیبت پیامبر خدا(صـلی الله علیه و آله) بر همسـرانش سایه افکن است و لذا کسی جرات نمی کند خیال هوسرانی در ارتباط با آن ها در سـر بپروراند؛ از این رو، ضعیف ترین موردی که احتمال سوء استفاده در مورد آن مطرح می شود، زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و خداوند با مورد خطاب قرار دادن آن ها حکم را به طریق اولویت به همه جامعه سرایت داده است. (۱)

در این آیه، خداونـد از خضوع و طنـازی زنـان در گفتار با غیر محارم که ممکن است در قالب شوخی و لطیفه گویی مصـداق پیـدا کنـد، نهی کرده است؛ زیرا این گونه ارتباط باعث حرکت شـهوانی گردیده و افکار اجتماع را به خود مشـغول می کند و همان گونه که گفته شد، برخی روان شناسان این گونه

۱- (۱) . مدیریت در اسلام، دکتر ولی الله نقی پورفر، ص ۲۲۱.

رفتارها را باعث ایجاد فکر زیاد و دقت بیش از اندازه دانسته و معتقدند که موجب فعالیت های جنسی و در نتیجه اضطراب و تشویش روانی می گردد، و جامعه ای این چنین، بیمار، راکد و به دور از هرگونه فعالیت رو به رشدی است که با هر عامل بیرونی آسیب می پذیرد.

با توجه به این آیات که قوانین و مقررات مربوط به پوشش زن و شیوهٔ رفتار او در اجتماع را مطرح کرده و نیز با توجه به احکامی که مالکیت زن را به رسمیت شناخته و بسیاری از حوادث تاریخی مستند، از زمان حکومت نبوی و علوی و دیگر ائمه که در تاریخ بیان گردیده، اصل ارتباط میان زن و مرد از نگاه قرآن امری مسلم و ثابت شده است (۱) و نگاه دین نگاهی اعتدالی، و قرار دادن شرایط ارتباط به هدف جلوگیری از هرج و مرج های روحی - روانی اجتماع می باشد.

بررسی مؤلفه های ارتباط:

هر ارتباطی مؤلفه هایی دارد که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. برقرار کنندگان ارتباط؛

۲. پیام: همان محتوای ارتباط است که منظور ارتباط کنندگان را روشن می کند.

۱- (۱) . بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و ...، همو، ص ۸۱.

۳. رسانه: منظور شیوهٔ خاص برقراری ارتباط است.

۴. کانال: آنچه ارتباط برقرار کنندگان را به هم پیوند می دهد و رسانه را در خود جای می دهد.

۵. انگیزه ارتباط: در این بحث می تواند عشق ورزی و ابراز علاقه باشد.

وجود این مولفه ها نشان دهندهٔ ارتباطی هدفمند است.

آنچه از آیات شریف استفاده شد، شرایط برقرار کنندگان ارتباط است، ولی از فحوای این آیات فهمیده می شود که پیام ارتباط نیز نباید به گونه ای باشد که باعث تحریک شهوات جنسی گردد؛ زیرا در غیر این صورت هدف از وجود شرایط تامین نمی گردد.

از برخی آیات استفاده می شود که تعدادی از شرایط یاد شده مانند پوشش زن، ناظر به ارتباط حضوری زن و مرد است و شرایطی مانند نوع سخن گفتن می تواند ناظر به ارتباط اعمی (حضوری و تلفنی) باشد؛ البته بیان علت حکم می تواند ناظر به محتوای ارتباطات نامه ای نیز باشد؛ زیرا به کار بردن جملات شهوت انگیز نیز مشمول نهی یاد شده می شود.

به هر حال آنچه از نگاه قرآن مهم است، سالم سازی جامعه است لذا باید از هرگونه ارتباطی که منجر به از بین رفتن آرامش روحی افراد اجتماع می گردد خودداری شود.

ص:۱۱۸

نگاه افراطی به ارتباط

در مورد ارتباط میان دختر و پسر در محیط اجتماع و عرف مردم ضرب المثلی وجود دارد که دختر را به پنبه و پسر را به آتش مانند می کند که بدون شک در صورت نزدیک شدن آن دو به یکدیگر، پنبه شعله ور می شود. این ضرب المثل به عنوان یک گزاره رفتاری و یک الگوی اجتماعی در میان افراد جامعه وجود دارد. خانواده ها با این گزاره رفتاری به تربیت و خط دهی فرزندان اهتمام می ورزند، در حالی که این سخن به معنای نادیده گرفتن اراده و اختیار انسان و پایین آوردن شخصیت والای انسانی افراد در حد جمادات است که امری غیر صحیح و به دور از دلیل می باشد. آنچه مهم می نماید این است که باید رفتارها و ارتباطات دارای مرز و همراه با رعایت اصول برخاسته از شرع باشد که در این فرض، ارتباط هیچ منعی ندارد. در تربیت فرزند مهم این است که معرفت بخشی مناسب و به جا انجام پذیرد؛ یعنی والدین باید تلاش کنند نوجوان و جوان خود را در خود نگهداری، بصیرت لازم ببخشند؛ (1) یعنی لازم است والدین علت نهی و یا امر خود را در مورد رفتارهای مختلف بیان کنند تا فرزند در یک سردرگمی تربیتی قرار نگیرد؛ امری که در موارد مختلف مورد اهتمام قرآن کریم بوده و به عنوان اصلی متقن مورد اشاره قرار

۱- (۱) . تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر، همو، ص ۶۹.

گرفته است. قرآن در هر زمینه ای نخست معرفت بخشی می کند و در مرحله بعد، حکم خاص آن را بیان می نماید. (۱)

در نتیجه لازم است برای ساختن جامعه ای سالم و متعادل در وهله اول به افراد شناخت و بینش رفتاری صحیح داده شود تا رفتارها کورکورانه و آسیب پذیر نباشد.

پیامد دور شدن از واقعیت:

دور شدن از واقعیت موجود میان تفاوت های فردی در بین زن و مرد و پیروی از اصول غیر متقن و تک بعد نگری افراد در میان جوامع غربی پیامدهای جبران ناپذیری را برای زنان جامعه به همراه داشته است.

توضیح این که:

جنبش اجتماعی دهه ۱۹۶۰ م به تغییرات بنیادی در کیان خانواده انجامید. جنبش آزادی زنان آن ها را به کار بیرون از خانه ترغیب نمود. جنبش ضد فرهنگی، رهیافت های جدیدی در روابط جنسی مطرح کرد که در نتیجه آن، زوج های بسیاری بدون ازدواج با هم زندگی می کردند. در این زمان، خانواده های نامتعارفی از قبیل خانواده های تک والدینی و زندگی همجنس گراها

۱- (۱) . روزنامه کیهان، «تصویر قرآن از جوامع نابهنجار»، علیرضا نوبری. ش ۱۸۳۹۵، تاریخ ۱۰ آذر ۸۴.

به پدیده شایع تبدیل گردید. برخی پیامدهای این خانواده ها در غرب عبارت اند از:

۱. افزایش چشمگیر شمار کودکان نامشروع؛

۲. افزایش چشمگیر مسائل روان پریشی بین کودکان و والدین مجرد؛

۳. افزایش خط خشونت و آزار کودکان؛

۴. افزایش مشکلات مربوط به سلامت کودکان و والدین مجرد؛

۵. افزایش آسیب های آموزشی و تحصیلی؛

۶. افزایش احتمال استفاده از مواد مخدر همراه با هزینه های اجتماعی آن؛

۷. افزایش میزان جرایم اجتماعی. (۱)

باید تذکر داد که این گونه پیامدها، بار اقتصادی و اجتماعی سنگینی بر دولت های تحمیل کرده است.

علت برقراری روابط دوستانه ناسالم دختر و پسر:

برقراری این گونه ارتباطات فرایند عوامل گوناگونی است که برخی از آنها عبارت اند از:

۱- (۱) . مجله کتاب زن، «افول خانواده در آمریکا و انگلیس»، ترجمه و تدوین سید محمد کمال سروریان. ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۳، س هفتم.

۱. ضعف بینش مذهبی

نوجوان یا جوانی که از لحاظ بینشی قائل به مرز بین محرم و نامحرم نیست، آمادگی بیشتری برای گرفتار آمدن در چنین دامی را دارد. این مشکل در صورتی رفع می شود که والدین به بینش دهی صحیح به فرزند رو کنند و اوامر و نواهی خود را با دلایلی همراه سازند.

۲. عدم رعایت حجاب

ضعف بینش مذهبی در دختران باعث بی توجهی به مسئله پوشش و حجاب سالم می گردد. از آن جا که غریزه تبرج امری طبیعی در دختران است و از سوی دیگر، دختر جوان توجهی به مهار و کنترل این غریزه از نگاه شرع ندارد بی حجابی در جامعه امری رو به رشد می گردد که پیامد اولیه آن چیزی جز ارتباطهای غیر اخلاقی چیزی نیست.

۳. آرایش های غیر مناسب دختران

دختر خود موجودی جذاب و ذاتاً باعث تحریک نگاه هاست. اگر این شخص به آرایش ظاهری مبادرت ورزد و در اجتماع ظاهر گردد، این جذابیت دو چندان شده و باعث جلب توجه جنس مخالف می شود، و نهی شارع مقدس از نمایان کردن آرایش زنان در اجتماع، حکمی برای کنترل ارتباطات نامشروع می باشد که باید به آن بیشتر توجه شود.

۴. وجود الگوهای منحرف

سن نوجوانی و زمان گذر از آن، حساس ترین دوران زندگی هر فرد به شمار می آید. در این دوران، هر نوجوان به دنبال معیار و الگویی برای رفتار خود است، و چنانچه در این الگوگیری مشورت داده نشود، ممکن است الگویی را برگزیند که او را به سوی انحراف سوق دهد. قرآن کریم نیز به این مهم توجه نموده و در چند مورد به معرفی الگوهای رفتاری مناسب اقدام کرده است. آیاتی که حضرت ابراهیم(علیه السلام)، پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و زنان فرعون و حضرت مریم(سلام الله علیها) را معرفی می کند، از این قبیل است.

عوامل دیگری نیز در این روند ارتباطی مؤثر است؛ عواملی از قبیل سهل انگاری برخی مادران و بی خبری پدران، اشتغالات فراوان والدین، وجود مشکلات عاطفی در خانواده و دلایل جنسی و زیاد شدن سن ازدواج. (۱)

پیامدهای دوستی ناسالم دختر و پسر:

ارتباط هایی که از راه غیر صحیح و به دور از اصول مطرح در این گونه ارتباطات ایجاد می شود ممکن است در پی دارندهٔ پیامدهایی باشد که جبران آن برای افراد ممکن نباشد. در یک نگاه اجمالی برخی از این پیامدها را می توان چنین برشمرد:

۱- (۱) . ماهنامه اصلاح و تربیت، «بررسی تحلیلی از روابط دختر و پسر»، دکتر محسن ایمانی، ش ۲۹.

۱. نگرانی برملا شدن این ارتباط

این گونه روابط از آن جا که به دور از چشم والـدین برقرار شـده است، در هر دو طرف یک حالت ترس و اضـطراب به خاطر آشکار شدن آن به وجود می آید که می تواند در روند سالم زندگی فردی شخص تاثیری منفی بر جای گذارد.

۲. نگرانی والدین

این نگرانی پس از آشـکار شـدن ارتبـاط فرزنـد با دیگران برای آن ها حاصل می شود و باعث روان پریشـی افراد خانواده می گردد و زندگی سالم آن ها را دچار نگرانی و اضطراب می کند.

۳. افت آموزشی و ترک تحصیل

بـا توجه به آزمایش های میـدانی که صورت گرفته، این گونه ارتباطات باعث بروز عشق و عاشـقی و افتادن به ورطه خیال می شود که نتیجه آن در اغلب موارد افت شدید تحصیل و در مواردی نیز ترک تحصیل است.

۴. ابتلا به افسردگی

برقراری عـاطفی این گونه روابط در سن نوجوانی از آن جا که اغلب به ازدواج نمی انجامـد، فرد را دچار افسـردگی می کنـد. اسـلام با انشای حکم ازدواج موقت به عنوان حکمی ثانوی و همراه با شـرایط خاص، این معضل را معالجه کرده که لازم است در این زمینه تحقیقی مستقل ارائه شود.

ص:۱۲۴

۵. خودکشی

۶. انجام ازدواج های عشقی

این گونه ازدواج ها جنبه عقلانی ندارد و صرفاً عملی عاطفی محسوب می گردد و به گفته بسیاری از روان شناسان عشق اولیه معمولاً پایدار نمی ماند؛ از این رو، در بیشتر موارد به طلاق و جدایی می انجامد؛ به گفته مولوی:

عشق هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

۷. برقراری ارتباطات جنسی نامشروع

۸. احتمال استمرار جنسی نامشروع بعد از ازدواج. (۱)

ذکر نمونه قرآنی از یک ارتباط سالم

در پایان به جاست که به یک نمونه قرآنی در مورد ارتباط سالم بین دختر و پسر اشاره شود. در این داستان جوانی است به نام موسی (علیه السلام) که به شهر مدین وارد شده است. او پس از ورود بر سر چاه شهر می رود و گروهی از مردم را می بیند که برای آب دادن به چهارپایان خود جمع شده اند. در این هنگام دو دختر را می بیند که کناری ایستاده و از گوسفندان خود مراقبت می کنند و

۱- (۱) . همان.

به چاه نزدیـک نمی شونـد. در این حـال جوان به سوی آن ها گام برمی دارد و علت کناره گیری آن ها را جویا می شود. می گویند: ما به گوسـفندان خود تا زمانی که همه مردان چوپان کنار نروند، آب نمی دهیم و بیان می کنند که علت حضور ما در این جا این است که پدرمان فردی کهنسال است.

جوان به یاری آنها می شـتابد و پس از سـیراب کردن گوسفندان آنها برای استراحت به زیر درختی می رود و در برابر خداوند ابراز نیازمندی می کند. در این هنگام ناگهان یکی از آن دو دختر به طرف جوان می آید. قرآن نوع حضور این دختر را چنین بیان می کند: «فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا» (۱)

این دختر در هنگـام گام برداشـتن، حیا را فراموش نمی کنـد. (۲) بیـان دعوت را از زبان پـدر می گویـد تا شائبه میل فردی در مخاطب ایجاد نگردد. در این داستان نکات زیر قابل تامل است:

۱. حضور دختران دراجتماع به علت ضرورت خانوادگی؛

۲. برقراری ارتباط سالم با افراد؛

۳. عدم اختلاط دختران با مردان؛

۴. توجه به حیای فردی در نوع راه رفتن؛

۱- (۱) . قصص، ۲۵

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۴.

۵. سخن گفتن با جوان بدون ایجاد ریبه و شهوت؛

۶. نتیجه ارتباط ازدواج سالم و به پیشنهاد پدر دختران به جوان.

آنچه گذشت، بیان داستانی قرآنی از یک رابطه انسانی است که اصل ارتباط میان پسر و دختر را در صورت حفظ شرایط ارتباط تایید می کند. ذکر این نکته لازم است که این حفظ حریم شخصی در ارتباط با جنس مخالف، از نگاه خداوند دور نماند. و در نهایت، این پاکی جوان باعث بعثت او به نبوت الهی گردید که خود می تواند درسی سازنده برای جوانان مومن باشد.

ص:۱۲۷

پرسش:

برای بر طرف کردن شهوت و زیاد کردن تقوا چه راهکارهایی وجود دارد؟

اشاره

پاسخ:

پاسخ را در دو بخش «شهوت» و «تقوا» ارائه می کنیم:

اول: شهوت و راه های کنترل آن

واژه «شـهوت» در موارد مختلفی مانند شـهوت مال، شهوت پست و مقام، شهوت کار، شهوت جنسی و ... کاربرد دارد، ولی از آن جا که پرسـش به «غریزه جنسـی» اشاره دارد؛ در پاسـخ باید گفت خداوند تمایل و غریزه جنسـی را مانند غرایز و تمایلات دیگر در وجود انسان به امانت گذاشته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزه جنسی؛

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزه جنسی؛

۳. تحت برنامه دین در آوردن شهوت.

ص:۱۲۹

راه اول، یعنی سرکوب کردن، باعث نقص جسمانی می شود و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان را نابود می کند و اجازه شکوفایی و رشد نمی دهد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم، یعنی رها کردن افسار شهوت نیز هم موجب هلاکت انسان و بروز بیماری های روحی و جسمی می شود که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می باشیم و اسلام با این راه نیز مخالف است.

راه سوم این که نه این غریزه و نعمت الهی را سرکوب کنیم و نه آن را رها نماییم، بلکه طبق دستورهای شرع آن را مدیریت نماییم.

اینک به برخی از این دستورها توجه می نماییم:

۱. ازدواج

یکی از بهترین راهکارهایی که در قرآن و روایات بدان سفارش شده «ازدواج» است و حتی در قرآن دستور بسیج همگانی برای فراهم کردن اسباب ازدواج جوانان داده شده است. در سوره نور آیه ۳۲ به مومنان دستور می دهد: «وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ ...؛ و افراد بی همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛...»

در آیهٔ بعد می فرماید: «و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد.»

ص:۱۳۰

۲. کنترل چشم

پرهیز از چشم چرانی و حاضر نشدن در مجالس و محل هایی که نامحرمان حضور بیشتری دارند و تماشا نکردن فیلم ها و عکس های مبتذل؛ از این رو در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می فرماید: (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک کننده تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می دهند آگاه است.

«و به زنان مؤمن بگو: چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند؛ و دامان (عفت)شان را حفظ کنند؛...»

۳. دوری از ناپاکان

برخی افراد نا اهل و منحرف در لباس دوست ظاهر می شوند و انسان را از مسیر صحیح خارج می کنند؛ از این رو، قرآن خطر همنشینی با این افراد را چنین گوشزد می کند: «خدا می خواهد توبه شما را بپذیرد؛ و[لی] کسانی که پیرو شهواتند، می خواهند که [شما] با انحرافی بزرگ منحرف شوید.» (۱)

۴. روزه

روزه گرفتن در فرو نشاندن آتش شهوت بسیار موثر است.

۱- (۱) . نساء، ۲۷.

۵. دوری از تخیلات شیطانی

تخیلات شیطانی همچون «طوفانی» بر «تلاطم امواج شهوت» می افزاید؛ از این رو، توصیه می شود:

الف – لحظات قبل از خواب، با قرائت قرآن یا دعا و یا مطالعه کتابی سودمند در بستر سپری شود.

ب – تا خسته نشده ایم به رختخواب نرویم. [پیش از خواب با کار یا ورزش یا مطالعه و یا جز این ها خود را آماده خواب کنیم.]

ج – نماندن در محلی که تنها هستیم و کسی حضور ندارد.

افزون بر این ها هر مورد دیگری را که باعث حرکت «پرنده خیال» ما می شود، باید مورد توجه قرارداد؛ از این رو قرآن در مورد دوری از خیالات شیطانی می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! از گام های شیطان پیروی مَکنید. و هر کس از گام های شیطان پیروی کند، (گمراهش می سازد،) چراکه او به [کارهای] زشت و ناپسند فرمان می دهد.» (۱)

به توصیهٔ برخی صاحب نظران موارد ذیل در کنترل شهوت مؤثر است: (۲)

الف– ورزش و عضویت در تیم های ورزشی؛

ب – مطالعه کتب مفید (به ویژه زندگی علما و اولیای خدا)؛

۱– (۱) . نور، ۲۱

۲– (۲) . آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان.

ج – پرهیز از غذاهای محرّک؛

د – نپوشیدن لباس های تنگ و چسبان؛

و جز این ها.

دوم: تقوا و راه های افزایش آن:

«تقوا» یعنی خود نگهداری و خویشتن داری و در قرآن کریم آمده است: «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خود نگهدارترین (و پارساترین) شماست»؛ (۱) «و توشه برگیرید، و در حقیقت بهترین توشه، پارسایی (و خود نگهداری) است...» (۲)

بله، در اهمیت تقوا همین آیات کافی است که خدا می فرماید گرامی ترین و بزرگوارترین بنده نزد من کسی است که وقتی در موقعیت گناه قرار گیرد، خویشتن داری کند و مرتکب گناه نشود.

حال برای دست یابی به راهکارهای افزایش تقوا، به سراغ آیات الهی می رویم و از غذاهای معنوی آن بهره می بریم:

۱. عبادت

قرآن می فرماید: « ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید،... تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید.» (۳)

۱– (۱) . حجرات، ۱۳

۲– (۲) . بقره، ۱۹۷

۳– (۳) . بقره، ۲۱.

از این آیه فهمیده می شود که افزون بر عباداتی مانند روزه، نماز، تلاوت قرآن و...، عباداتی مانند کمک به بینوایان، یتیم نوازی و خدمت به خلق و... مانند این ها نیز به افزایش تقوا کمک می کند.

۲. مطالعه احوال اقوام گذشته و عبرت گرفتن از آن ها

« و بیقین دانستید (حال) کسانی از شما را، که در (روز) شنبه [از حدّ] ، تجاوز کردند و به آنان گفتیم: «میمون هایی طرد شده باشید! و آن (کیفر) را عبرتی برای (مردم) در پیش رویشان (در آن عصر) و (نسل های) پشت سرشان و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) قرار دادیم..» (۱)

۳. روزه

«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقرر شده، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شد؛ تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید.» (۲)

در آیه ۲۱ سوره بقره عبادت را برای افزایش تقوا معرفی کرد، و در این آیه به طور خاص «روزه» را معرفی می نماید، با این که روزه یکی از عبادات است؛ بنابراین، روشن می شود که نقش روزه در افزایش تقوا بسیار مهم است.

۱- (۱) . بقره، ۶۶ - ۶۵

۲- (۲) . بقره، ۱۸۳.

۴. پرهیز از راه های انحرافی

۵. سیر در مسیر الهی

«و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنیـد؛ و از راه ها[ی دیگر] پیروی نکنید، که شـما را از راه او پراکنده می سازد؛ این[ها] است که [خدا] شما را به آن[ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید.» (۱)

۶. یادآوری نعمت های الهی و انجام وظایف (۲)

۷. توجه و تفکر در آیات معاد و آگاهی از عالم برزخ، قیامت و چگونگی حساب رسی انسان ها

آیاتی ماننـد: «و [خودتان را] از (عـذابِ) روزی حفظ کنیـد، که هیـچ کس به جای شـخص (دیگری) چیزی (از عـذاب) کیفر نمی شود، و از او هیچ شفاعتی پذیرفته نمی شود، و هیچ عوضی از او گرفته نمی شود، و آنان یاری نمی شوند.» (۳)

۸. باور و یقین قلبی به موارد زیر نیز باعث ایجاد انگیزه در رعایت تقوا می شود؛ این که انسان بداند:

الف - خدا با متقین است. (بقره / ۱۹۴)

۱- (۱) . انعام، ۱۵۳

۲- (۲) . بقره، ۶۳

۳- (۳) . بقره، ۴۸.

ب - خدا متقیان را دوست دارد. (آل عمران / ۷۶)

ج - متقیان از نعمت های الهی بهشتی برخوردارند. (حجر / ۴۵)

د - تقوا عامل فلاح، رستگاری و سعادت است. (بقره / ۱۸۹)

- تقوا عامل وسعت و زیاد شدن رزق می باشد.

- «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می کردند، گرفتارشان کردیم.» (۱)

- «... و هرکس [خودش] را از [عذاب] خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می دهد؛ و او را از جایی که نمی پندارد روزی می دهد؛... .» (۲) - «... و هرکس [خود را] از [عذاب] خدا حفظ کند برای او کارش را آسان قرار می دهد.» (۳)

- در پایان یادآور می شویم که ملاقات و دیدار با علمای ربانی و اولیای خدا و مطالعه احوال و زندگی نامه بزرگان، بسیار مؤثر و راهگشا می باشد.

۱- (۱) . اعراف، ۹۶

۲- (۲) . طلاق، ۳ و ۲

۳- (۳) . طلاق، ۴.

معرفی کتاب

برای مطالعه بیشتر در این باره به کتاب های زیر رجوع فرمایید:

۱. تفسیر نمونه، زیر نظر آیهٔ اللَّه العظمی مکارم شیرازی مباحث مربوط به آیاتی که در پاسخ آمده؛

۲. گناهان کبیره آیهٔ اللَّه شهید دستغیب(ره)؛

۳. کنترل غرایز جنسی، آیهٔ اللَّه العظمی مکارم شیرازی، انتشارات مدنی؛

۴. جوانان در طوفان غرایز، همت سهراب پور، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛

۵. آنچه یک جوان باید بداند [ویژه پسران]، رضا فرهادیان، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛

۶. چشم چرانی – به قلم دوشیزگان – انتشارات الزهرا.

پرسش:

اسلام برای کنترل عشق به جنس موافق و مخالف چه راهکاری پیشنهاد کرده است.

پاسخ:

برای دستیابی به پاسخی مناسب، نخست لازم است به مقدماتی درباره ی معنای «عشق» و انسان عاشق توجه نماییم.

معنای عشق:

در لغت، «عشق» را محبت شدید و علاقه افراطی و دل بستگی زیاد نسبت به یک شئ و یا یک شخص معرفی کرده اند. محقق بزرگ خواجه طوسی در شرح اشارت بوعلی می نویسد: «والحب اذا افرط سمی عشقاً؛ محبتی که از اندازه زیادتر شود و از حد خود بگذرد، عشق می نامند».

آیت اللّه جوادی آملی نیز در کتاب حماسه و عرفان به همین معنا اشاره دارند.

ص:۱۳۹

ریشه این واژه از «عشقه» گرفته شده است، و آن نام گیاهی است که بر تنه درخت می پیچد، آب آن را می خورد، رنگ آن را زرد می کند و بالاخره آن را خشک می کند و خود با طراوات می ماند. (۱)

اما در اصطلاح: عشق را از کیفیات نفسانی قلمداد می کنند که به سبب سیطرهٔ شدید تفکر در زیبایی و نیکویی محبوب و کثرت مشاهده شئون اطوار و آثار حسن معشوق در نفس و جان آدمی تحقق می یابد. (۲) از نظر بوعلی عشق حقیقی در تمام موجودات ساری و جاری است. عشق حقیقی همان ابتهاج، سرور، نشاط ناشی از تصور ذات معشوق می باشد. (۳)

عشق در قرآن و روایات

واژه «عشق» در قرآن نیامده اما مفهوم آن که محبت شدید و دل باختن به محبوب می باشد، وجود دارد. در سوره بقره آیه ۱۶۵ می خوانیم: «الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ و] لی [کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند».

گروهی از مترجمان و مفسران «اشد حباً» را به عشق ترجمه کرده اند.

ص:۱۴۰

۱- (۱) . فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی، ص ۳۵۷

۲- (۲) . حکمت الهی عام و خاص، به نقل از مهدی الهی قشمه ای، جلد یک، ص ۱۳۹

۳- (۳) . اشارات و تنبیهات شرح المحقق طوسی، جلد سوم، جزء سوم، ص ۸ .

در سوره یوسف نیز آمده است: وقتی جریان محبت و علاقه شدید زلیخا به یوسف در شـهر منعکس شد) گروهی از زنان شهر گفتند: همسر عزیز، جوانش (غلامش) را به سوی خود دعوت می کند عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده است.

در روایات واژه عشق و مفهوم آن به طور مستقیم به کار رفته است؛ برای نمونه از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) روایت شده است:

«افضل الناس من عشق العبادهٔ فعانقها واحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها (۱)؛ بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و با عبادت هم آغوش گردد و از قلب، دوستش بدارد و آن را با بدن انجام دهد و خود را در اختیار آن بگذارد.»

سخن دیگر از امیر بیان و مولای متقیان در خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه است: «من عشق شیئاً غشی بصره و أمرض قلبه و...؛ هر کس عاشق چیزی شود، آن چیز چشـمش را کور می سازد و دلش را بیمار می گردانـد] به طوری که عیب آن را ننگریسـته، زشتی اش را نیکوبیند [. »

این محبت شدید در دعاها و مناجات اهل بیت نیز به کار رفته است. (۲)

۱- (۱) . وسائل الشیعه،ج ۱، ص ۸۳، باب ۱۹، حدیث ۲

۲- (۲) . ر.ك: صحیفه سجادیه، ونیز مناجات مریدین از مناجات خمسه عشر.

عشق در کلام بزرگان

یکی از موهبت های بزرگ و ارزشمند الهی به انسان خاکی، کیمیای ناشناخته عشق است؛ حالتی که منشأ تمام کمالات والای نفسانی و یکی از مهم ترین عوامل حرکت، آگاهی و رشد در انسان بوده و جایگاه والای قلب، مکان و ظرف آن می باشد.

حریم عشق را در گه بسی بالاتر از عقل است کسی این آستان بوسد که سر در آستین دارد (۱)

به فرمودهٔ برخی، عشق ستاره ای برافروخته از تجلی حسن معشوق ازلی است که آدمی و پری، طنین هستی اویند و آن قدر این عشق مقدس است که دست فرشته به آن نرسد. عشق معجونی است که همه جهان زنده به او و جنبش افلاک به برکت او است. مولانا عشق را وصف ایزد و از اوصاف خداوند بی نیاز می داند.

عشق از اوصاف خدای بی نیاز عاشقی بر غیر او باشد مجاز (۲)

عشق رها شدن از پلیدی ها و عیب ها، و سوختن در برق عشق، نوازشگر دل و روح آدمی است.

ص:۱۴۲

۱- (۱) . دیوان حافظ، غزل ۱۲۱

۲- (۲) . مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۹۷.

هر که را جامه زعشقی چاک شد او ز حرص و جمله عیبی پاک شد (۱)

در پایان یادآور می شویم که صدرالمتالهین - عارف و حکیم نامور - می گوید: «عشق» عین «وجود» و وجود عین عشق است و هر دو عین حسن و جمال اند و مراتب و درجات عشق به اندازه مراتب وجود است و این دو با هم ملازم بوده، و بین تمام موجودات عالم جریان دارند. (۲)

انواع عشق:

برای عشق تقسیم بندی های متعددی نقل شده، ولی معروف ترین آن ها به قرار ذیل است:

۱. عشق حقیقی: که همان محبت الهی و عشق به لقای محبوب حقیقی یعنی ذات احدیت است.

۲. عشق مجازی: عشق های غیرحقیقی، زودگذر و ظاهری که بین موجودات وجود دارد و منحصر به انسان هم نیست، بلکه ممکن است یک طرف انسان و طرف دیگر موجودات دیگر باشند.

۱- (۱) . دیوان حافظ، غزل یازدهم

۲- (۲) . مبانی فلسفهٔ عشق، محمدحسین خلیلی، ص ۲۹.

یادآور می شویم که عشق های وهمی و خیالی در محدوده عشق های مجازی است.

راه حل ها:

با توجه به این مقدماتی که بیان شد و تقسیماتی که در باره عشق مطرح گردید، اینک به این مسئله توجه می نماییم که اگر جوانی به دلایلی گرفتار عشق های مجازی شد و در وجود خود احساس گناه کرد، برای معتدل کردن این عشق چه باید بکند.

آنچه مهم است کنترل عقلایی و دینی این احساسات می باشد تا فرد دچار گرفتاری ها و دردهای جسمی و روحی نگردد و این علاقه و دوست داشتن در مسیر معین به اندازه مشخص جهت دهی شود، و در غیر این صورت موجب بر هم خوردن برنامه سعادت او می گردد.

حکما گفته اند: «شدت و ضعف محبت» متناسب است با «میزان درک کمال محبوب»؛ توضیح مطلب این که: هرچه «معرفت و آگاهی» انسان نسبت به خوبی ها و کمالات محبوب بیشتر شود، «محبت» به او نیز بیشتر می شود؛ برای مثال، شما شخصی را به عنوان دوست انتخاب می کنید، در هر ملاقات و ارتباط جدید هرچه از خوبی های او با خبر می شوید، محبت شما به او بیشتر می شود. مثلاً در ملاقات اولی به خاطر ورزشکار بودن به او علاقه مند می شوید، ولی بعد متوجه می شوید دانش آموز موفقی نیز هست و در کنار درس و موفقیت در ورزش، حافظ قرآن نیز می باشد،

و خلاصه هرچه از کمالات و خوبی های او بیشتر آگاه می شوید، علاقه شما به او بیشتر می شود. (۱)

با توجه به مطالبی که گذشت، می بینیم گاهی برخی افراد به یکدیگر علاقه مند می شوند، در حالی که هیچ شناختی نسبت به هم ندارنـد و بعـد هم که ملاقـات ها بیشتر می شود، کمال و خوبی خاصـی در محبوب خود نمی بینـد، ولی علاقه او بیشتر می شـود و این محبت آن قـدر شدیـد می شـود که گـاهی به مرحله عشق می رسـد. این واقعیت چطور بـا آن قاعـده بالاـ سازگـار است؟!

قاعـده یاد شـده می گویـد: «هرچه کمالات بیشتر باشـد، علاقه بیشتر می شود.» ولی این جا می بینیم کمالی وجود نـدارد، ولی علاقه و عشق آمـده. به نظر می رسـد پاسخ این باشد که برخی افراد به ویژه بعضـی جوانان پس از ملاقات اول و علاقه ابتدایی که به محبوب خود پیـدا می کننـد، از محبـوب خـود یـک شخصـیت ایـده آل و بـا کمـالی در ذهن خود می سازنـد و به آن شخصـیت که در ذهن و خیال خود دارنـد، علاقه منـد می شوند و هر روز کمالاتی را برای او فرض می کنند و خوبی هایی را برای او توهم می کنند، و براساس آن شخصیت

۱- (۱) . این قاعـده فقـط بین دو انسـان جاری نیست، بلکه علاقه به اشـیاء نیز همین گونه است؛ برای مثال، شـما یـک دسـتگاه صوتی یا گوشـی تلفن جدید می خرید، هرچه از توانایی ها و سـرویس دهی آن بیشتر آگاه می شوید، علاقه شـما به آن شیء بیشتر می شود.

و محبوب خیـالی و مفروض که برای خود سـاخته انـد، محبتشـان بیشتر می شود و عشق، علاـقه و دفـاع از او نیز لحظه به لحظه افزایش می یابـد. این در حالی است که خود او می دانـد و همه اطرافیان نیز می دانند که آن محبوب این کمالات را که ندارد هیـچ، ارزش این همه دفاع و وقت صـرف او کردن را نیز نـدارد؛ اما او کمالات و ارزش هایی را برای او تصور کرده و دارد با آن عشق بازی می کند تا حدی که معایب او اصلاً دیده نمی شود و گاهی «معایب» را نیز «محاسن» می شمارد. (۱)

راه حل اول:

به نظر می رسـد انسـان برای خروج از این بن بست و رهـایی از بنـد عشق هـای مجـازی این چنینی بایـد قـدری «تفکر» کنـد و شخصـیت محبوب خود را از زیر ذره بین «عقل» بگذرانـد و ببیند آیا واقعاً او این همه کمال را دارد و آیا اصـلاً عیبی ندارد که این مقـدار برای او ارزش قائل شـده است؟! به سـخن دیگر چنین افرادی اگر به واقعیت گرایی نزدیک شونـد و از خیال بافی و توهم فاصله بگیرند، بخش عمده ای از مشکلشان حل می شود و محبت آن ها به افراد اعتدال می یابد.

ص:۱۴۶

۱- (۱) . یا اگر حسن کوچکی هم داشـته باشـد، در ذهن خود پرورش می دهـد و آن خوبی «کوچک» را «بزرگ» می کنـد و در خلوت خود به آن دلخوش می شود.

راه حل دوم:

نکته قابـل توجه دیگر این است که نیازهای «عاطفی» و «جنسـی» دو عاملی هسـتند که انسان را به سوی دوست داشـتن و عشـق ورزیـدن به دیگران سوق می دهد و این امری طبیعی است. با توجه به این نکته باید ببینیم این عشـقی که ایجاد شده آیا ریشـه عاطفی دارد یا ریشه جنسی اگر علاقه جنسی است آیا معشوق از جنس مخالف است یا همجنس، و هریک از این موارد پاسخ خاص خود را می طلبد که به اجمال اشاره می کنیم.

- اگر ریشه این عشق و علاقه که انسان را به این مشـکل گرفتار کرده، مسائل «عاطفی» باشد، شـخص باید این خلأ را از درون خـانواده پر کنـد. بـا علاـقه به پـدر و مادر و دیگر افراد خانواده می توان این خلأ عاطفی را از بین برد تا نیاز به جایگزینی افراد دیگر نبوده و در دام عشق های مهلک مجازی گرفتار نیاید. (۱)

ص:۱۴۷

۱- (۱) . سعی کند عیب های نزدیکان خود را را بزرگ نکند و به آن ها حسن نیت داشته باشد تا این علاقه جبران شود. و این را بداند که هر انسانی ممکن است در آداب معاشـرت و اخلاق خود، معایبی را داشته باشد، چه شخص غریبه باشد و چه آشنا! فقط تفاوت در این است که عیب آشـنایان و نزدیکان آشـکار است؛ از این رو، انسان از آن ها دلگیر می شود، ولی عیب افراد غریب پنهان و انسان از آن ها بی خبر است؛ از این رو، عاشق آن ها می شود.

- اگر این علاقه «جنسی» است و معشوق نیز از جنس موافق است، انسان باید در مورد عاقبت اخروی و دنیوی این نوع عشق و علاقه خوب فکر و مطالعه کند؛ چنان که حضرت علی(علیه السلام) می فرماید: «هر وقت خواستید کاری انجام دهید، نخست در عاقبت آن کار خوب تفکر نمایید.» (۱)

بنابراین باید توجه داشت که عاقبت اخروی این کار عذاب آلود است و عاقبت دنیوی آن افزون بر آبروریزی و لگدمال شدن شخصیت انسان، فرد را گرفتار بیماری های جسمی و روحی خطرناک و استعدادهای انسان را ضایع می کند و از شکوفا شدن آن جلوگیری می کند.

اما اگر این علاقه عاطفی یا جنسی به جنس مخالف است، راه حل های خود را می طلبد؛ از جمله:

۱. انسان مسئله را با خانواده خود در میان بگذارد تا رسماً از معشوق مورد علاقه خود برای ازدواج خواستگاری کند و از این کار هراسی در دل نداشته باشد؛ البته این کار باید با توکل بر خدا و همراه با شناخت و مشورت با دیگران و بدون عجله و با انجام تحقیقات کامل صورت گیرد.

اما اگر جواب آن ها منفی بود یا شرایط ازدواج وجود نداشت، چه باید کرد؟

۱- (۱) . «اذا هَمَمْتَ بشيٍ فتدّبر عاقبته.»

۲. پس از صبر و بردباری، قاطعانه و با اراده محکم و با توکل بر خدا تصمیم بگیرد او را به فراموشی بسپارد، و مهم ترین عامل در این مرحله این است که مطمئن باشد در آینده نزدیک او را فراموش خواهد کرد و ان شاء اللّه همسر بهتری برای او پیدا خواهد شد.

۳. ایجاد پیوند و رابطه قلبی عمیق با خالق زیبایی ها و کمالات، یعنی خداوند متعال، با این عقیده که هرچه زیبایی و کمال در عالم هست، از او است (۱) و عشق به او، پایدار و بقیه عشق ها فانی و زودگذر است.

۴. با برنامه ریزی دقیق و منظم، وقت خود را به مطالعه و ورزش و کار و تلاش و رفاقت و مجالست با دوستان مذهبی و شرکت در مجالس اهل بیت و مانند اینها، به نحو احسن بگذارند، و سعی کند از بیکاری و پرداختن به امور بیهوده و خلوت گزینی و گوشه گیری پرهیز کند، تا ذهن خود به خود از این محبت ها خالی شود.

۵. دوران جوانی پر از شور و هیجان و احساس است. این نوع مسایل طبیعی است و با اندک بهانه ای به وجود می آید و با اندک بهانه و تلاشی فراموش می شود؛ برای مثال، همین اندازه که انسان متوجه شود محبوب او با

۱- (۱) . با مطالعه و دقت در داستان حضرت یوسف(علیه السلام) به دست می آید که او با این عقیده توانست بر غریزه جنسی و عشق مجازی غلبه کند.

شخص دیگری رفت و آمد می کند، از او دلگیر می شود و در نتیجه رفته رفته به قطع رابطه می انجامد.

۶. در نظر خود بین عشق حقیقی که مربوط به خدا و اولیای خداست، و عشق مجازی مقایسه کند و توجه کند که عاقبت عشق حقیقی عزت نفس، حقیر شدن مشکلات، تاثیر نداشتن تعریف و مدح دیگران، احساس امنیت و آرامش و ثبات قدم داشتن - و محبوب شدن پیش دیگران و نتیجهٔ عشق های غیرحقیقی خفّت و خواری و حقیر شدن است.

در پایان یادآور می شویم که به باور عموم روان شناسان، جوانان افزون بر مطالعه منابعی در این خصوص، بی نیاز از مشاورهٔ حضوری با کارشناسان نیستند.

ص:۱۵۰

فصل سوم: معاشرت

اشاره

ص:۱۵۱

پرسش:

آیین معاشرت و ارتباط جوان مسلمان با جنس موافق و مخالف چیست ؟

پاسخ:

مقدمه:

برقراری ارتباط و بهره برداری از معاشرت با دیگران، از لوازم زندگی است؛ زیرا بدون ارتباط و معاشرت، ادامهٔ زندگی سخت و یا غیرممکن خواهد شد. قرآن مجید در این باره در سورهٔ زخرف آیه ی ۳۲ می فرماید:

«آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما وسایل زندگی آنان را در زندگی پست (دنیا) بین آنان تقسیم کردیم و رتبه های برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم، تا برخی آنان برخی [دیگر] را به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه جمع آوری می کنند بهتر است.»

این مطلب در آیهٔ ۶۲ سورهٔ نور با بیانی دیگر آمده و ضرورت زندگی دسته جمعی و معاشرت انسان ها با یکدیگر، لازمهٔ زندگی معرفی شده است.

از آن جا که دین اسلام جامع و کامل است، همان گونه که معاشرت را لازمهٔ زندگی می داند، برای آن حد و مرزهایی نیز قرار داده است که با توجه

به دستورهای اسلام محدودیت های جوان مسلمان در ارتباط تبیین می شود. منظور از محدودیت روابط و معاشرت ها در دین اسلام روشن شدن حد و مرز است و با آزادی انسان، ناسازگار نمی باشد؛ به تعبیر دیگر، تعیین حد و مرز برای روابط و معاشرت ها یکی از کارکردهای دین جامع و کامل اسلام است.

اسلام از سویی معاشرت و ارتباط را ضرورتی برای جامعهٔ رو به پیشرفت و ترقی می داند، و از سوی دیگر، همین ارتباط و معاشرت را قانونمند و هدفمند کرده و روابط را با توجه به همین اهداف مدیریت می کند.

با تقسیم بندی اقسام ارتباط، حدود و مرزهای هر قسم مشخص می شود:

الف - ارتباط با جنس موافق

در نگاه ابتدایی و سطحی، جوان مسلمان در ارتباط با جنس موافق هیچ محدودیتی ندارد، ولی در این نوع ارتباط نیز محدودیت هایی وجود دارد:

۱. نوع نگاه (توضیح آن در بخش جنس مخالف خواهد آمد)؛

ص:۱۵۴

۲. رعایت حقوق معاشرت؛

۳. سخن گفتن و پیشگیری از انحراف های دروغ، غیبت و تهمت که از گناهان زبان محسوب می شود و نتیجهٔ ارتباط و معاشرت است.

ب- ارتباط با جنس مخالف

در این مورد افراد به دو دسته تقسیم می شوند، نخست افراد محرم؛ یعنی خویشاوندانی مانند پدر، مادر و همسر که احکام خاص دارند و انسان محدودیت کم تری در ارتباط با آن ها دارد و دیگر افراد نامحرم مانند افراد بیگانه که در ارتباط با آن ها انسان محدودیت بیشتری دارد.

ص:۱۵۵

راه های ارتباط :

ص:۱۵۷

۲. سخن گفتن یکی از شیوه های رایج ارتباط و معاشرت است.

در یک تقسیم بندی کلی:

تفاوت این قسمت با نگاه کردن در این است که در نگاه کردن به نامحرم، غیر از دست و صورت جایز نبود ، ولی در صحبت کردن تنها قصد شهوت مانع است، و از این باب، معاشرت در تعلیم و تعلم، خرید و فروش و معاملات و سایر معاشرت های روزمره جایز می باشد؛ مشروط به این که در آن ها قصد لذت نباشد. (۱)

۳. سومین راه ارتباط و معاشرت دست دادن و تماس فیزیکی است:

چنانچه از آیات و روایات بر می آید و در فقه آمده است «تماس بدنی با کسانی که نگاه کردن به آنان حرام است، جایز نیست؛ بنابراین، دست دادن

۱- (۱) . ر.ک: معاشرت زنان و مردان در اسلام، ص ۱۰۹.

زن و مرد بیگانه با هم جایز نیست، ولی دست دادن از زیر لباس] یا با دستکش [اشکالی ندارد، ولی نباید دست همدیگر را بفشارند.» (1) (و به قصد لذت هم نباشد.)

۴. نامه نگاری های عادی یا رایانه ای (چت)

از شیوه های متداول امروزی که با استفاده از رایانه رواج یافته است، نامه نگاری اینترنتی است که اگر قصد شهوت رانی در آن ها نباشد، از نظر شرعی اشکالی ندارد، هرچند که از نظر اتلاف عمر، هر انسانی مسئول پاسخ گویی نسبت به چگونگی گذران عمر خویش است؛ چنان که از پیامبر اکرم روایت شده است: «پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار، جوانیت را پیش از پیری، سلامتت را پیش از بیماری، تمکنت را پیش از تهی دستی، فراغتت را پیش از گرفتاری و زندگانیت را پیش از مرگ.» (2)

۵. بهره برداری جنسی

از نظر قرآن و روایات هرگونه بهره برداری جنسی به زن و شوهر اختصاص دارد:

۱- (۱) . ر.ک: رساله نوین امام خمینی، ج ۳، ص ۴۸ به نقل از تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۴۲

۲- (۲) . ر.ک: معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْعَادُونَ.» (۱)

تصریح به ویژگی خاص مؤمنان در ابتدای سوره و نیز تصریح به تجاوزگری در صورت عدم پایبندی به این اصل، از مهم ترین دلایل تأکید قرآن مجید بر این گونه روابط است. تعبیر «عادون» که به معنای «متجاوزون» (تجاوزگران) به حدود الهی آمده، سخت ترین تعبیری است که در این باره شده است.

افزون بر این، در آیات آغازین سورهٔ نور دربرخورد جدی با زناکار، پیامبر خود را از برخورد مهربانانه با این پدیدهٔ شوم و زیان آور بر حذر و اعلام می دارد که عده ای از مومنان می باید بایستی عذاب و شکنجه ای که برای این گناه مقرر شده است، را شاهد باشند؛ و از سوی دیگر آن ها را از نظر اجتماعی مطرود و معاشرت با آنان را ممنوع کرده و ازدواج با آنان را اجازه نمی دهد. (۲)

قرآن کریم در سورهٔ اسراء آیهٔ ۳۲ می فرماید: «وَلاَ تَقْرَبُوا الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِیلاً؛ و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است».

۱- (۱) . مومنون، ۱ - ۷

۲- (۲) . نور، ۱ - ۳.

و در سورهٔ فرقان آیهٔ ۶۸ می فرمایـد: «وَالَّذِينَ ... وَلاَ يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذلِكَ يَلْقَ أَثَاماً؛ ... و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفرِ] گناه را خواهد دید.»

لذت معاشـرت و گفتگوی با جنس مخالف هرچند شیرین باشد، کوتاه مدت است و حزن و اندوه و نگرانی طولانی را به دنبال خواهد داشت.

آری، خداونـد تمایل و غریزهٔ جنسـی را مانند غرایز و تمایلات دیگر در وجود انسان به امانت گذاشـته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزهٔ جنسی؛

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزهٔ جنسی؛

۳. تحت برنامهٔ دین درآوردن آن.

راه اول: یعنی راه سـرکوب که باعث نقص جسمانی شده، و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان نابود می گردد و اجازهٔ شکوفایی و رشد نمی یابد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم: رها کردن افسار شهوت که این هم موجب هلاکت انسان و بروز بیماری های روحی و جسمی می شود که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می باشیم و اسلام با این راه نیز مخالف است.

راه سوم: این که نه این غریزه و نعمت الهی را سـرکوب کنیم، و نه آن را رها نماییم، بلکه طبق دستورهای دین شهوت خود را مدیریت کنیم؛ از این رو

در اسلام برای کنترل شهوب به، ازدواج، (۱) کنترل چشم، (۲) دوری از ناپاکان، (۳) دوری از تخیلات شیطانی (۴) و روزه گرفتن (۵) توصیه شده است

نتیجه گیری:

از آنچه بیان شد، نتیجه می گیریم که دین اسلام نه تنها با معاشرت مخالف نیست بلکه به آن توصیه نیز می کند، ولی معاشرتی را می پذیرد و به آن توصیه می کند که دارای ضوابط خاص خود باشد، و به تعبیر دیگر قانونمند و هدفمند باشد؛ زیرا اگر هدفمند و قانونمند شد، این معاشرت به سیر تکاملی انسان کمک می کند، ولی اگر بدون ضابطه باشد، رهزن انسان می شود و مشکلات فراوانی به بار می آورد که نمونه های آن را در برخی جوامع شاهد هستیم.

بنابراین، دستورهای دین «محدودیت» نیست بلکه مایهٔ «مصونیت» است و با رعایت آن «بهداشت روانی» و «بهداشت جسمی» جامعه تامین می شود.

ص:۱۶۳

۱- (۱) . نور، ۳۲

۲- (۲) . نور، ۳۰ و ۳۱

۳- (۳) . نساء، ۲۷

۴- (۴) . نور، ۲۱

۵- (۵) . بقره، ۱۸۳.

پرسش:

آیات مربوط به روابط دختر و پسر را بیان کرده و توضیح دهید.

اشاره

پاسخ:

این آیات چند دسته است:

الف – آیات مربوط به گفتگوی موسی با دختران شعیب

قرآن کریم در آیات ۲۳و۲۴ سوره قصص به ماجرای برخورد موسی با دختران شعیب و یاری رساندن به آنان و مناجات موسی اشاره کرده و می فرماید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ امَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأ بُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ و هنگامی که به (چاهِ) آب مَدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا یافت که (چهارپایان خود را) سیراب می کردند؛ و پایین تر از آنان دو زن را یافت که (گوسفندان خود را از رفتن به طرف آبشخور) بازمی داشتند. (موسی به آن دو) گفت: «[جریان] کارشما چیست؟» [آن دو زن] گفتند: «(ما گوسفندهایمان را) سیراب

نمی کنیم تا اینکه شبان ها خارج شوند؛ و پدر ما پیر کهنسالی است.» پس (موسی) برای آن دو (گوسفندان را) سیراب کرد، سپس (از آنان) به سوی سایه روی برتافت و گفت: «پروردگارا! در حقیقت من به آنچه از نیکی که به سوی من فروفرستی، نیازمندم.»

نکته ها:

۱. موسی از مصر خارج شد و به سوی «مَدْین» حرکت کرد و چند روز راه رفت وخسته و گرسنه و تشنه به سرزمین «مدین» رسید، و به طور طبیعی نخست به سراغ محل آب رفت تا آبی بنوشد و خستگی را از تن بدر کند. (۱)

۲. از این آیات استفاده می شود که موسی هنوز جوانی طرفدار مظلومان ونیکوکار بود و به اطراف خود توجه می کرد و هنگامی که دید دو دختر با عفت در کنار آب ایستاده اند و چوپانان راه را باز نمی کنند که آنان از آبشخور براحتی استفاده کنند، به سراغ آنان رفت و از کار آنان پرسید و جالب آن است که هردو دختر را مخاطب ساخت، و با یکی از آنان سخن نگفت تا مورد اتّهام قرار گیرد؛ سپس به آنان کمک کرد تا دام های خود را سیراب کنند.

ص:۱۶۶

۱- (۱) . برخی مفسران نوشته اند که با پای برهنه رفت و هشت روز در راه بود و پاهایش تاول کرد و در راه از گیاهان می خورد. (تفسیر نمونه، ج۱۶، ص ۵۵)

۳. نکته جالب آن است که موسی(علیه السلام)، به نفع بانوان وارد عمل شد و دام های آنان را برد و سیراب کرد و بدین وسیله به وضع موجود شهر «مدین» اعتراض کرد، که چرا زنان را معطل می کنید و رعایت حال آنان را نمی نمایید.

۴. نکته دیگر آن است که موسی با آن که در آن شرایط کاملاً نیازمند بود، هیچ مزدی در برابر کارخود از دختران شعیب نخواست، ولی درآیات بعدی می خوانیم که چگونه خدا پاداش این نیکوکاری او را داد و غذا و خانواده ای پاکدامن و معلّمی همچون شعیب نصیب او کرد.

۵. موسی(علیه السلام) فردی بود که درموارد متعدد با خدا مناجات می کرد و در این آیات نیز به سایه رفت و به پروردگارش عرض کرد که من نیازمند نیکی های تو هستم. نکته ی جالب این که به خدا نگفت به من غذا و همسر بده، بلکه گفت من نیازمند احسان تو هستم، (توخود هر طور می دانی و صلاح است عمل نما.) (۱)

۶. دختران شعیب درخانه پیامبری الهی تربیت یافته اند؛ و می توانند الگوی دختران جوان باشند و از این رو است که قرآن سخنان و رفتار آنان را به تصویر کشیده تا سرمشق دیگران شوند. در زندگی این دختران چند نکته جالب وجود دارد:

۱- (۱) . در برخی احادیث آمده است که موسی(علیه السلام) غذا یا نان خواست (تفسیر صافی، ج۴، ص ۸۶) ولی این روایات مصادیق نیکی را تعیین می کند.

اوّل این که آنان بیرون از خانه کار می کردند و به پدرشان در دامداری کمک می نمودند.

دوّم آن که کار بیرون از خانه را باعفت همراه کرده بودند و طوری عمل می کردند که با مردان بیگانه مخلوط نشوند و کارکردن آن ها عوارضی به دنبال نداشته باشد.

سوّم آن که در برابر پرسش موسی زیرکانه و کوتاه جواب دادند، از طرفی اشاره کردند که برای سیراب کردن گوسفندان آمده ایم و از طرف دیگر بیان کردند که نمی خواهیم با مردان بیگانه مخلوط شویم، و عفّت خود را به موسی گوشزد نمودند، و از طرف سوّم، علت کارکردن خود را بیان کردند که به خاطر یاری پدر بوده است.

چهارم آن که به طور طبیعی احتمال می رفت جوانی که با دختران شعیب سخن می گوید، فردی طمع کار باشد، از این رو به او گوشزدکردند که ما پدر داریم و بی سرپرست نیستیم، ولی پدر ما پیر است و اگر ما به میان اجتماع مردان آمده ایم، از سراضطرار بوده است.

۷. از این آیات استفاده می شود که سخن گفتن پسر و دختر نامحرم در مورد برنامه های کاری (اگر بدون شهوت رانی و خطرگناه آلود و در حضور جمع باشد) مانعی ندارد؛ چراکه قرآن جریان گفتگوی موسی و دختران شعیب را بدون هیچ سرزنشی نقل می کند، درحالی که آنان با همدیگر نا محرم بودند.

ص:۱۶۸

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه بیست و سوم برای ما آن است که درکارهای اجتماعی رعایت بانوان را بنماییم، و حق زنان با عفت را پایمال نکنیم.

۲. پیام آیه آن است که زنان درهنگام ضرورت می توانند بارعایت عفّت در خارج از خانه کارکنند.

۳. آموزه دیگر آیه برای دختران جوان آن است که در گفتگوهای اجتماعی، زیرکانه پاسخ دهید و از توهمات طرف مقابل جلوگیری کنید.

۴. آموزه آیات برای جوانان آن است که در اجتماع به اطراف خود توجه کنید و حامی مظلومان به ویژه زنان باشید.

۵. آموزه دیگر آیات برای جوانان آن است که نیکوکار باشید و به ناموس مردم چشم طمع نورزید، و از خدا (امکانات) نیکو بخواهید (و خدا به لطف و کرمش زندگی شمارا سامان می بخشد.)

۶. آموزه دیگر آیات آن است که درهنگام نیاز به درگاه بی نیاز بروید.

* * *

قرآن کریم در آیه بیست و پنجم سوره قصص به حیای دختر شعیب و ملاقات موسی با او و پاداش کار نیکش اشاره کرده و می فرماید:

۲۵. «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ و یکی از آن دو (دختران شعیب) به سراغ او آمد درحالی که با شرم، گام

برمی داشت، گفت: «درحقیقت پدرم تو را فرا می خواند تا پاداش آب دادن (گوسفندان) ما را به تو بپردازد.» و هنگامی که (موسی) نزد او [شعیب] آمد و حکایت ها را برای او حکایت کرد، گفت: «نترس که ازگروه ستمکاران نجات یافتی.»

نکات و اشارات:

۱. هنگامی که موسی(علیه السلام) به «مدین» آمد، ترسان، گرسنه و بدون خانواده بود، ولی دیری نپایید که به برکت کارخیری که انجام داد و به دختران بی پناهی کمک کرد، خدا زندگی او را دگرگون ساخت. آری، شعیب او را به خاطر کار نیکش نزد خود فرا خواند، و غذا، مسکن، خانواده و امنیت او را تأمین کرد.

۲. در این آیه بیان شده که دختر شعیب از سوی پدرش مأمور شده بود موسی را به خانه و نزد پدر ببرد، ولی چنان با حیا و عفت بود که حیای او در راه رفتنش هویدا بود؛ یعنی تلاش می کرد که کاملاً با حیا راه رود (۱) و این الگویی برای دختران جوان است. (۲)

ص:۱۷۰

۱- (۱) . ظاهراً «استحیاء» بر تلاش او برای حفظ عفت دلالت دارد (از این رو «حیاء» نیامده است

۲- (۲) . راه رفتن انسان نشان دهنده شخصیت او است؛ چراکه راه رفتن اقسامی دارد؛ گاهی با تکبر، گاهی با وقار و فروتنی، گاهی تحریک آمیز و عشوه گرانه و گاهی با عفت و حیاراه می رود. هرکدام از این حرکت ها پیامدها و پیام های خاص خود را دارد.

۳. دختر شعیب از طرف خود دعوت نکرد ،بلکه پیام پدر را رساند که او می خواهد مزد آب رسانی تورا بدهد.

از این سخن روشن می شود که دختران شعیب به خانه رفتند و ماجرای گفتگو و برخورد خود با جوان مصری را مخفی نکرده و جریان جوان نیرومند و نیکوکار را برای پدرشان حکایت کردند، و او نیز با فراست (یا علم غیب نبوّت) دریافت که این جوان می تواند فردی مناسب برای چوپانی یا دامادی او باشد، از این رو درپی تحقیق بیشتر برآمد واورا به خانه دعوت کرد.

۴. شعیب پیامبر(علیه السلام) در این پیام، روح حق شناسی خویشتن را آشکار ساخت که اگر کسی به دخترانش کمک کند، فوری به او پاداش می دهد؛ آری این روش مردان الهی است.

۵. در برخی روایات آمده است که موسی به مکان خانه شعیب آگاه نبود و اگر دختر شعیب از جلو حرکت و اورا راهنمایی می کرد، ممکن بود باد لباس او را کنار زند، از این رو موسی گفت: من از جلو می روم و تو مرا از پشت سرراهنمایی کن. (۱)

همین مطلب پاکی و درستکاری موسی را اثبات کرد و زمینه ای شد که دختر شعیب به پدر پیشنهاد کند اورا برای چوپانی استخدام کند.

۱- (۱) . تفسیر فخر رازی و تفسیر نمونه ذیل آیه و تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۲۳.

۶. موسی به ملاقات با پیر مدین، یعنی شعیب پیامبر، نائل شد و ماجرای زندگی پر ماجرای خود را بازگو کرد که چگونه در کاخ فرعون بزرگ و برای دفاع از مظلومی وارد درگیری شده و یک نفر به قتل رسیده و او فرار کرده است و هم اینک تحت تعقیب، گرسنه و بدون خانواده است.

۷. شعیب پیامبر(علیه السلام) موسی را دلداری داد و نخست امنیت او را تأمین کرد و گفت: نترس که دست ستمکاران (فرعونی) به تو نمی رسد؛ زیرا موسی به سرزمین مدین و خانه معلّم وحی آمده و از غربت و تنهایی نجات یافته بود و شعیب به او پناه داد.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه ی آیه برای ما آن است که هرکس به ما نیکی کرد، پاداش او را بدهیم.

۲. آموزه دیگر آیه برای دختران جوان آن است که در هنگام راه رفتن با حیا حرکت کنند که شیوه ی راه رفتن نشان دهنده شخصیت آن است.

۳. پیام آیه آن است که به بی پناهان ظلم ستیز پناه و امان دهید.

۴. پیام دیگر آیه آن است که دختران جوان، جریان برخوردها و گفتگوهای بیرون خانه را به پدرشان اطلاع دهند (تا پدر به آنان کمک کند.)

* * *

ص:۱۷۲

قرآن کریم درآیه بیست و ششم سوره قصص به پیشنهاد استخدام موسی و شرایط کارگزار خوب اشاره می کند و می فرماید:

۲۶. «قَالَتْ إحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ القَوِیُّ الأَمِینُ؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: «ای پدر [من] ! اورا استخدام کن، [چرا] که بهترین کسی که استخدام می کنی (شخصِ) نیرومند درستکار است.»

نکات و اشارات:

۱. در این جا پرسشی مطرح می شود که دختر شعیب از کجا متوجه شد موسی قوی و امین است؛

پاسخ آن است که دختران شعیب درهنگام آب رسانی، و عقب زدن چوپانان دیگر و کشیدن دلوچاه قدرت موسی را دیده بودند. درستکاری او نیز به هنگام آمدن به خانه شعیب روشن شد که حاضر نشد پشت سردختر شعیب حرکت کند؛ همان گونه که از بازگوکردن سرگذشت او بافرعونیان این مطالب هویدا شده بود.

۲. از این آیه استفاده می شود که اولاً: دختران شعیب رفتار این جوان را به دقت تحلیل کرده و متوجه شدند که او امین و قوی است و ثانیاً: درمورد پیشنهاد استخدام گرفتار احساسات نشدند، بلکه بر اساس عقل خویش عمل کرده و به صفات اساسی موسی توجه نمودند، نه به وضع ظاهری او.

ص:۱۷۳

۳. در این آیه به دو شرط اساسی کارگزاران اشاره شده است. کارگزاری که می خواهد برای یک خانواده و یا یک شهر یا یک ملت خدمت کند، باید قوی و امین باشد و به عبارت دیگر تخصص و تعهد داشته باشد.

۴. قوی بودن افراد به نیروی جسمی تنها نیست، بلکه توان مدیریت، تخصص دریک رشته و آگاهی کافی برکار و قدرت برنامه ریزی و مدیریت همگی مصداق قوی بودن افراد است.

۵. امین و درستکار بودن کارگزاران نیز بسیار مهم است کارگزار خیانت پیشه، باعث نابودی منابع و کارفرما می شود.

۶. از این آیه استفاده می شود که شعیب پیامبر، فرزندان خود را چنان تربیت کرده بود که به راحتی در مسائل خانوادگی پیشنهاد می دادند و اظهار نظر می کردند.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای کارفرمایان آن است که در استخدام کارگزاران به دو شرط توانمندی و امانت داری توجه کنند.

۲. پیام آیه برای پدران آن است که به فرزندان جوان خود اجازه اظهار نظر در امور خانوادگی بدهند.

* * *

ص:۱۷۴

قرآن کریم در آیه بیست و هفتم و بیست هشتم سوره قصص به ازدواج موسی با دختر شعیب و مهریه او اشاره کرده و می فرماید:

«قَالَ إِنِّی اریدُ أَنْ انکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ عَلَی أَنْ تَأْجُرَنِی ثَمَانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِکَ وَمَا اریدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنِی إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ * قَالَ ذَلِکَ بَیْنِی وَبَیْنَکَ أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَاللَّهُ عَلَی مَا نَقُولُ وَکِیلٌ»؛ (شعیب) گفت: «در حقیقت من می خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم، بر (اساس این مهریه) که هشت سال در استخدام من باشی؛ و اگر تا ده سال تکمیل کنی، پس (لطفی) از نزد توست؛ و نمی خواهم که برتو سخت گیری کنم؛ اگر خدا بخواهد، بزودی مرا از شایستگان خواهی یافت.» (موسی) گفت: «این (قراردادی) میان من و میان تواست؛ هرکدام از دو سرآمد (مدّت) را به پایان رساندم پس هیچ تعدّی بر من نخواهد بود؛ و خدا نسبت به آنچه می گوییم گواه و نگهبان است.»

نکات و اشارات:

۱. از لحن گفتگوی شعیب با موسی استفاده می شود که این سخنان مقدماتی برای ازدواج موسی با دختر شعیب بوده است.

ص:۱۷۵

آنان در مقام اجرای صیغه عقد نبوده اند. بلکه شاید صیغه را بعداً جاری کرده اند؛ (۱) از این رو است که دختر مورد نظر مشخص نشد و شعیب گفت یکی از دخترانم را به ازدواج تو درمی آورم و مهریه او را هم کاملاً مشخص نکرد.

۲. از لحن آیات استفاده می شود که مهریه واقعی هشت سال خدمت موسی بوده است و دو سال اضافی، الزامی نبوده بلکه متوقف برمیل موسی بوده؛ (۲) و در احادیث آمده است که موسی ده سال را انجام داد. (۳)

۳. براساس این آیات، خدمت موسی و هشت سال چوپانی او مهریه قرار داده شد؛ زیرا اولاً: موسی چیز دیگری نداشت که مهریه قرار دهد و ثانیاً: کار، چیزی با ارزش است که می تواند مهریه قرار گیرد و لازم نیست که یک جا پرداخت شود، بلکه برعهده شوهر می ماند. (۴)

۴. مهریه زنان وسیله ای برای تامین آینده زنان و نوعی بیمه حوادث زندگی است؛ همان گونه که باعث ثبات زندگی و عامل جلوگیری از طلاق های احساساتی و زودرس می باشد.

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۶۷

۲- (۲) . همان، ج ۱۶، ص ۶۸

۳- (۳) . تفسیر صافی، ج ۴، ص ۸۸ - ۸۷

۴- (۴) . تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۶۸.

۵. مهریه دختر شعیب هشت یا ده سال خدمت چوپانی موسی بود، و اگر حقوق متوسط کارگران در ده سال در نظر گرفته شود، این مهریه سنگینی به شمار می آید، ولی با توجه به این که در این مدت مخارج زندگی و مسکن و غذای موسی و خانواده اش به عهده شعیب بود، روشن می شود که مقدار مهریه چندان سنگین نبوده است.

۶. در این جا پرسشی مطرح می شود که چرا مهریه دختر شعیب به پدر و خانواده او تعلّق گرفت و موسی چوپان خانواده شعیب شد.

پاسخ آن است که اولاً: چوپانی موسی در درجه نخست به نفع زندگی خود و خانواده اش بود، و ثانیاً: مالك اصلی مهریه دختر شعیب بود؛ اما از آنجا که زندگی آنان مشترک بود، جدایی در میان آنان وجود نداشت. و ثالثاً: بدون شک شعیب رضایت دخترش را در این مورد احراز کرده بود که چنین عقدی را اجرا کند.

۷. از این آیات استفاده می شود که مانعی ندارد خانواده دختر اگر کسی را شایسته همسری دخترش یافت، به او پیشنهاد ازدواج کند؛ یعنی خواستگاری خانواده پسر از دختر الزامی نیست و می تواند برعکس نیز عمل شود؛ همان گونه که شعیب چنین کرد.

۸. نـام دختران شـعیب را «صَیـفوره (یا صـفراء یا صَیـفورا)» و «لیا» نوشـته انـد که دختر کوچک تر شـعیب – صـفورا – با موسـی ازدواج کرد. وی همان دختری بودکه موسی را به خانه دعوت کرد و پیشنهاد استخدام اورا داد. (۱)

۹. از این آیه بـا توجه به روایت اسـتفاده می شود که ازدواج دختر کوچـک قبـل از دختر بزرگ تر مـانعی نـدارد، بلکه هرگاه شوهری مناسب و در شأن دختر پیدا، و توافق حاصل شد، مانعی در برابر ازدواج دختر کوچک نیست.

۱۰. نکته جـالب این مـاجرا آن است که دختر شـعیب به پـدرش پیشـنهاد کرد که موسـی را برای چوپـانی اسـتخدام کنـد، ولی شعیب در برابر آن، ازدواج و اسـتخدام موسـی را پیشـنهاد کرد. شایـد شـعیب از اشـاره دختر متوجه شـد که مایـل به ازدواج با موسـی است؛ از این رو ترجیـح داد که مسـئله را به طور واضـح بیان کنـد. همچنین شایـد صـلاح ندانسـته مردی جوان و بدون همسـر در خـانه ای اسـتخدام شود که دو دختر جوان وجود دارنـد؛ از این رو با پیشـنهاد خود تلاش کرد که هم موسـی دارای همسـر و محرم خانواده شود و هم مشـکل کمبود چوپان مرتفع گردد، و هم به پیشنهاد فرزند جوان خود احترام گذاشت؛ یعنی مشکل شرعی و اقتصادی را یک جا حلّ کرد و این نشان دهنده مدیریت عالی شعیب در خانواده خود است.

ص:۱۷۸

۱- (۱) . ر.ک: مجمع البیان، ذیل آیه، و تفسیر صافی، ج ۴، ص ۸۸ – ۸۷.

۱۱. شعیب به موسی می گوید من نمی خواهم برتو سخت بگیرم؛ از این رو مهریه را بین هشت تا ده سال آزاد می گذارد. این مطلب آموزه ای برای همه پـدران است که در برخورد با دامادهای خودش سـخت گیری نکننـد و حـداقل و حـداکثر مهریه را تعیین کنند و آن را به میل داماد بگذارند.

۱۲. از این آیـات اسـتفاده می شود که شـعیب سـعی نکرد که یک دختر خاص را بر موسـی تحمیل کنـد، بلکه به هر دو طرف آزادی انتخاب داد تا ببیند کدام یک از دختران مایل به ازدواج با موسی هستند و موسی نیز مایل به کدامیک آن هاست.

۱۳. موسی(علیه السلام) ازدواج را پذیرفت، ولی شرط اختیار در مهریه را تکرار کرد و خدا را شاهد و وکیل قرارداد گرفت، تا بعداً اختلاف و مشکلی پیدا نشود.

آری، شاهد و وکیل قراردادهای مردان الهی خداست، و برای اجرای آن نیازی به ضمانت و ضامن های دیگر نیست.

۱۴. در این آیات شـعیب به دنبال سخنان خود «ان شاء اللّه» می گوید، و موسی نیز از وکالت خدا و توکّل بر او سخن می راند. آری؛ «راهرو گر صد هنر دارد، توکّل بایدش.»

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای مـا این است که در اسـتخدام کـارگزاران خـانگی، مراعات مسائل شـرعی را بنماییم. و تلاش کنیم که افراد محرم، کارِ خانه شما را انجام دهند.

۲. آموزه دیگر آیه آن است که پدران به فکر ازدواج دختران خود باشند و در مواقع لزوم از دامادهای خوب خواستگاری کنند.

۳. آموزه دیگر آیه آن است بردامادها سخت گیری نکنند و آنان را در انتخاب همسر و مقدار مهریه آزاد بگذارند.

۴. آموزه دیگر آیه این است که شرایط خود را درهنگام ازدواج کاملاً بیان کنید. تا بعداً مشکلی پیش نیاید.

۵. پیام آیه این است که مهریه، پیشینه ای چند هزار ساله دارد و درمیان ملت های مختلف وجود داشته و روش پیامبران الهی بوده است.

۶. پیام دیگر این آیه آن است که خدا را شاهد و وکیل قراردادهای خود بدانید (و از آن ها تخلّف نکنید.) (۱)

* * *

اشارات آموزنده دیگر دختران شعیب:

۱. دختران شعیب با یکدیگر بودند (امْرَأَتَیْنِ) نه به تنهایی؛ یعنی دختران در بیرون رفتن سعی کنند تنها نروند، بلکه حداقل دو نفر باشند تا امنیت بیشتری برای آنان حاصل شود.

ص:۱۸۰

۱- (۱) . این بخش از تفسیر آیات از «تفسیر قرآن مهر» (تفسیر ویژه جوانان) دارد. محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران قبل از انتشار استفاده شد.

۲. دختران شعیب برای آب دادن گوسفندان به محل اجتماع مردم رفتند؛ بنابراین، اشتغال زنان و حضور آنان در اجتماع و محل کار جایز است.

(البته با شرایطی)

۳. اگر خانم ها در اجتماع ظاهر می شوند، از اجتماعی که باعث اختلاط با مرد است، پرهیز کنند و حریمشان را از مردان جدا کنند (مِن دُونِهِمُ)

۴. از جمله «قَالَ مَا خَطْبُكُمَا» استفاده می شود که:

الف – بهتر است خانم ها در سخن گفتن با نامحرم پیش قدم نشوند.

ب – مردان احساس مسئولیت کنند و نسبت به زنان باحیاء و با عفت بی تفاوت نباشند.

ج – مردان حق پرسش و شروع سخن را در موارد خاص دارند. (البته در صورتی که در منظر همگان بوده و مورد تهمت واقع نشوند.)

۵. کلام حضرت موسی(علیه السلام) خیلی کوتاه است؛ یعنی به حداقل کلام در گفتگوی با جنس مخالف اکتفا می کند؛ پس حد ضرورت سخن گفتن با نامحرم لازم است رعایت شود.

۶. «قَالَتَا لاَ نَسْقِي»: دختران شعیب به طور مستقیم به حضرت موسی پاسخ نمی دهند و در پاسخ اختصار را رعایت و هدف و نیّت پاک و خیر خویش را ابراز می کنند.

ص:۱۸۱

۷. «أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»: اصالتاً مردها باید کار کنند، ولی در خانواده شعیب از آن جا که مرد خانواده کهن سال است، زن ها کارها را بر عهده گرفته اند؛ یعنی در ضرورت زن ها کار کنند.

۸. حضور زن ها در اجتماع و اشتغال به علت شرایط خاص، با محدودیت هایی روبه رو است؛ از این رو دختران شعیب آزادانه نتوانستند در جمع مردان به کار خویش ادامه دهند و کناره گرفتند؛ یعنی گفتار و رفتار دختران شعیب از ذهن طرف مقابل دفع توهم می کند که به چه علت اینجا ایستاده اند.

۹. «قَالَتَا»: هر دو به موسی پاسخ دادند، یعنی تا آنجا که ممکن است تنهایی وارد صحبت نشدند.

۱۰. گفتار و رفتار دختران شعیب از ذهن طرف مقابل این توهم را برطرف می سازد که به چه دلیل اینجا ایستاده اند. دختران شعیب با پاسخ های خود چندین دفع توهم کردند:

الف: ما بی حیا نیستیم؛

ب: ما بی سرپرست نیستیم و اصالت خانوادگی داریم.

ج: علت آمدن ما به اینجا کهن سالی پدرمان هست.

۱۱. «فَسَقَى لَهُمَا»: از این که موسی به گوسفندان آب داد، جواز کمک کردن مردان بیگانه به زنان در مقام ضرورت طبق شرائطی خاص به دست می آید.

۱۲. «لَهُمَا»: حضرت موسی به هر دو دختر کمک کرد نه به یک دختر که ایجاد شبهه کند و این دفع توهم کرد.

۱۳. «ثُمَّ تَوَلَّی إِلَی الظِّلِّ»: حضرت موسی به دختران کمک کرد و به سایه رفت و این ارتباط را ادامه نداد؛ یعنی به حد ضرورت اکتفا کرد و به سرعت از آن ها جدا شد.

۱۴. حضرت موسی خواسته هایش را در درگاه پروردگار مطرح کرد و دعا کرد (و در نتیجه دارای خانواده و زندگی شد.)

۱۵ .«فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْيَاءٍ»: حیا و عفت در ارتباط با دختر و پسر رعایت شود؛ یعنی راه رفتن دختران با حیا باشد و حیا در ظاهر آن ها ظهور و بروز کند، تا کسی طمع نکند.

۱۶. «استحیا» از باب استفعال و با (علی) آمده یعنی:

اولاً: در ارتباط با دختر و پسر حیا باشد؛

ثانیاً: حیا را بسیار رعایت کنند؛

ثالثاً: با علی (حرف جر) آمده، یعنی حیا برای آن ها ملکه و عادی شود، همچون (مرکبی راهوار)؛ به عبارت دیگر، حیا برای آن ها نهادینه شود.

۱۷. «تَمْشِی عَلَی اسْتِحْيَاءٍ» منحصر به راه رفتن نیست و این مورد برای بیان مصداق است و از مشی القای خصوصیت شود و شامل همه رفتارها می گردد.

۱۸. دختران حیا را در رفتار خودشان ظهور و بروز دهند و فقط به نیت و دل اکتفا نکنند.

آموزه آیه آن است که دختران عفت و حیا را در ظاهر آشکار کنند و مواظب حرکات و سکنات خود در بیرون خانه باشند تا دیگران طمع نکنند.

۱۹. دختر حضرت شعیب با اجازه پدر به ملاقات موسی آمد. پدر یکی از مصادیق ولی می باشد؛ پس می توان استفاده کرد اجازه ولی در موارد ملاقات دختر و پسر لازم است.

۲۰. حضرت شعیب نیز به دخترش اعتماد داشته و در تربیت او موفق بوده است.

«جاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا»: یک دختر را فرستاد و یک نوع اعتماد و اطمینان به دخترش را نشان داد و این از فضای باز و اعتماد افراد خانواده به یکدیگر است.

۲۱. «إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ»: دختر ابراز می کند که فقط یک واسطه است و پسر را از طرف پدر به خانه دعوت می کند.

۲۲. ملاقات اول دختران و حضرت موسی در آیه ۲۳ با ملاقات دوم آنان در آیه ۲۵ تفاوتی داشته است؛ یعنی از حیای بالاتری برخوردار بوده تا این ملاقاتها عادی نشود.

۲۳. از آیه ۲۵ جواز ارتباط دختر و پسر را (بنابر شرایطی) می توان استفاده کرد؛ مانند اجازه پدر و حیا و ...

۲۴. «لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ»: حضرت شعيب حق شناس است؛ از اين رو مسئله ی پاداش را مطرح می كند. آموزهٔ آيه برای پدران آن است كه اگر كسی به خانواده شما (دختر شما) كمك كرد، او را بی پاداش و مزد نگذاريد.

۲۵. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ»: پدرش آن جوان را خواست و دختر را وارد كارهای اقتصادی نكرد.

۲۶. پدران روابط دختران را با افراد بيرونی مديريت كنند. حضرت شعيب به عنوان پدر خانواده با دخترش خشن رفتار نكرد كه چرا با او سخن گفتی بلكه آن را جهت داد و مديريت كرد. آری، اگر يك جوان عفيف و پاكدامنی پيدا شد، پدر دختر، او را تكريم كند و آن جوان عفيف و پاكدامن را بی درنگ جذب نمايد و پدر خانواده جوان را دعوت و او را ارزيابی كند كه آيا صلاحيت دارد با اين خانواده ارتباط برقرار كند يا خير.

۲۷. دختران شعيب از گفتگو و ارتباط خود با جوان غريب در خانواده و با پدر به راحتی سخن گفتند؛ يعنی دختران ارتباط صميمانه ای با پدر داشتند.

آموزه آيه آن است كه دختران اگر ارتباطی با غريبه ای در بيرون داشتند، به راحتی با پدر در ميان بگذارند.

آموزه ديگر اين است كه پدر و مادرها آن قدر فضای خانه را باز و عاطفی كنند تا دختران مسائل را به راحتی با آن ها در ميان بگذارند.

۲۸. حضرت شعيب به عنوان يك پدر نسبت به فرزندانش بد دلی نكرد و فكر بد به خود راه نداد.

ص:۱۸۵

آموزه این مطلب آن است که به دختر اعتماد بکنید و به آن ها شخصیت بدهید و بد دلی نکنید و ارتباطهای آن ها را مدیریت نمایید.

۲۹. مطلوب بودن کوتاه سخن گفتن و ارتباط دختر و پسر به حد ضرورت (إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ) از این آیه نیز استفاده می شود (که البته در آیات قبلی نیز اشاره شده بود) البته این ضرورت سخن گفتن پسر با دختر ضرورت عرفی است نه ضرورت عقلی.

۳۰. در روایات وارد شده که دختران از عقب حرکت می کردند و موسی از جلو و در روایات وارد شده اگر زن جلو حرکت کند و مرد از پشت سرش، شیطان مرد را رها نخواهد کرد. (۱)

۳۱. «لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ»: دختر (شعیب) در برخورد با جوان دفع توهم می کند که هدف ارتباط با تو پاداش دادن به تو است نه چیز دیگر.

۳۲. از کل این مسئله برداشت می شود که پسران به منزلهایی که دختر دارند، وارد نشوند، مگر با اجازه پدر یا ولی و بدون دلیل دنبال دختر راه نیفتند.

۳۳. «سَقَیْتَ لَنَا»: این عبارت نوعی دفع توهم است؛ یعنی برای من تنها کار نکردی بلکه به ما کمک کردی. نفرمود: «سقیت لی ...» این یک نوع حیا در گفتار است؛ البته نوعی تکریم موسی نیز بود.

ص:۱۸۶

۱- (۱) . تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه.

۳۴. «إِنَّ أَبِی...»: پـدرم می خواهـد به تو پاداش بدهـد نه من؛ مـدیریت اقتصادی خانواده را پـدر دارد و در موارد غیر ضـروری دختران وارد کارهای اقتصادی خارج خانه نمی شوند؛ زیرا مفاسدی را به دنبال دارد.

۳۵. «قَالَتْ إِحْـدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْـتَأْجِرْهُ»: در روایات آمـده است که گویندهٔ این جمله دختر کوچک تر شـعیب بود و این نکته را می رسانـد که آن قدر فضای خانه شـعیب باز است که دختران بتوانند در خانه مشورت بدهند و راجع به مردان بیگانه قضاوت کنند. «یَا أَبَتِ» نیز که فضای عاطفی خانه را می رساند.

۳۶. «الْقَوِیُّ الْأَمِینُ»: دخترها مشورت می دهند که موسی «قوی» در آب دادن و «امین» در برخورد با این دخترها (به سمت سایه رفت، در راه آمدن جلو حرکت کرد) و دختران شـعیب به دقت رفتار این جوان را تحلیل کردند که آیا امین هست یا خیر؟ آیا به درد زنـدگی می خورد یـا خیر؟ و دچـار احساسات نشدنـد و نگفتنـد او زیباست، گفتنـد: «قوی امین»؛ یعنی تعبیراتی به کار بردند که دور از احساسات است.

۳۷. دختران روابط اقتصادی را پیشنهاد دادند که موسی کارگزار اقتصادی آن ها شود، ولی خودشان وارد نشدند.

۳۸. «الْقَوِیُّ الْأَمِینُ» به معنای تخصص و تعهد است، که از «قوی» می توان نکاتی مانند قدرت در جسم و قدرت در برنامه ریزی مدیر را اسـتفاده کرد و از «امین» تعهد مدیر اسـتفاده می شود. قوی امین یک کبرای کلی است و مصادیق مختلفی را در بر می گیرد.

ص:۱۸۷

۳۹. «یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»: آیات قبلی مجوز اشتغال زنان را مطرح کرده است و از این آیه استفاده می شود که اگر با آمدن مردان ضرورت برطرف شد، لازم نیست زن ها کار کنند.

۴۰. «قَالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنكِحَكَ»: خواستگاری از طرف خانوادهٔ دختر مانعی ندارد بلکه سیرهٔ برخی پیامبران همین بوده است.

۴۱. توجه پدر به خواست غیر مستقیم دختران در مورد ازدواج.

۴۲. حضرت شعیب به عنوان پدر حق انتخاب را برای دختران و اختیار در ازدواج را لحاظ کرد و این اختیار هم از طرف دختر بوده و هم از طرف پسر (إِحْدَی ابْنَتَیَّ) فحوای سخن این مطلب را می رساند و کلمه (أُرِیدُ) نه برای موسی الزام بود و نه برای دختران، هرچند شعیب خواست خود را ابراز داشت.

آری، تصمیم گیرنده اصلی در امر ازدواج طرفین هستند نه پدر.

۴۳. داماد می تواند قبل از ازدواج دختر را ببیند (هَاتَیْنِ). (اشاره یا ذهنی است یا حضوری)

۴۴. «إِنِّی»: جمله اسمیه و با تاکید آورده شده؛ یعنی اگر پسر مناسبی پیدا شد، پدر به دنبال شوهر دادن دخترش باشد و از فرصت استفاده کند.

۴۵. «عَلَی أَن تَأْجُرَنِی ثَمَانِیَ حِجَجٍ»: مسئله مهریه را مطرح می کند که امری معقول و آینده ساز دختر است.

۴۶. «فَإِنْ اتْمَمْتَ عَشْراً» درازدواج نباید سخت گیری کرد و این یک اصل است، القای خصوصیت می کنیم و در تمام ازدواج ها این قاعده را جاری می نماییم که به داماد سخت گرفته نشود.

۴۷. حضرت موسی به جای مهریه کار می کند؛ یعنی در ازدواج ملاحظه کنید که از داماد چه کاری بر می آید، همان را مهریه قرار دهید.

۴۸. مهریه دختر شعیب ۸ یا ۱۰ سال مزد چوپانی موسی بود که مقدار کمی نیست.

۴۹. چرا مهر دختر حضرت شعیب به خانواده تعلق گرفت نه خودش:

الف - اولاً. چوپانی حضرت موسی (علیه السلام) به نفع خود و خانواده اش بود.

ب - بدون شک رضایت دخترش را حضرت شعیب دریافت کرده بود.

ج - زندگی در قدیم دسته جمعی بود، پس سود این کار به تمامی خانواده بازگشت می کرد.

۵۰. مهریه مطلوب:

الف - مهریه را به صورتی انتخاب کنید که سود آن هم برای خود داماد باشد و هم به دیگران نفع برساند؛ یعنی برای تمامی اعضای خانواده مفید باشد.

ب - مهریه به گونه ای باشد که اشتغال بیافریند؛ یعنی یک سرمایهٔ راکد و بی استفاده نباشد.

ص:۱۸۹

۵۱. حضـرت شعیب به عنوان پدر زن به فکر آینده شغلی داماد می باشد؛ یعنی شرطی می گذارد و مهریه را به صورتی انتخاب می کند که آینده اقتصادی داماد را فراهم می کند (نه این که شرطی بگذارد که داماد از آینده ی مطلوب ناامید شود.)

۵۲. اگر خواستیم مهریه را کم یـا زیـاد کنیم، اختیار را به داماد بـدهیم و این کمال احترام به داماد را می رسانـد و این نکته نیز قابل توجه است که تعیین مهر را از پایین شروع می کند (۸ سال یا ۱۰ سال)؛ یعنی در مسئله مهریه جریان را به سخت گیری و خشونت نرسانید و اختیار را به داماد بدهید تا محبت زیاد شود و حضرت موسی هم متقابلاً در کمال احترام و ادب پاسخ داد.

۵۳. این داسـتان می رسانـد که دامـاد را به علت بیکـاری و فقر رد نکنیـد؛ اگر متخصـص و متعهـد است او را بپذیریـد و زمینهٔ اشتغال او را فراهم کنید.

۵۴. از مجموع آیات این نکته اسـتفاده می شود که لازم است دختر و پسـر از یکدیگر شناخت داشته باشند؛ البته اطلاعات را با نظارت پدر و مادر از یکدیگر کسب کنند.

۵۵. در روایات آمـده است که با وجود دختر بزرگ تر ابتـدا دختر کوچک شـعیب ازدواج می کنـد و این خود نوعی فرهنگ سازی است.

ص:۱۹۰

۵۶. «سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ» در ازدواج یاد خدا کرد؛ آری چه نیکوست که طرفین در ازدواج بر خدا توکل کنند و هنگام ازدواج نکات مثبت یکدیگر را مطرح می کنند.

ب – آیات مربوط به تعیین افراد محرم و نامحرم و نگاه به آن ها:

قرآن کریم در آیۀ ۳۰ سوره نور به ممنوعیت چشم چرانی و لزوم حجاب مردان و تأثیر آن در پاکی و رشد آنان اشاره می کند و می فرماید:

«قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یَغُضواْ مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَیحْفَظواْ فُرُوجَهُمْ ذَلِکَ أَزْکَی لهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ؛ (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک کننده تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می دهند آگاه است.»

شأن نزول:

داستان نزول آیۀ فوق این گونه حکایت شده که جوانی از مسلمانان انصار مدینه، با زنی روبه رو شد. (و زنان در آن زمان مقنعۀ خود را پشت گوش ها قرار می دادند و طبیعی است که صورت، گردن و مقداری از سینۀ آنان نمایان می شد.) آن جوان در حال راه رفتن به زن چشم دوخت تا اینکه صورتش به دیوار خورد و در اثر چیز تیزی که در دیوار بود، صورتش شکافت و خون بر لباس و سینه اش ریخت.

ص:۱۹۱

او ناراحت شد و به همان صورت خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) رسید و ماجرا را نقل کرد. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه فوق را نازل کرده و به مردان مؤمن دستور داد که از چشم چرانی دوری کنند (۱) (و در آیهٔ بعد به زنان دستور حجاب داد.)

نکات و اشارات:

۱. سورهٔ نور خط عفت و پاکی مؤمنان را دنبال می کند، و در راستای دور کردن جامعه از اعمال منافی عفت و سوق دادن مردم به سوی پاکی است؛ از این رو، در این آیات با چشم چرانی و ترک حجاب مبارزه می کند تا مقدمات پاکی جامعه فراهم گردد و زمینه آلودگی بر طرف شود.

۲. واژه «یَغُضُّوا» در اصل به معنای کم کردن و کوتاه کردن است؛ یعنی این آیه به مردان مؤمن دستور می دهد که نگاه خود را کوتاه کنند؛ اما دستور نمی دهد که چشمان خود را فرو بندند تا در راه رفتن دچار مشکل شوند. (۲)

۳. کم کردن و کوتاه نمودن نگاه در برابر نامحرمان آن است که قلمرو نگاه کم شود؛ یعنی اگر انسان در حالت عادی به منطقهٔ گسترده ای نگاه می کند، در هنگام روبه رو شدن با زنان نامحرم، قلمرو دید خود را کم کند تا

۱- (۱) . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۶.

گرفتار نگاه حرام نشود، به عبارت دیگر، از انـدام و اعضایی که دیدن آن ها حرام است، نگاه خویش را برگیرد و از نگاه خود فرو کاهد و خیره نظر نکند. (۱)

۴. در این آیه متعلَّق نگاه حـذف شده است؛ یعنی نمی گوید نگاه خود را از چه چیزی فرو گیرید. این مطلب دلیل بر عمومیت است؛ یعنی نگـاه خود را از مشاهـده هر چه حرام است، برگیریـد که شامـل فرو گرفتن نگـاه از زنان نامحرم و هر صـحنه حرام است؛ امـا بـا توجه به آیـات قبـل و بعـد، روشن می شود که مقصود نگـاه به زنان نامحرم می باشـد که زمینه ساز انحراف های جنسی است.

این دیده شوخ می کشد دل به کمند خواهی که به کس دل ندهی دیده ببند

(سعدی)

۵. واژه «فَرْج» در اصل به معنای شـکاف است، و در این جا کنایه از مواضع جنسـی است؛ یعنی مردان باید مواضع جنسـی بدن خود را از نگاه دیگران بپوشانند تا سبب تحریک افراد و زمینه آلودگی و انحراف جامعه نشود.

۱- (۱) . نویسندگان تفسیر نمونه اصرار دارند که «غض» به معنای کاستن قلمرو نگاه است. (همان، ج ۱۴، ص ۴۳۷). اما مانعی نـدارد که آیه هم به آن معنـا و هم به معنـای خیره نگـاه نکردن و کوتـاهی خـود نگـاه باشـد؛ زیرا مـورد اول در مـورد قبـل از برخورد با زنان پیش می آید و مورد دوم پس از برخورد و نگاه مرد به آنان پیش می آید.

آموزه ها و پیام ها:

۱. چشم چرانی ممنوع می باشد.

۲. آموزه آیه آن است که مردان نیز حجاب خویش را رعایت کنند و مواضع جنسی خود را بپوشانند.

۳. پیام آیه برای مردان آن است که فروکاستن نگاه، از حرام عامل پاکی و رشد است.

۴. آموزه آیه برای مردان آن است که با پوشاندن مواضع جنسی خود، به پاکی و رشد جامعه کمک کنید.

۵. پیام هشدار آمیز آیه آن است که با زیرکی سعی نکنید از این دستورها فرار کنید؛ زیرا خدا از حال شما آگاه است.

* * *

قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره نور به ممنوعیت چشم چرانی زنـان و حـدود حجاب آنان و موارد دوازده گانه استثنای آن اشاره کرده و می فرماید:

۳۱. «وَقُل لِّلْمُؤْمِنَـٰتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَـٰرِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ءَابَآئِهِنَّ أَوْ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَآئِهِنَّ أَوْ أَبْنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَٰنِهِنَّ أَوْ بَنِی إِخْوَٰنِهِنَّ أَوْ بَنِی أَخَوَٰتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَیْمَـٰنُهُنَّ أَوِ التَّـٰبِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُواْ عَلَىٰ عَوْرَٰتِ النِّسَآءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وَتُوبُوٓاْ إِلَى اللَّهِ جَمِیعاً أَیُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

و به زنـان مـؤمن بگو: «چشـمانشان را (از نگـاه حرام) فروکاهنـد؛ و دامـان (عفت)شـان را حفـظ کننـد؛ و زیورشـان را آشـکار ننماینـد، جز آنچه را که از آنها ظاهر است؛ و بایـد روسـری هایشان را بر گریبان هایشان (فرو) اندازنـد، و زیورشان را آشـکار ننماینـد جز برای شوهرانشـان، یا پـدرانشان، یا پـدران شوهرانشان، یا پسـرانشان، یا پسـران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسـران برادرانشـان، یـا پسـران خواهرانشـان، یـا زنـان (هم کیش)شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شـده انـد، یا مردان (خـدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده اند؛ و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می دارند، معلوم گردد؛ و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.»

نکات و اشارات:

۱. در آیه موارد دوازده گـانه ی اسـتثنا را بر می شـمارد و می فرمایـد: «زنان زینت خود را آشـکار نسازنـد، مگر (برای دوازده گروه)».

۱. برای شوهرانشان؛

۲. یا برای پدرانشان؛

۳. یا برای پدران شوهرانشان؛

۴. یا برای پسرانشان؛

۵. یا برای پسران همسرانشان؛

۶. یا برای برادرانشان؛

ص:۱۹۵

۷. یا برای پسران برادرانشان؛

۸. یا برای پسران خواهرانشان؛

۹. یا زنان (هم کیش) آنان؛

۱۰. یا برای بردگان (کنیزانشان)؛

۱۱. یا برای مردان دنباله روی که تمایلی (به زنان) ندارند؛

۱۲. یا برای کودکانی که توانائی و اطلاعی از امور جنسی زنان ندارند.

در این آیه دو دستور اساسی به زنان می دهد که عبارت اند از:

پرهیز از چشم چرانی و لزوم پوشاندن مواضع جنسی از نگاه دیگران.

این دو قانون عمومی بوده و شامل مردان و زنان مؤمن می شود؛ البته در آیه قبل این دو دستور را برای مردان و در این آیه برای زنان واجب کرد. بیان جداگانه حکم مردان و زنان در این دو آیه برای تأکید و اهمیت آن است تا روشن شود که این قوانین مخصوص قشری خاص نیست.

۳. در این آیه فرمان حجاب خاص زنان را صادر کرده است که شامل دو دستور اساسی است: نخست این که زنان باید زیورهای مخفی خود را برای نامحرمان آشکار نسازند؛ ودوم این که پوشش های خود را بر گریبان خویش بیفکنند.

۴. مفسران قرآن در مورد زیورهای مخفی زنان اختلاف نظر دارند: برخی این زیورها را به معنای زینت طبیعی زنان، یعنی اندام های آنان دانسته اند، و برخی دیگر به معنای محل زیور آلات زنان همچون گوش و دست دانسته اند،

و برخی دیگر از مفسران زینت را به معنای زیور آلات زنان دانسته اند؛ البته در حالی که بر بدن قرار گرفته اند و به طور طبیعی آشکار کردن چنین زینتی همراه با آشکار ساختن اندامی است که زیور بر آن قرار گرفته است.

گفتنی است ظاهر آیه با تفسیر سوم سازگارتر است. (۱)

۵. در برخی احادیث اهل بیت(علیه السلام) آمده است که مقصود از زینت پنهان زنان در این آیه، همان گردنبند، بازوبند و پای بند است؛ (۲)

البته این گونه احادیث مصادیق این زیورها را بیان می کند، ولی آیه شامل هرگونه زیور مخفی زنان همچون لباس های زینتی می شود (که زیر چادر یا زیر لباس عادی قرار می گیرد.)

۶. در احادیث اهل بیت(علیه السلام) آمده است که مقصود از زیورهای آشکار زنان که پوشاندن آن ها لازم نیست، همان دستبند، انگشتر و سرمه و مانند آن است (۳) و در احادیث دیگر می خوانیم که مقصود صورت و دو دست زن است (که لازم نیست پوشانده شود.)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۹

۲- (۲) . ر.ك: تفسیر قمی و تفسیر نمونه ذیل آیه

۳- (۳) . صافی، ج ۳، ص ۴۳۰ که از کافی حکایت می کند.

البته فقهای شیعه در مورد استثنای این امور اختلاف نظر دارند، و هر زن مکلّف در این موارد به فتوای مرجع تقلید خویش مراجعه کند. (۱)

۷. واژه «خُمُر» به معنای پوشش است و معمولاً ـ به چیزی گفته می شود که زنان سرخود را با آن می پوشانند (مثل مقنعه یا روسری).

و واژه «جُیُوب» به معنای یقه پیراهن است که به آن گریبان گویند و گاهی به معنای قسمت بالای سینه نیز که مجاور آن است، گفته می شود؛ (۲) یعنی این آیه دستور می دهد که زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا گردن و قسمتی از سینه که معمولاً باز می ماند، پوشیده شود.

۸. فلسفه حجاب در اسلام آن است که:

الف – حجاب وقار و شخصیت زن را افزایش می دهد و اسلام می خواهد زنان این گونه باشند.

ب – محیط جامعه، محیطی پاک باشد و زمینه های فساد و انحراف برچیده شود.

۱- (۱) . برخی پوشاندن صورت و دست ها را واجب یا مطابق احتیاط می دانند، و برخی دیگر غیر واجب یا مستحب می دانند؛ البته جواز باز بودن صورت و دست ها در موردی است که منشأ فساد و انحراف نشود و این نوعی تسهیل بر زنان در امور زندگی است. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۹ و ۵۰۰)
۲- (۲) . همان، ج ۱۴، ص ۴۴۰.

ج – محیط جامعه برای مردان جوان تحریک آمیز نباشد و آنان را به فشارهای روانی و بیماری های عصبی گرفتار نسازد.

د – یکی از پیامدهای بی حجابی و بدحجابی، افزایش فحشا و اعمال منافی عفت و پیدایش فرزندان نامشروع است، همان گونه که در عصر ما در جوامع غیر مذهبی مشاهده می شود و حجاب یکی از موانع این فسادهاست.

یاد آوری این نکته لازم است که حجاب به معنای محرومیت زنان در انجام وظایف فردی و اجتماعی نیست و زنان مسلمان می توانند با حفظ حجاب خود تا مراتب عالی علمی، فرهنگی و اجرایی پیشرفت کنند.

۹. در این آیه دوازده مورد به عنوان استثنا ذکر شده اند که زنان حق دارند در برابر آنان حجاب خود را رعایت نکنند. این دوازده مورد عبارت اند از:

شوهر، پدر، پدر شوهر، پسر، پسر شوهر، برادر، پسر برادر، پسر خواهر، زنان (هم کیش)، بردگان (کنیز)، مردان کم خرد که دنباله رو افراد هستند و طالب مسائل شهوانی نیستند و کودکان ناتوان که از امور جنسی زنان آگاهی ندارند.

۱۰. مقصود از «نِسائهُنّ» زنان غیر مسلمان هستند؛ یعنی زنان مسلمان در برابر زنان مسلمان دیگر حق دارند که حجاب خود را برگیرند؛ اما در برابر زنان غیر مسلمان نباید بی حجاب شوند؛ زیرا آنان با وصف زنان مسلمان

برای دیگران موجب فساد می شوند. به این مطلب در برخی احادیث اهل بیت(علیه السلام) نیز اشاره شده است. (۱)

۱۱. مقصود از بردگانی که زنان مسلمان حق دارند، حجاب خود را در برابر آنان برگیرند، کنیزان اند (۲) که در اعصار پیشین در جوامع وجود داشته اند و اسلام با برنامه ای جالب، ریشه برده داری را از جامعه اسلام برکند.

۱۲. مقصود از مردان دنباله رو خانواده که میل شهوانی ندارند، و زنان می توانند در برابر آنان حجاب خود را برگیرند، همان مردان کم خرد و سفیه هستند که احساس جنسی ندارند. و معمولاً خدمتکار دیگران هستند. (۳)

و یا منظور پیر مردان و افراد خنثی و خواجه هستند. که میل شهوانی ندارد. (۴)

۱۳. در این آیه از عمو و دائی به عنوان محرم زنان یاد نشده است، شاید این بخاطر آن است که از پسر برادر و پسر خواهر یاد شد و با توجه به محرمیت دو جانبه آنان روشن می شود که عمو و دائی نیز محرم هستند.

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۹۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- (۲) . در احادیث اهل بیت(علیه السلام) نیز به ممنوعیت نگاه غلامان اشاره شده است و برخی با توجه به روایات مخالف آن را خلاف احتیاط می دانند. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ۴۵۲ و وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۱۲۴، ح ۸)

۳- (۳) . این مطلب از احادیث استفاده می شود (ر.ک: وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۹۴؛ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۲)

۴- (۴) . این مطلب را برخی مفسران حکایت کرده اند. (تفسیر نمونه، همان).

۱۴. در این آیه بیان شده بود که زنان با زدن پا به زمین باعث نشوند زینت های آنان آشکار شود و صدای پابند (و خلخال ها) به گوش مردان برسد و شهوت آنان تحریک شود. این مطلب نهایت دقت و ظریف نگری اسلام را نشان می دهد.

این مطلب هرچند یک مصداق تحریک شهوانی است، با الغای خصوصیت می توان گفت که زنان لازم است از هر گونه کار تحریک آمیز در برابر مردان نامحرم خودداری کنند.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای زنان مؤمن آن است که با دوری از چشم چرانی و حفظ حجاب، محیط جامعه را پاک نگاه دارید.

۲. پیام آیه آن است که زنان با آشکار کردن زیورهای مخفی، عامل تحریک (و فساد) جامعه نشوند.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که زنان در برابر دوازده گروه اجتماعی آزادند که حجاب خویش را فروگذارند.

۴. پیام دیگر آیه آن است که راه توبه، بازگشت و رستگاری برای خطاکاران باز است.

ص:۲۰۱

ج: آیات مربوط به حجاب (تأمین سلامت اجتماعی و بهداشت روانی زنان)

در این مورد چند آیه وجود دارد؛ از جمله آیه ۳۱ نور که توضیح آن گذشت و آیه ۳۲ و ۵۹ سوره احزاب که در مورد زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) است؛ اما درس های آموزنده آن کلی است. قرآن کریم در آیه۳۲ سوره احزاب به جایگاه همسران پیامبر و شیوه شایسته گفتگوی زنان با مردان اشاره می کند و می فرماید:

۳۲. «یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً؛ و افراد بی همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.»

نکات و اشارات:

۱. در این آیه جایگاه و مسئولیت بزرگ زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) بیان شده است. آنان از طرفی منسوب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) هستند و از سوی دیگر الگوی زنان مسلمان می باشند.

آن ها می توانند دستورهای خدا و پیامبر را در زندگی خود اجرا کنند و با تقوا باشند و سرمشق دیگران قرار گیرند. و این مقام ممتازی است که زنان عادی از آن بی بهره اند.

۲. در این آیه به زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) آموزش می دهد که چگونه با مردان بیگانه سخن گویند. بانوان باید با مردان بیگانه جدّی، خشک و

معمولی سخن گویند، و از شوخی و تعبیرهای هوس انگیز پرهیز کنند تا افراد بیماردل و شهوت ران در مورد آنان طمع نورزند.

۳. در این آیه از افراد هوس ران با عنوان «کسانی که در دلشان بیماری است» یاد شده است، این جمله اشاره به آن است که اگر شهوت انسان به صورت متعادل باشد، آن انسان سالم است؛ اما اگر کسی شهوت ران و هوس ران باشد، از حالت تعادل و سلامت خارج شده و به نوعی بیماری درونی و روانی گرفتار می شود که در برخی مراحل به سرحدّ جنون جنسی نیز می رسد. (۱)

۴. مقصود از گفتار شایسته آن است که گفتار بیهوده و باطل و گناه آلود و مخالف حق نگویند و شایسته، نیکو، پسندیده و طبق عرف صحیح با مردان سخن بگویند.

۵. مخاطبان این آیه زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) هستند، ولی مقصود همه زنان مسلمان بوده و این آیه نوعی آموزش همگانی برای گفتگوی زن و مرد بیگانه است.

۶. از این آیه استفاده می شود که سخن گفتن زن و مرد بیگانه، اگر بدون هوس رانی و به طور شایسته باشد، جایز است.

ص:۲۰۳

۱- (۱) . ر.ک: تفسیرنمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزهٔ این آیه برای زنـان مسـلمان آن است که شـما می توانیـد با مردان بیگانه به طور شایسـته و طبق عرف صـحیح گفتگو کنید.

۲. پیام آیه آن است که هرگاه زنی هوس انگیز سخن گوید، خود را در معرض طمع بیمار دلان قرار می دهد.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که زنان وابسـته به شخصـیت ها و کسانی که جایگاه اجتماعی دارند، مراقب شیوه ی سخن گفتن خود باشند.

* * *

قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب با دستور حجاب جلوی سوء استفاده و آزار زنان را می گیرد و می فرماید:

۵۹. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً؛ ای پیـامبر! به همسـرانت و دخترانت و زنـان مومنـان بگو: «از پوشـش هـای بلنـد (چـادر ماننـد) شان به خودشان نزدیک کننـد، این [کار] برای اینکه شـناخته شونـد و مورد آزار قرار نگیرنـد نزدیک تر است؛ و خـدا بسـیار آمرزنـده مهرورز است.»

شأن نزول:

داسـتان نزول این آیه این گونه حکایت شده است که در عصـر پیامبر(صـلی الله علیه و آله) زنانی که برای نماز عشا به مسـجد می رفتند، توسط جوانان هرزه مورد آزار و مزاحمت قرار می گرفتند.

آیهٔ فوق بدین مناسبت فرود آمد و به زنان دستور داد که حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا مورد آزار قرار نگیرند.

و در پایان آیه یادآور می شود که: «خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است (و خطاهای گذشته شما را می بخشد)».

نکات و اشارات:

۱. در این آیه به مزاحمت های خیابانی علیه زنان مومن اشاره کرده و یکی از راه حل های آن را حفظ حجاب آنان معرفی کرده است.

۲. مفسران حکایت کرده اند که در آن زمان، کنیزان بدون پوشش مناسب سروگردن از خانه ها بیرون می آمدند و برخی از آنان از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند؛ از این رو، برخی جوانان مزاحم آنان می شدند؛ اما زنان آزاد مسلمان که شناخته می شدند، از تعرّض در امان بودند؛ از این رو در این آیه دستور داده شد که زنان حجاب کامل خود را رعایت کنند تا از کنیزان و آلودگان باز شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

۳. مفهوم آیهٔ فوق آن نیست که جوانان حق مزاحمت برای زنان غیر مومن و کنیزان را دارند، بلکه مقصود آیه آن است که بهانه از دست افراد فاسد گرفته شود.

در اجتماع امروز نیز هنگامی که زنان حجاب و شخصیت اجتماعی خویش را حفظ کنند، جوانان هرزه به آنان طمع نمی ورزند؛ زیرا زمینه انحراف را در آنان نمی بینند.

۴. واژه «جلباب» یا به معنای پارچه بزرگ (چادر مانند) است که سر، گردن و سینه ها را می پوشاند و یا به معنای روسری و مقنعه و یا به معنای پیراهن گشاد است. قدر مشترک همه این معانی آن است که بدن زن به وسیله این پارچه ها پوشیده شود و معنای اول مورد تاکید برخی لغت شناسان است. (۱)

۵. مقصود از نزدیک ساختن روسری و چادر آن است که زنان آن را به بدن خویش نزدیک کنند تا به درستی محفوظ بمانند و آن را رها نسازند تا گاهی کنار رود و بدن آن ها آشکار شود.

۶. در این آیه به پیامبر(صلی الله علیه و آله) دستور می دهد که اصلاح جامعه را نخست از خانه خویش شروع کند و اول به همسرانش دستور حفظ حجاب بدهد و آن گاه به دخترانش و در نهایت (۲) به زنان مؤمن دستور دهد حجاب خود را حفظ کنند.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیه برای زنان مومن آن است که حجاب (شخصیت) شما را معرفی می کند.

۱- (۱) . نک: لسان العرب، مجمع البحرین، مفردات، تاج العروس، و تفسیر نمونه ذیل آیه

۲- (۲) . همسران را قبل از دختران آورد؛ زیرا همسران در خانه می ماننـد و به مرد نزدیک ترند، ولی دختران همسر دیگران می شوند و می روند. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۲).

۲. حجاب، شما را از شرّ مزاحمان حفظ می کند.

۳. با حفظ کامل حجاب، بهانه از دست مزاحمان گرفته می شود.

۴. اصلاح جامعه را از خانواده خویش شروع کنید.

۵. خانواده رهبر، در انجام دستورهای الهی پیشگام باشند.

۶. خطاهای گذشته شما را به لطف خویش می آمرزد. (۱)

د: آیات مربوط به ازدواج و خواستگاری

این آیات در مباحث آینده به صورت گسترده مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- (۱) . در تفسیر این آیات نیز از تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان) دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی و همکاران قبل از چاپ استفاده شد.

پرسش:

آیا رابطه با جنس مخالف از اقوام نزدیک جایز است ؟

پاسخ:

الف – در این جا لازم است نخست اطرافیان خود را به دو دسته محارم و غیرمحارم تقسیم کنیم؛ سپس مسئله را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. محارم که خود بر سه دسته است:

۱-۱. محارم نسبی: هفت دسته از بانوان و دوشیزگان بر هفت دسته از مردان و پسران محرم اند؛

یعنی ازدواج آن ها با یکدیگر حرام است.

ص:۲۰۹

محارم نسبی بر دو گونه اند:

۱. شرعی که از راه حلال و ازدواج شرعی متولد شده باشند.

۲. غیرشرعی که از راه نامشروع و یا زنا متولد شده باشند.

هر دو دسته محرم اند و ازدواج با آنان حرام است.

ما در بخش توضیح پاسخ از همه این افراد با عنوان محارم یاد می کنیم.

۱-۲. محارم رضاعی

کسانی که از راه شیرخوارگی با آن ها بستگی پیدا می شود، با شرایطی خاص، (۱) محارم رضاعی محسوب می شوند و ازدواج با آن ها حرام است.

هرگاه کودکی با شرایطی خاص شیر زنی را بنوشد، آن زن و شوهرش، مادر و پدر رضاعی آن کودک به شمار می روند.

۱-۳. محارم سببی

پیوند و علاقهٔ زناشویی موجب محرم شدن هر یک از زن و شوهر نسبت به خویشاوندانی است که در این جدول می آید.

۱- (۱) . تحریر الوسیله، امام خمینی، کتاب الرضاع.

(۱)* ازدواج بـا ایـن افراد حرام است. افزون بر آن، ازدواج مرد بـا خـواهر زن تـا وقـتی که همسـر او است و همچنین ازدواج با شوهر خواهر تا وقتی که همسر خواهر او است، حرام می باشد.

ب - ارتبـاط یـا رابطه به مجموع رفتارهـای متقابـل و کنش ها و واکنش های دو جانبه (۲) اطلاـق می شود. این رفتارها شامل رفتارهای اقتصادی، علمی، زناشویی و سیاسـی می شود. ارتباط با جنس مخالف از یکی از حالات پیش گفته خارج نیست. دو جنس مخالف یا رفتار اقتصادی دارند یا علمی، یا زناشویی و یا سیاسی. صرف نظر از رفتار زناشویی که در قالب خاص خود و بر اسـاس پیونـد ازدواج بین زن و شوهر محقق می شود، سـایر رفتارهـا مورد توجه است؛ زیرا این نوشـتار درصـدد بیـان رفتـار زناشویی نیست.

ص:۲۱۱

۱- (۱) . در صورتی که مرد با همسر خود آمیزش کرده باشد و بنابراین، تنها اجرای عقد برای محرمیت کافی نیست

۲- (۲) . فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، ج ۴، ص ۳۵۴۰.

ارتباطهـای اقتصـادی، علمی، سیاسـی و هر نـوع ارتبـاط قابـل تصـوّر دیگر بـه جز ارتبـاط زنـاشویی در یکی از اشـکال ارتبـاط گفتاری، شـنیداری و فیزیکی محقق می شود. برای مثال، در بحث اقتصادی، زن و مرد برای انجام یک معامله ابتـدا همدیگر را ملاقات کرده، گفت و شنود می کنند و پس از عقد قرارداد، بر اساس عرف با یکدیگر دست می دهند و معامله را به انجام می رسانند.

تمـامی این موارد اگر بر اساس آنچه در ادامه می آیـد، صورت پـذیرد، مانعی نـدارد و در این مسـئله فرقی بین اقوام و دیگران نیست.

ص:۲۱۲

پرسش:

ارتباط دختر و پسر برای استفاده علمی چگونه است ؟

اشاره

پاسخ:

یکی از انواع ارتباط و معاشرت زنان و مردان، ارتباط علمی است، به گونه ای که مرد و زن (دختر و پسر) برای مباحث علمی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند که در صورت توجه به مسائل زیر هرگونه ارتباط بین دختر و پسر از جمله ارتباطات علمی که در چهارچوب ضوابط و به دور از شهوترانی باشد، اشکال ندارد. در رابطه علمی صورت های زیر قابل تصور است:

۱. ارتباط کلامی؛

۲. ارتباط نگاهی؛

۳. ارتباط فیزیکی.

ص:۲۱۵

اول: ارتباط کلامی

قرآن مجید به زنان مؤمن دستور می دهد: در کلام فروتنانه سخن مگویید «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً؛ (۱)پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است، طمع ورزد، و سخنی پسندیده بگویید.»

آیه درصدد بیان دو مطلب است:

الف - فضیلت زنان پیامبر بر دیگر زنان، اگر تقوا داشته باشند.

ب - کیفیت و اسباب تقوا که برخی از آن ها عبارت است؛ از جمله این که: ۱. زن نباید هنگام صحبت کردن فروتنانه صحبت کند. ۲. زینت آرایی و خودنمایی نکردن در جامعه اسلامی.

در نتیجه صحبت کردن زن و مرد اگر با قصد لذت و شهوت رانی باشد، هم شنیدن صدای زن برای مرد و هم رسانیدن صدا به گوش مرد برای زن حرام است، و در غیر این صورت، شنیدن صدای جنس مخالف یا رسانیدن صدا به گوش او جایز است.

تذکرات:

۱. مردها می توانند با نامحرم صحبت کنند با شرایط زیر:

۱- (۱) . احزاب، ۳۲.

الف – به قصد لذت و ریبه نباشد.

ب – با صحبت کردن به گناه آلوده نشوند. (1)

۲. برای زنان حرام است صدای خود را به گوش نامحرم برسانند. (2)

صحبت کردن با نامحرم در امور غیرضروری مکروه است، به ویژه اگر مخاطب جوان باشد. (3)

۳. اگر مردی بداند در صورتی که با نامحرم صحبت کند، به گناه خواهد افتاد، نباید با او صحبت کند، خواه زن به گونه ای سخن گوید که مرد را به گناه بیندازد یا درباره مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. (4)

۴. اگر مردی به قصد به حرام انداختن نامحرمی با او صحبت کند، حرام است. (5)

۵. خانم ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم صدای خود را رقیق و نازک کنند، به گونه ای که اگر در دل مخاطب مرضی باشد، او را به خود جلب کند، هرچند در باره مطالب عادی (و علمی) صحبت کنند.

۱- (۱) . العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۴

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . تحریر الوسیله، مسئله ۲۹

۴- (۴) . همان

۵- (۵) . همان.

دوم: ارتباط نگاهی

تمام سخنانی که در ارتباط با سخن گفتن بیان کردیم در مورد نگاه کردن نیز مطرح است در این جا به چند مساله اشاره می شود.

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذت باشد، حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد، مانعی ندارد.

نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است و نگاه کردن به صورت، بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و بواسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند. (۱)

سوم. ارتباط فیزیکی

سماعهٔ بن مهران می گوید:از دست دادن مرد با زن پرسیدم، امام صادق(علیه السلام) فرمود:

حلال نیست مرد با زن مصافحه کند مگر زنی که ازدواج کردن با او حرام است که عبارتند از: خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر و مادر زن مصافحه تنها از روی لباس باید باشد و نباید دست زن را فشار دهد. (۲)

۱- (۱) . توضیح المسایل مراجع، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۲، مسئله ۲۴۳۳، ص ۴۱۵

۲- (۲) . وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۵، ح ۲.

ظاهراً این حکم به دست دادن اختصاص ندارد، بلکه هر تماسی را شامل می شود؛ زیرا ویژگی خاصی در مصافحه وجود ندارد و علت این که در روایات از آن یاد شده، این است که مورد ابتلا است. همچنین روایت وارد شده درباره بیعت زنان با پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به وسیله فرو کردن دست درون ظرف آب، بیانگر جایز نبودن مصافحه است.

افزون بر این، وقتی نگاه حرام باشد، به یقین لمس کردن حرام است و این مقتضی اولویت قطعی است که از عرف فهمیده می شود.

گفتنی است بین جواز نگاه و جواز لمس، ملازمه ای وجود ندارد؛ یعنی اگر بگوییم نگاه کردن به صورت و دست های بیگانه جایز است، لمس آن جایز نیست، مگر از روی لباس، و به طور کلی در تماس فیزیکی، قصد لذت ملاک نیست، بلکه صرف این عمل اگر از روی عمد انجام پذیرد، از نظر شرع جایز نیست. (۱)

نتیجه:

هرگونه ارتباط و معاشرت علمی با رعایت موارد یاد شده جایز است؛ اما گاهی دیده می شود در دل برخی مردان و زنان شیطان چنان رسوخ می کند که به مراوده و معاشرت با نامحرم گرایش دارند و در حالی که می توانند

۱- (۱) . ر.ک: معاشرت زنان و مردان، حسن صادقی.

مطلبی را از همجنس خود و یا محرم بپرسند، اصرار دارند از غیر همجنس نامحرم سئوال کنند که از این جهت نیز باید اجتناب و دوری کرد؛ زیرا این گونه مراوده ها معمولاً با قصد لذت همراه است و شرعاً حرام می باشد و در برخی زمینه ها به عنوان مقدمه ترک حرام واجب می شود که هرچند این معاشرت خالی از اشکال باشد،این معاشرت (سخن گفتن، نگاه کردن) را انجام ندهد.

علاوه بر این که واقع شدن در جایگاه گناه نیز حرام است.

مساله دیگر خلوت است که صرف خلوت (خالی از نگاه، صحبت و یا تماس) موضوعیت دارد و بر منع آن و پیشگیری از آن اصرار شده است.

بودن زن و مرد نامحرم در جای خلوت جایز نیست یا خلاف احتیاط است (۱) در ذیل این مساله علماء و مراجع بزرگ تقلید توضیحاتی داده اند.

ص:۲۲۰

۱- (۱) . رساله مراجع مسئله، ۸۸۹.

پرسش:

آیا داشتن دوست دختر (برای امر به معروف و نهی از منکر) مشکل دارد؟

پاسخ:

در دین اسلام بر دوستی افراد با یکدیگر تاکید شده است و دوستی را وسیله ای برای تهذیب نفس و اصلاح اخلاق، و تفریحی سالم و کمک به یکدیگر قرارداده است؛ اما در مواردی که دوستی و رابطه موجب مفاسد اجتماعی و فردی، و وسیله ای برای شهوت رانی و نابود کردن فضایل انسانی باشد، ممنوع شده است، حتی اگر این دوستی با «جنس موافق» باشد و بلکه اگر زمینه ساز انجام کار واجب مثل امر به معروف و نهی از منکر نیز باشد و بدین جهت در رساله های توضیح المسائل در قسمت امر به معروف و نهی از منکر آمده است: انجام گناه برای جلوگیری از گناه جایز نیست.

داشتن دوست دختر پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

۱. کمرنگ شدن اعمال و افعال معنوی و عبادی که وسیله رسیدن انسان به کمال است.

۲. آبروی اجتماعی و خانوادگی تهدید می شود.

۳. ترویج فرهنگ غرب که درصدد نابود کردن اسلام است.

ص:۲۲۱

۴. دلسرد شدن نسبت به تشکیل خانواده.

۵. تحریک غریزه جنسی و به دنبال آن بیماری های عصبی و از بین رفتن قوای جسمی.

۶. افت تحصیلی و... .

اما امر به معروف و نهی از منکر را می توان با تذکری لفظی انجام داد و یا یکی از محرم ها را فرستاد تا انجام وظیفه کند.

در اینجا سوالی که از یکی از مراجع تقلید حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شده است را بیان می کنیم:

سوال: آیا دوستی دختر و پسر شرعاً حرام است مطلقاً، یا اگر منجر به حرام شود، حرام است، و اگر مقدمه انجام امر به معروف و نهی از منکر باشد حرام است؟

جواب: باسمه تعالی، چنانچه مستلزم نگاه به نامحرم و حرف زدن با او باشد، اشکال دارد و جایز نیست. (۱)

ص:۲۲۲

۱- (۱) . اینگونه استفتائات که بدون ذکر آدرس آورده می شود توسط پژوهشگران مرکز انجام شده و مکتوب آن موجود است.

پرسش:

امتیاز و آسیب های چت و ارتباطات اینترنتی چیست ؟

پاسخ:

الف – امتیاز

۱. ارتباط سریع و آسان؛

۲. استفاده های علمی از اشخاص (و مراکز و...)؛

۳. دسترسی به حجم وسیع اطلاعات طرف مقابل؛

و... .

تذکر: از آنجا که مکتب اسلام با علم و پیشرفت فنی موافق است، ارتباط صحیح اینترنتی را نیز براساس آموزه های عمومی علمی و اخلاقی و با رعایت موازین قانونی و شرعی پذیرفته و تشویق می کند.

ب– آسیب ها

۱. محیط چت یک محیط مجازی است و امکان دارد همه چیز تخیلی و غیر واقع بینانه باشد.

ص:۲۲۳

۲. این محیط غیر قابل اطمینان است، حتی به صدا و تصویر طرف نمی توان اطمینان کرد.

۳. با این که مجازی است، قابلیت اثر گذاری شدید روحی و ذهنی را دارد، به طوری که ممکن است دو نفر با چت کردن، عاشق یکدیگر شوند، قهر کنند و ... .

۴. ایجاد محبت ها در این فضاها بدون شناخت دقیق خواهد بود. در محیطی که شناخت دقیقی از قدرت جسمی، روحی و ذهنی طرف مقابل در دست نیست و حتی برخی رفتارهای عادی مثل شیوه راه رفتن، نشستن عکس العمل ها در شرایط مختلف و... غیر قابل بررسی و شناخت است.

۵. محیط چت با جاذبه های نوشتاری، صوتی و تصویری به تخیّل شما لذت می بخشد، به طوری که جوانانی که در ارتباطات خیابانی دوستان زیادی دارند، باز به این عرصه می پردازند.

۶. لذّت های تخیلی باعث ایجاد شکاف بین تصور، آرزو، توقع، تمایل با واقعیت بیرونی (که تغییر ناپذیر است)، می شود، این مسئله بر اساس تجربه های مکرر باعث مشکلات روحی و روانی در برخی افراد می شود که برخی از آن ها عبارت اند از:

- افسردگی شدید؛

- ضعف اعصاب؛

- انزوا و دوری از اجتماع؛

- عدم موفقیت در محیط خانواده و اطراف خود؛

- خیال پردازی؛

- از دست دادن اعتماد به نفس؛

- از دست دادن عزت نفس؛

- خنده های بدون علت؛

- دلگرفتگی و گریه های بدون علت؛

- پوچ گرایی و احساس بیهوده بودن همه چیز و همه کس؛

- و ... .

عواقب این مشکلات روحی، به ویژه پوچگرایی که به حالتهای جنون آمیز و خودآزاری و حتی خودکشی می انجامد؛ همگی از لذت های خیالی ناشی می شود.

۷. بسیاری از شناخت هایی که از طرف مقابل به دست می آید، تنها با تخیل آدمی سازگار است نه با واقعیت. آری، وجود محبت صرف، عامل بی دقتی در شناخت می شود و انسان را از واقعیت دور می کند؛ زیرا محبت نقایص و عیوب طرف مقابل را می پوشاند و حتی نقایص را به محسنات و ویژگیهای مثبت تبدیل می کند.

۸. بیشتر انسان هایی که برای مسائل غیرعلمی چت می کنند، به مشکلات ذیل گرفتار می شوند:

- بهرهٔ هوشی پایین؛

- خوش گذرانی و وقت گذرانی؛

- اعتیاد به لذت های موقت و تخیلی؛

- مشکلات روحی و روانی؛

- چند شخصیتی؛

- رفتارهای غیر منطقی؛

- از کار و تلاش جدی دورشدن؛

- از فکر و تدبیر دورشدن؛

- شخصیت اجتماعی غیرمناسب؛

- و ... .

البته انسان های مثبت نیز یافت می شوند؛ اما در محیط آزاد و مجازی چت مطالب علمی، بسیار کم است.

۹. در روابط خیابانی که دو نفر یکدیگر را می بینند، ساعتها با هم گفتگو دارند، پارک می روند، کوهپیمایی می کنند، در مورد علایق و سلایق یکدیگر سخن می گویند، ممکن است خانه و محل زندگی و پدر و مادر همدیگر را بشناسند و ... با این حال احتمال شکست و جداییشان بیش از ۹۰٪ می باشد، علت آن این است که پس از مدتی که ارتباطات عادی شد و دیگر خبری از آن حرارتها و هیجانات دوستی و شور عشق نبود، نقایص اصلی دختر و پسر برای یکدیگر آشکار می شود و حس اطمینان در طرف مقابل

کاهش می یابد و شک و تردید جایگزین آن می گردد؛ به عبارت دیگر، همان مسائلی که روزی باعث ارتباط دختر و پسر و ایجاد محبت و عشق شد، روز دیگر باعث جدایی می شود، و این آسیب در ارتباط اینترنتی دختر و پسر چندین برابر است.

پرسش:

در چه مواردی حضور زنان در ورزشگاه ها و چت کردن اینترنتی و همکار شدن یک زن و یک مرد جایز است ؟

پاسخ:

مقدمه:

زن در اسلام یک رکن اساسی اجتماع به شمار می رود و هرگز نباید با او معاملهٔ یک موجود فاقد اراده و وابسته و نیازمند به قیّم نمود. نکتهٔ اساسی این است که در معنای تساوی، نباید اشتباه کرد و تنها مطلبی که باید به آن توجه داشت (و در اسلام به آن توجّه خاص شده) ولی بعضی روی یک سلسله احساسات افراطی و حساب نشده آن را انکار می کنند، مسئله تفاوت های روحی و جسمی زن و مرد و تفاوت وظایف آنهاست. با وجود این اختلافات دامنه دار آیا می توان گفت زن و مرد باید در تمام شئون همراه یکدیگر گام برداشته و در تمام کارها صد در صد مساوی باشند؟!

ص:۲۲۹

مگر نه این است که بایـد طرفـدار عـدالت در اجتماع بود؟ آیا عـدالت غیر از این است که هر کس به وظیفه خود پرداخته و از مواهب و مزایای وجودی خویش بهره مند گردد؟!

بنابراین، آیا دخالت دادن زن در کارهایی که خارج از تناسب روحی و جسمی او است، بر خلاف عدالت نمی باشد؟ (۱)

اسلام موافق حضور زن در اجتماع و محل کار و محل ورزش به صورت قانونمند و با رعایت حرمت و مصالح خانم هاست.

۱- (۱) . یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، تدوین: جمعی از فضلای حوزه علمیه قم، ص ۴۶۱ - ۴۶۳.

چت کردن اینترنتی

پرسش:

چت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت های معمولی چه حکمی دارد؟

پاسخ:

در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست. (۱)

۱- (۱) . سیستانی sistani.org اینترنت: تبریزی tabrizi.org اینترنت؛ دفتر: همه. به نقل از کتاب: پرسش ها و پاسخ ها، رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، سید مجتبی حسینی، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.

پرسش:

چت کردن با شخصی که از جنسیت او ناآگاهیم، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

(مراجع محترم): اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. (۱)

چون به هر حال در چت کردن نوعی سخن گفتن بین دو جنس مخالف ممکن است وجود داشته باشد و احتمال گرفتار شدن فتنه و گناه وجود دارد.

۱- (۱) . همان، ص ۱۹۲.

حضور زنان در ورزشگاه ها

پرسش:

حضور بانوان در میدان های ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیرپوش بازی می کنند، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

نگاه زن به بدن نامحرم جایز نیست، هرچند بدون قصد لذت باشد.

آیات عظام تبریزی و سیستانی: با توجه به این که حضور زنان در این گونه ورزشگاه ها، باعث مفسده است، جایز نیست.

آیهٔ الله بهجت: نگاه به آن ها بنابر احتیاط واجب جایز نیست و اگر باعث مفسده شود، حضور آنان حرام است. (۱)

۱- (۱) . استفتائات امام، ج ۳، س ۶ و ۳۹؛ توضیح المسایل، آیت الله وحید، م ۲۴۴۲؛ تعلیقات علی العروهٔ مکارم، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، النکاح، م ۵۱؛ توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی، م ۲۴۴۲؛ استفتاء آیت الله خامنه ای، س ۴۸۲؛ و دفتر فاضل؛ دفتر سیستانی و تبریزی؛ توضیح المسائل، آیت الله بهجت، م ۱۹۳۳؛ به نقل از همان، سید مجتبی حسینی، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

«قرآن کریم نیز صریحاً از نگاه به نامحرم صریحاً منع کرده، آنجا که می فرماید: «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ (1)(ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند».

و همین امر را نسبت به زنان نیز می فرماید: «وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند.»

نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست ها تا مچ) خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز نگاه به صورت و دست ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. همچنین نگاه زن به مرد نامحرم (به جز صورت، گردن و دست ها و مقداری از پا خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. (2)

۱- (۱) . نور، ۳۰

۲- (۲) . همان، مجتبی حسینی، ص ۱۹۷.

زن و مرد در محیط کار

پرسش:

آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان جایز است؟

پاسخ:

اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود و آن ها بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آن جا حرام است.

(آیـۀ الله صافی): اگر کسـی نمی توانـد وارد آن مکان شود، مانـدنشان در آن جا حرام است، هرچنـد احتمال فساد ندهنـد و به گفتگوهای علمی و ضروری بپردازند.

(آیۀ الله مکارم): اگر کسـی نمی تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفتگوهای علمی و ضروری و مانند آن بپردازند.

(آیات عظام بهجت، سیسـتانی و وحیـد): اگر احتمال فساد برود، مانـدنشان در آن جا حرام است، هرچند طوری باشد که کس دیگری بتواند وارد شود.

ص:۲۳۷

(آیـات عظام تبریزی و فاضل): اگر کسـی نمی توانـد وارد آن مکان شود، در صورتی که احتمال فساد برود، مانـدنشان در آن جا حرام است. (۱)

در نتیجه زن و مرد همکار نیز اگر احتمال مفسـده و گناه را بدهند، نمی توانند در یک اطاق با هم همکار باشـند که در مسـئله بعد به صراحت از آن یاد خواهد شد.

۱- (۱) . توضـیح المسایل مراجع، مسئله ۲۴۴۵ - استفتاء: سؤال ۶۳۹ و ۶۲۷؛ توضیح المسایل، ۲۴۴۱؛ (صافی: توضیح المسایل مراجع، م ۲۴۴۵، مکارم: همان ۲۴۴۵؛ بهجت، سیستانی، وحید، همان، ۲۴۴۵ و وحید: توضیح المسایل، مسئله ۲۵۹۰؛ تبریزی و فاضل: توضیح المسایل مراجع، م ۲۴۴۵) به نقل از همان، سید مجتبی حسینی، ص ۱۹۳.

پرسش:

آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری یا میهمانی اشکال دارد؟

پاسخ:

دوستی بین دختر و پسر جایز نیست؛ زیرا ترس افتادن به گناه در میان است؛ اما ارتباط شغل، اگر باعث مفسده نشود و موازین شرع در آن رعایت شود، اشکال ندارد. (۱)

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن، ابوطالب تجلیل، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. اوامر و نواهی الله در قرآن، عبدالصمد اسلامی، انتشارات نصایح.

ص:۲۳۹

۱- (۱) . آیت الله خامنه ای، استفتاء، س ۷۷۹ و ۶۵۱ و دفتر: همه، به نقل از همان، ص ۱۹۴.

پرسش:

همجنس بازی و پیامدهای آن را از منظر قرآن، حدیث، فقه و بهداشت توضیح دهید.

پاسخ:

۱. همجنس بازی در آیات قرآنی:

در قرآن مجید در سوره های اعراف، هود، حجر، انبیا، نمل و عنکبوت اشاره هایی به وضع قوم لوط و گناه بسیار زشت آن ها شده است، ولی در هر مورد تعبیر با مورد دیگر متفاوت است و در حقیقت هر یک از این تعبیرها به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره دارد. این عمل زشت با عنوان های اسراف، خبیث، فسق، تجاوز، جهل و قطع سبیل مطرح شده است.

در سورهٔ اعراف آیهٔ ۸۱ آمده است که لوط به آنها می گوید: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ؛ بلکه شما گروهی اسراف کار (و متجاوز)ید.» (۱)

ص:۲۴۱

۱- (۱) . اعراف، ۸۱.

در سوره انبیا آیه ۷۴ می خوانیم:

«وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ؛ و او را از آبادی که همواره (مردمش کارهای) پلید انجام می دادند، نجات دادیم؛ [چرا] که آنان گروهی بد [کار و] نافرمانبردار بودند.» (۱)

و در جای دیگر خواندیم که لوط به آن ها می گوید: «بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ؛ بلکه شما گروهی تجاوزگرید!» (۲)

و در سوره نمل آیه ۵۵ آمده است: «بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ آیا واقعاً شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می روید؟! بلکه شما گروهی هستید که نادانی می کنید.» (۳)

و در سوره عنکبوت آیه ۲۹ از زبان لوط چنین آمده است: «أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ؛ آیا واقعاً شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید.»

ویژگی های همجنس باز در قرآن:

«اسراف» از این نظر که آنها نظام آفرینش را در این امر فراموش کرده و از حد تجاوز کردند و تعدی نیز به همین جهت بر آن اطلاق شده است.

ص:۲۴۲

۱- (۱) . انبیا، ۷۴

۲- (۲) . شعراء، ۱۶۶

۳- (۳) . نمل، ۵۵.

«خبیث» به معنای کار یا چیز آلوده ای است که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد، و چه عملی از این عمل تنفر آمیزتر است.

«فسق» به معنای خروج از اطاعت پروردگار و برهنگی از شخصیت انسانی است که از لوازم حتمی این کار می باشد.

«جهل» به خاطر بی خبری از عواقب شومی است که این عمل برای فرد و جامعه در پی دارد.

و «قطع سبیل» از این جهت است که این عمل در صورت گسترش به قطع نسل انسانی می انجامد؛ علاقه به جنس موافق جانشین علاقه جنس مخالف می شود. (۱)

۲. همجنس بازی در احادیث

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «لایجد ریح الجنهٔ زنوق، و هو المخنث!؛ بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس گرایی واقع می شود، نخواهد رسید.» در حدیث دیگری از علی(علیه السلام) می خوانیم که لواط را در سر حد کفر معرفی فرموده است. (۲)

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) در فلسفه تحریم همجنس گرایی چنین آمده است: «علهٔ تحریم الذکران للذکران، و الاناث للاناث، لما رکب

۱- (۱) . تفسیر نمونه ذیل آیه

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۶۷.

فی الاناث و ما طبع علیه الـذکران، و لما فی اتیان الذکران، الذکران و الاناث للاناث، من انقطاع النسل، و فساد التدبیر، و خراب الدنیا؛ فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهـد شد)و نیز به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس گرا شونـد، نسل بشـر قطع می گردد، و تـدبیر زندگی اجتماعی به فساد می گراید و دنیا به ویرانی روی می نهد. (۱)

روایاتی که در مذمت همجنس گرایی از پیشوایان اسـلام نقل شده، آن قدر زیاد و تکان دهنده است که با مطالعه آن هر کس احسـاس می کنـد که زشتی این گنـاه به انـدازه ای است که کم تر گنـاهی در پـایه آن قرار دارد؛ از جمله در روایتی از پیـامبر اسـلام(صـلی الله علیه و آله) می خوانیم: «لمـا عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی ربها حتی بلغ دموعها الی السـماء، بکت السـماء حتی بلغ دموعهـا الاـرض، فاوحی الله الی السـماء ان احصـی بهم، و اوحی الی الارض ان اخسـفی بهم؛ هنگامی که قوم لوط آن اعمال ننگین را انجام دادنـد، زمین آن چنان ناله و گریه سـر داد که اشـکهایش به آسـمان رسـید، و آسـمان آن چنان گریه کرد که اشکهایش به عرش رسید، در این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد

۱- (۱) . علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۴۷.

که آن ها را سنگباران کن و به زمین وحی فرستاد که آن ها را فرو بر (بدیهی است گریه و اشک جنبه تشبیه و کنایه دارد).» (۱)

همچنین در حدیثی از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «من جامع غلاما جاء جنبا یوم القیامه لاینقیه ماء الدنیا و غضب الله علیه و لعنه و اعد له جهنم و سائت مصیرا ... ثم قال ان الذکر یرکب الذکر فیهتز العرش لذلک؛ هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند، روز قیامت ناپاک وارد محشر می شود، آن چنان که تمام آب های جهان او را پاک نخواهد کرد، و خداوند بر او غضب می کند و او را از رحمت خویش دور می دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است ...؛ سپس فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش خداوند به لرزه در می آید.» (۲)

در حدیث دیگری از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم: آن ها که تن به چنین کاری می دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند؛ سپس اضافه فرمود: من نمی گویم از فرزندان آنها هستند، ولی از طینت آن ها هستند. پرسیده شد: همان شهر سدوم که زیر و رو شد؟ فرمود: آری، چهار شهر بودند سدوم و صریم و لدنا و غمیرا (عمورا). (۳)

۱- (۱) . ثواب الاعمال، همو، ص ۲۶۴

۲- (۲) . الکافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۵۴۴

۳- (۳) . همان، ج ۵، ص ۵۴۹.

۳. حکم فقهی همجنس بازی

این مسئله تا آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسلامی حد آن اعدام قرار داده شده است، و حتی برای کسانی که مراحل پایین تر همجنس بازی را انجام می دهند، مجازاتهای شدیدی ذکر شده است، از جمله در حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «من قبل غلاما من شهوه الجمه الله یوم القیامه بلجام من نار؛ کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد، خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می زند.» (۱)

مجازات کسی که مرتکب چنین عملی شود، از ۳۰ تا ۹۹ تازیانه است.

همجنس گرایی چه در مردان باشد و چه در زنان، در اسلام از گناهان بسیار بزرگ و هر دو دارای حد شرعی است.

حد همجنس گرایی در مردان خواه فاعل باشد یا مفعول، اعدام است (۲) و برای این اعدام راه های مختلفی در فقه بیان شده است؛ البته اثبات این گناه باید از راه های معتبر و قاطعی که در فقه اسلامی و روایات وارده از معصومین ذکر شده، صورت گیرد، و حتی سه مرتبه اقرار هم به تنهائی کافی نیست و باید حداقل چهار بار به این عمل اقرار کند. (۳)

۱- (۱) . فقه الرضا، علی ابن بابویه، ص ۲۷۸

۲- (۲) . تحریرالوسیله، حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۷۴

۳- (۳) . همان، ج ۲، ص ۴۶۹.

اما حد همجنس گرایی در زنان پس از چهار بار اقرار و یا ثبوت به وسیله چهار شاهد عادل (به شرایطی که در فقه گفته شده) صد تازیانه است، (۱) و بعضی از فقها گفته اند اگر زن شوهرداری این عمل را انجام بدهد، حد او اعدام است.

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که اسلام یکی از مجازاتهایی را که برای چنین افراد قائل شده، آن است که ازدواج خواهر، مادر و دختر شخص مفعول بر فاعل حرام است، یعنی اگر چنین کاری قبل از ازدواج صورت گرفت، این زنان برای او حرام ابدی می باشند.

اجرای این حدود، شرایط دقیق و حساب شده ای دارد که در کتب فقه اسلامی آمده است و اجرای آن بر عهدهٔ محاکم صالحه و قانونی می باشد.

۴. بحث اجتماعی

شک نیست که انحراف جنسی از خطرناکترین انحراف هایی است که امکان دارد در جوامع انسانی پیدا شود، زیرا سایه شوم خود را بر همه مسائل اخلاقی می افکند و انسان را به انحراف عاطفی می کشاند.

در دنیای غرب که آلودگی های جنسی فوق العاده زیاد است، این گونه زشتی ها مورد تنفر نیست و حتی شنیده می شود در بعضی کشورها همانند

۱- (۱) . همان، ج ۲، ص ۴۷۰.

انگلستان، طبق قانونی که با کمال وقاحت از پارلمان گذشته، این موضوع جواز قانونی پیدا کرده، با این حال شیوع این گونه زشتی ها هرگز از قبح آن نمی کاهد و مفاسد اخلاقی و روانی و اجتماعی آن در جای خود ثابت است.

گاهی برخی پیروان مکاتب مادی که این گونه آلودگی ها را دارند، برای توجیه عملشان می گویند ما هیچ گونه منع پزشکی برای آن سراغ نداریم، ولی آن ها فراموش کرده اند که اصولاً ـ هرگونه انحراف جنسی در تمام روحیات و ساختمان وجود انسان اثر می گذارد و تعادل او را بر هم می زند.

توضیح این که: انسان به صورت طبیعی و سالم تمایل جنسی به جنس مخالف دارد و این تمایل از ریشه دارترین غرایز انسان و ضامن دوام نسل است و هر کاری که تمایل را از مسیر طبیعیش منحرف سازد، نوعی بیماری و انحراف روانی در انسان ایجاد می کند. مردی که به جنس موافق تمایل دارد و یا مردی که به چنین کاری تن می دهد، هیچ کدام کامل نیستند. در کتاب های امور جنسی، هموسکوآلیسم (همجنس گرایی) یکی از مهم ترین انحرافها ذکر شده است. ادامه این کار تمایلات جنسی را نسبت به جنس مخالف در انسان به تدریج از بین می برد و در مورد کسی که به این کار تن می دهد، احساسات زنانه به تدریج در او پیدا می شود، و هر دو گرفتار ضعف مفرط جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی می شوند، به طوری که بعد از مدتی قادر به آمیزش طبیعی (آمیزش با جنس مخالف) نخواهند بود.

ص:۲۴۸

با توجه به این که احساسات جنسی مرد و زن هم در ارگانیسم بدن آن ها مؤثر است و هم در روحیات و اخلاق ویژهٔ آنان، روشن می شود که از دست دادن احساسات طبیعی تا چه حد بر جسم و روح انسان ضربه وارد می سازد، و حتی ممکن است افرادی که گرفتار چنین انحرافی هستند، آن چنان گرفتار ضعف جنسی شوند که دیگر قدرت تولید فرزند را نداشته باشند. این گونه اشخاص غالباً از نظر روانی غالباً سالم نیستند و در خود نوعی بیگانگی از خویشتن و بیگانگی از جامعه ای که به آن تعلق دارند، احساس می کنند.

قدرت اراده را که شرط هر نوع پیروزی است، به تدریج از دست می دهند، و یک نوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنها لانه می کند. آنها اگر خیلی زود به اصلاح خویشتن روی نیاورند و حتی در صورت لزوم از پزشک جسمی یا روانی کمک نگیرند و این عمل به صورت عادتی برای آن ها در آید، ترک آن مشکل خواهد شد، ولی در هر حال هیچ وقت برای ترک این عادت زشت دیر نیست؛ تصمیم می خواهد و عمل.

در هر صورت، سرگردانی روانی به تدریج آنها را به مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحراف های اخلاقی دیگر خواهد کشانید و این یک بدبختی بزرگ دیگر است.

جالب این که در روایات اسلامی در عبارت هایی کوتاه و پرمعنا به این مفاسد اشاره شده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم: کسی از او پرسید «لم حرم الله اللواط»، چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟

فرمود: من احل انه لو کان اتیان الغلام حلالا لا ستغنی الرجال عن النساء و کان فیه قطع النسل و تعطیل الفروج و کان فی اجازه ذلک فساد کثیر؛ اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنها بی نیاز (و نسبت به آنها بی میل) می شدند، و این باعث قطع نسل انسان می شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می گشت و این کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی به بار می آورد.

عوامل و زمینه های همجنس بازی

کشیده شدن افراد به این گونه انحراف جنسی عوامل بسیار گوناگونی دارد و حتی گاهی شیوهٔ رفتار پدر و مادر با فرزندان، و یا عدم مراقبت از فرزندان همجنس، و طرز معاشرت و خواب آنها با هم در خانه ممکن است از عوامل این آلودگی باشد.

گاهی ممکن است انحراف های اخلاقی دیگر سر از این انحراف در آورد. حتی شوخی های بی موردی که گاهی در میان پسران و دختران نسبت به هم جنسان خود می شود، گاهی انگیزه کشیده شدن به این انحراف ها می گردد و به هر حال باید به دقت مراقب این گونه مسائل بود، و آلودگان را به سرعت نجات داد و از خدا دراین راه توفیق خواست.

همجنس گرایی چه در میان مردان باشد (لواط) و چه در میان زنان (مساحقه) از بدترین انحراف های اخلاقی است که سرچشمه مفاسد زیادی در جامعه خواهد بود. موضوع مهم این است که بی بند و باری و تنوع طلبی

بیمـار گونه دنیـای متمـدن مادی، بسـیاری از پسـران و دختران را به سوی این انحراف بزرگ می کشانـد. نخست پسـران را به لبـاس هـای جلف و زنـانه و خودآرایی مخصوص و دختران را به لبـاس های پسـرانه تشویق می کنـد، و از اینجا انحراف و هم جنس گرایی آغـاز می شـود، تـا جـایی که به زشت ترین اعمـال در این زمینه، شـکل قـانونی می دهنـد و از هرگـونه پیگرد و مجازات بر کنار می مانند که قلم از شرح و وصف آن شرم دارد. (۱)

۵. پیامدهای بهداشتی همجنس بازی

الف - شیوع بیماری های مقاربتی:

«برخی پزشـکان در رابطه با شـیوع بیماری های آمیزشـی می گوینـد علت اصـلی انتشار و شـیوع بیماری های مقاربتی اساساً به روابط جنسی آزاد و هر چیز که موجب بر هم خوردن کانون خانوادگی گردد، باز می گردد.»

دکتر «جـان بیسـتون» نیز در همین رابطه می گویـد: «از قرائن به دست آمـده ثـابت می شود که اغلب بیماری های آمیزشـی در نتیجه وجود روابط جنسی خارج از دایره ازدواج] زنا [شیوع پیدا می کند.»

در بیست سال اخیر دانشمندان به رغم کشف پنی سیلین (Penicillin) و پایین آمدن آمار مبتلایان به این بیماری ها، به خطر بزرگی که از این جهت

ص:۲۵۱

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۹۶.

متوجه بشریت است، پی بردند، از این رو در سال ۱۹۶۴ به تشکیل یک سمینار بزرگ جهانی با حضور ۱۵۰۰ متخصص از ۵۰ کشور در آمریکا برای بحث پیرامون بیماری های مقاربتی اقدام کردند و همهٔ مطالب و مقالات ارائه شده در این سمینار را در کتابی به نام «عمل کرد سمینار جهانی بیماری های مقاربتی» جمع آوری و منتشر نمودند. از بررسی های ارائه شده در این سمینار مشخص گردید که نسبت بیماری های مقاربتی در فاصله زمانی ۱۹۵۰ – ۱۹۶۰ در ۷۱ کشور از مجموع ۱۰۵ کشور مورد مطالعه، افزایش یافته که اغلب این کشورها را کشورهای اروپایی تشکیل می دهند؛ یعنی از مجموع ۲۰ کشور اروپایی در ۱۹ کشور آن بیماری های مقاربتی افزایش یافته بود. کم ترین میزان رشد این بیماری ها در کشورهای شرق مدیترانه بود که از مجموع ۱۲ کشور فقط در ۶ مورد آنها افزایش بیماری های مقاربتی وجود داشت.

در همین سمینار مشخص گردید که موارد ابتلا به سیفلیس در آمریکا در سال ۱۹۵۷ در مجموع ۷۶۰۰ مورد بوده که این رقم در سال ۱۹۶۱ به ۲۰۸۰۰ مورد رسید؛ یعنی تقریباً ظرف فقط چهار سال، سه برابر شده بود و این بسیار وحشتناک است. اما موارد ابتلا به سوزاک فقط در کشور آمریکا به تنهایی به یک میلیون مورد در سال می رسد. آمار تخمین مبتلایان به سیفلیس در سر تا سر جهان در سال ۱۹۵۳ به ۲۰ میلیون نفر می رسید. (۱)

۱- (۱) . ر.ک: طب در قرآن، ص ۱۸۱ – ۱۸۲.

ب – سست شدن عضلات مقعد و از دست دادن کنترل قضای حاجت، از این رو، ممکن است مدفوع شخص بدون اراده از او خارج شود.

پ – انعکاس روانی و تحت تاثیر قرار گرفتن شخص (مفعول مرد) به طوری که تصور کند که مرد نیست و همین مسئله باعث ایجاد اختلالاتی در رفتار وی می گردد و دچار بیماری های روانی می شود که از مهم ترین این بیماری ها می توان به بیماری های مازوفیسم و سادیسم را نام برد.

ت – از هم پاشیدن کانون خانواده به دلیل عدم تمایل مرد به آمیزش با همسر خود.

ث – پیدایش ناراحتی های روانی بین زن و شوهر.

ج – پیدایش و رشد بیماری ایدز در اثر لواط. (۱)

ص:۲۵۳

۱- (۱) . همان، ج ۲، ص ۳۸۹ – ۳۹۰.

پرسش:

راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر چیست ؟

پاسخ:

سالم سازی ارتباط دختر و پسر وابسته به تقویت مبانی اخلاقی و اعتقادی است که طرفین (دختر و پسر) با تقویت این دو مبنا می توانند ارتباط سالمی در جامعه اسلامی داشته باشند.

در صورت عدم تحقق مبانی پیش گفته و ضرورت ارتباط طولانی مدت، راهکار شرعی، ایجاد عقد موقت است. (۱)

توضیح راهکارها

۱. تخلق به اخلاق معاشرت که در زمینه های زیر توصیه می گردد:

۱- (۱) . ر.ك: عقد موقت در همین نوشتار.

الف – حیا

از امیرالمومنین علی(علیه السلام) نقل شده است که حیا موجب پیدایش هر زیبایی است (۱)؛ بنابراین، برای زیبا شدن هرچه بیشتر زندگی و جلاـ بخشیدن به روابط و معاشرت، به کار بردن این مفهوم راهگشاست. شرم و حیا به معنای خودداری از حرکت و عملی است که انجامش مورد سرزنش و ملامت باشد. و در این مورد خاص حالتی بسیار با ارزش و مانعی فوق العاده مهم در برابر گناه و کیفیتی قابل توجه است. بی تردید کسی که به خداوند ایمان دارد و از قیامت و حوادث آن بیمناک است، چه در آشکار و چه در پنهان از این که در محضر پروردگار به گناه و معصیت دست بزند، حیا و شرم می کند و در نهایت با کمک و یاری این حالت نفسانی، به سوی گناه گام بر نمی دارد.

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمود:اما حیا، حقیقتی است که امور و خصلت هایی از آن منشعب می شود؛ مانند نرم خویی، مهربانی، آگاهی و توجه به مراقبت خدا در پنهان و آشکار، سلامت نفس، دوری از گناه و شر، خوش رویی، بزرگواری و بلندی نظر،پیروزی، نام نیک در میان مردم...؛ این ها خصلت هایی است که خردمند به وسیله حیا به آن ها می رسد؛ پس خوشا به حال کسی که خیرخواهی خدا را بپذیرد و از رسوایی اش در محضر حق بترسد. (۲)

ص:۲۵۶

۱- (۱) . «الحیاء سبب الی کل جمیل»، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۱، ح ۱

۲- (۲) . حسین انصاریان، فرهنگ مهرورزی، ص ۱۲۰.به نقل از تحف العقول، ص ۱۷ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۸، باب ۴، حدیث ۱۱.

از رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) نقل شده است که مانند پیامبران باقی نمی ماند مگر سخن مردم که اگر حیا نکنی هر کاری انجام خواهی داد. (۱)

این سخن رسول خدا که بیانگر و مؤید ضرب المثل معروف عرب است، روشنگر این واقعیت می باشد که حیا جوهرهٔ هر خوبی است؛ زیرا اگر انسان به مرتبه ای برسد که هرچه بخواهد انجام بدهد، از مرتبهٔ انسانیت خارج می شود و آنچه در این راستا پیشگیر، مانع و همچون سدی است در برابر تمایلات انسانی، حیاء و شرم می باشد.

همچنین از امیرالمومنین علی(علیه السلام) نقل شده است که عاقل ترین مردم با حیاترین آن هاست. (۲)

نقش حیا در سالم سازی روابط به گونه ای پر اهمیت است که بدون آن حتی ایمانی وجود ندارد (۳) و جایی که ایمان وجود نداشته باشد، رابطه معنا ندارد و برای ایجاد یک ارتباط خوب و شایسته، حیا ضرورت دارد.

ب- رعایت حجاب شرعی

دختر در ارتباط با پسر باید مراقب حریم خود باشد و در پاسخ بی حیایی او خود را در دژ مستحکم حجاب بپوشاند؛ زیرا پوشش کامل همچون سدی

۱- (۱) . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۶، حدیث ۲۰۷

۲- (۲) . غررالحکم، ۲۹۰۰

۳- (۳) . «لا ایمان لمن لاحیاء له»: (امام صادق(علیه السلام)، کافی، ج ۲، ص ۱۰۶، حدیث ۵.

می توانـد جلوی روابط ناسالم را بگیرد و روابط سالم را تقویت کنـد؛ البته از نظر روابط اجتماعی ثابت شـده است که افراد بی حیا نسبت به افراد محجب و پوشیده مراقب اعمال خود هستند و آن گاه بی حیایی خود را ظاهر می سازند که از طرف مقابل نیز بی حیایی ببینند. استاد شـهید مرتضـی مطهری در این زمینه می نویسد: نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشـرت های بی بنـد و بـار، هیجـان هـا و التهاب های جنسـی را افزایش می دهـد و تقاضای سـکس را به صورت یک عطش روحی و یک خـواست اشـباع نشـدنی در می آورد. غریزه جنسـی غریزه ای نیرومنـد، عمیـق و دریـا صـفت است، هرچه بیشـتر اطـاعت شـود سرکش تر می گردد؛ همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورتر می شود (۱)...»

ضرورت حجـاب و پوشـش در مورد زن جای هیـچ شک و تردیـدی نیست، ولی آنچه در سالم سازی روابط کمک می کنـد، افزون بر پوشش زن، پوشش مرد است.

درست است که مردها وظیفه دارنـد تنها شـرمگاه (از ناف تا زانو) خود را بپوشانند، ولی مرحوم صاحب عروهٔ الوثقی مسئله را این گونه مطرح می کنـد: «بر مردان پوشـش واجب نیست، مگر در عورت؛ اما اگر علم داشـته باشـیم که زنان عمـداً به بدن ما نگاه می کنند، پوشش از باب حرمت تعاون بر اثم واجب

۱- (۱) . مساله حجاب، استاد مرتضی مطهری.

است. [(۱)](#) به این معنا که اگر مرد برهنه ظاهر شود؛ در صورت نگاه زنان به او مقدمات گناه فراهم می شود.»

اگر مردی با قصد به حرام انداختن زن بدون لباس بیرون بیاید، کمک به گناه صدق می کند؛ زیرا قصد وقوع گناه توسط زنان را نموده و این کار کمک به انجام دادن گناه است، ولی اما اگر چنین قصدی نداشته باشد و فقط احتمال داشته باشد از عدم پوشش وی عده ای به گناه بیفتند، کمک به گناه صدق نمی کند.

اما آنچه در سالم سازی روابط دختر و پسر مطرح می باشد، پوشش طرفین است؛ آن جا که دختر و پسر با هم معاشرت دارند، باید تمامی مقدمات احتمالی وقوع گناه از جمله برهنه بودن مرد برداشته شود و مرد با ظاهری محجوب حاضر شود و البته حجاب مرد ارتباطی کامل و استوار با حیا دارد که پیش تر از آن یاد شد.

ج- عفت چشم و چشم پوشی

نگاهی شهوت آلود به جنس مخالف تنها به زن و شوهر اختصاص دارد و هیچ زن و مرد دیگری نمی توانند چنین نگاهی به یکدیگر داشته باشند.

ص:۲۵۹

۱- (۱) . «یجب علی النساء التستر کما یحرم علی الرجال النظر و لا یجب علی الرجال التستروان کان یحرم علی النساء النظر؛ نعم حال الرجال بالنسبۀ الی الصورۀ حال النساءو یجب علیهم التستر مع العلم یتعهد النساء فی النظر من باب حرمت الاعانۀ علی الاثم.»

نگاه بدون قصد شهوت به غیر از دست و صورت زن نامحرم حرام است. در مورد نگاه کردن به دست و صورت زن نامحرم (۱) صاحب عروهٔ الوثقی و حضرت امام می فرمایند: احتیاط در این است که نگاه کردن جایز نباشد. (۲)

افزون بر این، آگاهی از آثار وضعی نگاه به نامحرم می تواند گام مؤثری در تقویت این راهکار باشد. از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است: «نگاه، تیری است از تیرهای زهرآگین شیطان؛ کسی که برای خداوند متعال نگاه را ترک کند، خداوند عزوجل آرامشی همراه با ایمان به او می چشاند. (۳)

از سوی دیگر توجه به آثار فراوان چشم پوشی، خود راهکاری است برای سالم سازی ارتباط دختر و پسر که تنها به یک نمونه اشاره می شود. از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است: «هر کس زنی را ببیند و چشمش را به آسمان

۱- (۱) . در این جا دیدگاه های مختلف وجود دارد: ۱. کراهت (مبسوط شیخ طوسی)، ۲. یک مرتبه جایز و تکرار جایز نیست (محقق شیرازی) علامه در قواعد و شهید اول و ثانی در لمعه و شرح لمعه؛ ۳. نگاه به صورت و دست ها مطلقاً جایز نیست (صاحب جواهرالکلام، صاحب عروهٔ الوثقی و حضرت امام)

۲- (۲) . ر.ک: معاشرت زنان و مردان، حسن صادقی،

۳- (۳) . «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و من ترکها لله عزوجل لا لغیره اعقبه اله امناً و ایماناً یجد طعمه» وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۰۴، مقدمات نکاح، ح ۵.

بیاندازد یا آن را برگرداند، به زودی خداوند مزهٔ ایمان را به او خواهد چشاند. (۱)»

د- تقویت اعتقاد به مبدأ و معاد

امام خمینی(ره) در کلام نغز و شیوایی که برگرفته از آیات و روایات است، می فرمایند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.»

تمام هستی (عالم) به صورت یک مجموعه واحد محضر و دفتر دادگاه است و قاضی این دادگاه نیز حاضر است؛ اعتقاد به وجود خدای متعال و نظارت دائمی او و همچنین اعتقاد به روز رستاخیز از مهم ترین راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر است. در این زمینه، اشاره به ارتباط حضرت یوسف(علیه السلام) و زلیخا می تواند راه گشای بسیاری از مسایل پیش آمده برای جوانان باشد. حضرت یوسف(علیه السلام) در پاسخ افزون طلبی زلیخا به او یک جمله گفت: «معاذ الله»؛ « و آن [زنی] که آن (یوسف) در خانه اش بود، از وجودش تمنّای کامجویی کرد؛ و همه درها را محکم بست و گفت: «بیا (که من آماده) برای توامَ!» (یوسف) گفت: «پناه بر خدا! در حقیقت او پرورش دهنده من است؛ جایگاه مرا نیکو داشت؛ (پس خیانت به او ستمکاری است و) قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند.» (۲)

۱- (۱) . «من نظر الی امرأة فرفع بصره الی السماء او غض بصره لم یرتدّ الیه طرفه حتی یرزقه الله ایماناً یجد طعمه.»، ر.ک: همان، حدیث ۹ و ۱۰

۲- (۲) . یوسف، ۲۳.

پیام های هشدارآمیز داستان یوسف و زلیخا:

۱. پسرهای جوان که در خانه های زنان کم تقوا و نامحرم هستند، تنها نباشند؛ زیرا باب مراوده باز می شود.

۲. گناهان بزرگ با مراوده و نرمش شروع می شود.

۳. حضور زن و مرد، پسر و دختر در فضای در بسته، زمینه را برای گناه فراهم می کند.

۴. عشق در اثر مراوده و به تدریج پیدا می شود، نه به صورت دفعی و یک باره؛ بنابراین از معاشرت های طولانی مدت تا حد امکان پرهیز شود.

۵. در برابر قدرت شهوت، همسر پادشاه نیز به زانو در می آید.

۶. موقع هجوم حمله شیطان یاد خدا بهترین راهکار است.

۷. یاد عاقبت گناه مانع ارتکاب آن است.

۸. توجه به خدا مهم ترین عامل بازدارنده است.

۹. یک لحظه گناه، انسان را از رستگاری ابدی دور می سازد.

۱۰. ضرورت شکر نعمت دهنده اقتضا می کند گناه نکنیم. (۱)

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۶.

پرسش:

نظر قرآن و روایات در مورد تفریح های سالم و شادی و نشاط چیست ؟

اشاره

پاسخ:

مفهوم شناسی

«تفریح» به معانی شادمانی نمودن، شادی کردن، شاد کردن، شادمان ساختن، (۱) فعالیت غیرجدی به قصد سرگرمی، وقت گذرانی رفع خستگی (۲)آمده است.

تفریح سالم، یعنی تفریح بی عیب، بی گزند، درست و صحیح (۳)، و تفریحات سالم به تفریحاتی گفته می شود که از نظر اخلاقی و اجتماعی زیان آور نباشند. (۴)

۱- (۱) . فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۱۱۱۲

۲- (۲) . فرهنگ بزرگ سخن، دکتر حسن انوری، ج ۳، ص ۱۸۱۱

۳- (۳) . همان، ج ۲، ص ۱۸۰۶

۴- (۴) . همان.

شادی یعنی خوشحالی و شادمانی، (۱) دوری از غم و اندوه، خوشحالی و سرور. (۲)

نشاط به معنای سبکی و چالاکی یافتن برای اجرای امور (۳) و به معنای شادی، خوشی و سرزندگی (۴) است.

تقسیم بندی

در یک تقسیم بندی کلی، آنچه به معنای تفریح مورد بررسی قرار می گیرد، به دو دسته تقسیم می شود:

۱. تفریح سالم؛

۲. تفریح غیرسالم.

انواع مختلف تفریح، براساس به کارگیری اسباب و وسایل ایجاد شادی و خوشحالی، و نتایج آن، می تواند برای انسان مفید و یا مضر باشد؛ و همین تفاوت در اسباب و نتایج است که تفریح را به آن دو قسم عمده تقسیم می کند.

ص:۲۶۴

۱- (۱) . همان، ج ۲، ص ۱۹۹۵

۲- (۲) . همان، ج ۵، ص ۴۴۰۲

۳- (۳) . همان، ج ۴، ص ۴۷۲۹

۴- (۴) . همان، ج ۸، ص ۷۸۱۹

نیاز به شادی و تفریح

دربارهٔ ضرورت تفریح و نیاز انسان به خوشحالی و شادابی، مطالب فراوانی بیان شده است. (۱)

همچنان که بـدن انسان نیاز به مواد غـذایی سالم دارد، روح و روان آدمی نیز این نیاز را دارد. تشویش، نگرانی و اضـطراب در زندگی مانند تب، لرز، سـر درد و هزاران درد جسـمی دیگر است که افزون بر تحلیل و از بین بردن توان جسمی، کاهش عمل کرد اجتماعی فرد را نیز در پی دارد.

در روایات نسبت به نکوهش حزن و اندوه مطالبی به این شرح وارد شده است:

۱. از امام علی(علیه السلام) روایت شده است که: حزن و اندوه نصف پیری و درهم شکستگی است. (۲)

۲. غصه و اندوه بدن را آب می کند. (۳)

۳. از حضـرت عیسی(علیه السـلام) روایت است: کسـی که حزن و انـدوه او زیاد باشد، بدنش مریض است (مریض می شود). (۴)

۱- (۱) . ر.ك: آیین بهزیستی اسلام

۲- (۲) . همان، به نقل از تحف العقول، ص ۲۱۴

۳- (۳) . همان، به نقل از غررالحکم، حدیث ۱۰۳۹

۴- (۴) . منتخب میزان الحکمه، ص ۱۳۷ به نقل از امالی صدوق، ج ۳، حدیث ۴۳۶.

۴. از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است:

اندوه ها و غصه ها بیماری قلب است؛ همان گونه که امراض، دردهای بدن و جسم هستند. (۱)

همچنین در آیات و روایات، راهکارهای مبارزه با پدیده ی اندوه ارائه شده است؛ برای مثال، خداوند متعال می فرماید:

آگاه باشید! که دوستان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می شوند.» (۲)

ایمان به خدا و ارتباط با او، اندوه را از دل برطرف می کند و این، بهترین راهکار برطرف کردن حزن و اندوه و جایگزین کردن شادی است. از رسول گرامی اسلام روایت شده است:

خدای متعال به واسطهٔ حکمت و فضلش، راحتی، آسایش و خوشحالی را در یقین و رضا و غم و اندوه را در شک قرارداده است.» (۳)

خوشحالی و آسایش نشان دهندهٔ یقین و رضاست و یقین و رضا بالاترین مراتب ایمان است؛ بنابراین، پرداختن به مقولهٔ تفریح، برای تعالی روح در

۱- (۱) . همان، به نقل از الدعوات، ۲۷۶،۱۱۸

۲- (۲) . یونس، ۶۲

۳- (۳) . همان، به نقل از تحف العقول، ص ۶.

راستای تعالیم قرآنی و رسیدن به سعادت نهایی، (۱) نه تنها کار بیهوده ای نیست، بلکه از ضروریات مباحث اخلاقی و اسلامی است.

در فرهنگ غنی اسلام که برگرفته از دو سرچشمه ی نورانی کتاب (قرآن) و اهل بیت(علیه السلام) است (۲)، هرچند به طور صریح واژه ی «تفریحات سالم» نیامده است ولی با دقت و بررسی آیات، روایات و دستورهای اسلام در می یابیم که مجموعه ی دین برای زندگی با کرامت انسان (۳) تدوین شده و کرامت انسان در

۱- (۱) . هدف اصلی خلقت انسان رسیدن به کمال نهایی و قرب الی الله است. در آیه ی شریفه ۵۶ سوره ی ذاریات می خوانیم: «جن و انسان را جز برای پرستش خود نیافریدم.» امام صادق(علیه السلام) در روایتی معروف می فرماید: «بندگی گوهری است که باطن آن ربوبیت است؛ پس هرچه از بندگی به دست نیامده باشد، در ربوبیت یافت می شود و هرچه از ربوبیت پوشیده و پنهان باشد، در بندگی حاصل می گردد.» مصباح الشریعه، باب ۱۰۰ «فی حقیقهٔ العبودیه». به نقل از آداب الصلوهٔ، امام خمینی، ص ۸

۲- (۲) . «انی تارک فیکم الثقلین...؛ من در میان شما دو چیز گران بها، به یادگار گذاشته ام که اگر به آن ها تمسک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیت و آن ها هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا آن که بر حوض به من خواهند پیوست». اهل بیت فی کتاب السنه، محمد ری شهری، کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی شیخ صدوق و تعلیق شیخ حسین اعلمی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴ و اصول کافی و تهذیب که با تعابیر مختلف روایت کرده اند

۳- (۳) . سوره اسراء، آیه ۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ؛ و بیقین فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنان را در خشکی و دریا، (بر مرکب ها) سوار کردیم؛ و...» ترجمه آیات برگرفته از ترجمه گروهی قرآن کریم دکتر محمدعلی رضایی و دیگران.

گروِ برخوردار بودن از روح سالم و جسم سالم است. در یک کلمه، «دین» راه و روش چگونه زندگی کردن را به ما می آموزد. که با به کارگیری این مجموعه دستورها، می توان سلامت کامل جسمی و روحی خود را تضمین کرد. (۱)

در این جا سخنان آیت الله شهید دکتر بهشتی را با عنوان «اسلام دین نشاط است، (۲) نه اندوه» از نظر می گذرانیم:

«براساس برخی از حکایات صوفیانه که ارتباط چندانی با قرآن کریم ندارد، قرن های متمادی، تفریح و شادی را نقطه ضعف معرفی می کردند؛ مثلاً به ما می گفتند: قرآن مجید می فرماید: «و باید کم بخندید و بسیار گریه کنید.» (۳) از ظاهر این آیه بدون توجه به شأن نزول و مراد اصلی آیه چنین تلقی می شود که «بایستی فراوان گریه کرد و اندک خندید.»

و عده ای با این آیه مردم را از خنداندن و خندیدن منع می کردند؛

اما اگر در همین یک آیه دقت کنیم، مطلب را درست بر خلاف مفهوم ظاهری به دست می آوریم؛ مطلب از این قرار است که

۱- (۱) . روایات فراوانی در مورد مستحبات وارد شده که آثار و نتایج علمی آن ها نیز به اثبات رسیده است. (ر.ک: قرآن و زندگی)

۲- (۲) . ر.ک: روزنامه همشهری، ۱۳۷۹،۴،۷

۳- (۳) . «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلاً وَلْيَبْكُوا كَثِيراً جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» توبه، ۸۲ و اعراف، ۳۲.

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) دستور مبارزه علیه کفار و مشرکین را صادر کرده بود، وقتی کاروان نظامی حضرت به سوی مبارزه حرکت کرد، عده ای از فرمان بسیج خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) تخلف کردند، این آیات می گوید: لعنت خدا بر کسانی باد که دیدند پیامبر با مسلمانان به میدان نبرد می رود اما باز هم زندگی دوستی آن ها را وادار کرد از فرمان خدا و رسولش تخلف کنند. لعنت خدا بر آن ها باد! محروم باد این گروه از رحمت حق و به عنوان یک نفرین می گوید: از این پس این گروه نافرمان، کم بخندند و زیاد بگریند؛ خنده در زندگی آن ها کم باد و گریه در زندگی آن ها فروان باد!

آیا از این آیه فهمیده نمی شود که اسلام دین نشاط است و زندگی توأم با گریه و زاری و ناله، خلاف رحمت و نعمت خداست؟!

تفریح سالم یکی از نیازهای زندگی انسان است، نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه اصولاً به عنوان یکی از نیازهای اصلی، مثل نیاز به مواد غذایی، یک نیاز طبیعی است. خدای آفریدگار طبیعت و نظام طبیعت، خواسته است آدمی با احساس احتیاج به تفریح، همواره نشاط زنده ماندن و زندگی کردن داشته باشد. خدای متعال به پیامبرش می فرماید: «[ای پیامبر] بگو: «چه کسی زیور[های] الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این [ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که

ایمـان آورده انـد؛ (اگر چه دیگران نیز از آنهـا اسـتفاده می کننـد،) در حـالی که در روز رسـتاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای گروهی که آگاهند، شرح می دهیم.» (۱)

این آیه از محکمات قرآن است که در سال های آخر بعثت و هجرت نازل شده است.

می گویـد:ای پیغمبر، در برابر کسانی که بسـیاری از مواهب زندگی را حرام می شـمردند، اعلام کن و بگو چه کسـی زینت و آرایش و زیبایی هایی را که خداونـد از درون طبیعت برای بنـدگانش بیرون کشـیده، حرام کرده است؟ چه کسـی روزی های پـاک، مواهب پـاک، مواهـبی را که انسـان از آن هـا لـذت مشـروع و صـحیح می برد، حرام کرده است؟ بگو این مواهب، این روزی های پاک، این زیبایی ها، برای مردم با ایمان در همین زندگی دنیاست.

در زنـدگی جاوید و آخرت هم همین زیبایی ها و همین مواهب برای مردم با ایمان است با یک تفاوت که در این دنیا، زیبایی ها به زشتی ها آمیخته و آلوده است.

شـادی هـا به غم آمیخته است، ولی در دنیـای دیگر این زیبـایی هـا و مواهب پاک برای مردم با ایمان به صورت خالص وجود دارد.

۱- (۱) . اعراف، ۳۲.

از این آیه می فهمیم اسـلام به بهره منـد شـدن از زیبایی ها، مواهب زندگی و عوامل نشاط آور اهمیت می دهد. طبیعی اسـت که در این دنیا، خدا نشاط و شادی را با غم همراه قرار داده است، نشاط و شادی خالص، در دسترس هیچ کس نیست، ولی در حدودی که قوانین و حق و عدالت اجازه می دهد مردم با ایمان از آن بهره مند شوند و مال آنهاست.

بیش از چند صد آیه از قرآن کریم، مردم مسلمان را به ایمان و راستی و درستکاری دعوت می کند و به آن ها می گوید: اگر در این دنیا براساس صـحیح زنـدگی کردیـد، با عـدالت، با پاکی و درستی، با ایمان صـحیح، حرکت کردیـد آن وقت به شـما بهشت می دهیم.

بهشت چیست؟

قرآن در ترسیم بهشت می گوید: بهشت یک زندگی سراسر نشاط، بهره مند از تمام زیبایی های خالص و پاک می باشد. باغ، میوه، گـل، جوی روان، آب هـای زلال، بهترین همسـران، بهترین پـذیرایی ها، بهترین تخت ها، زیباترین بسترها (۱) و «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ

ص:۲۷۱

۱- (۱) . درباره بهشت و توصـیف بهشت ر.ک: فهرست موضوعی تفسیر نمونه، تهیه و تنظیم احمدعلی بابائی و رضا محمدی، ص ۲۲۸ - ۲۳۸.

الْأَعْيُنُ» (۱) هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم ها لذت ببرند در آن (بهشت موجود) است.

اسلام دین فطرت است (۲) و ارتباط فطرت با نشاط و شادابی بسیار زیاد است.

مولا علی(علیه السلام) روزی به خانه یکی از دوستانش قدم نهاد. دید خانه وسیعی دارد. به او فرمود: هان! در این دنیا چنین خانه وسیعی می خواهی چه کنی؟ آیا در روز قیامت بدین خانه محتاج تر نبودی - اول امام این مطلب را می گوید - بعد برای این که آن فرد اشتباه نکند، فرمود: هان! اشتباه نکن تو با داشتن همین خانه وسیع می توانی در همین دنیا آن را برای آخرت به کار بگیری از مهمانان پذیرایی کنی، صله رحم کنی این خانه را پایگاه اجتماعات برای تلاش در راه حق و عدالت قرار بدهی. دوست امام دید که نه، مطلب آن طور که او خیال می کرد که امام می خواهد به او زاهدمنشی و ترک دنیا تلقین بکند، نیست، بلکه می خواهد بگوید یادت باشد که خانه فقط برای کامروایی نیست، چیزهای دیگر هم باید باشد. عرض کرد: یا علی، برادر من را نصحیت کن، امام فرمود: موضوع چیست؟ گفت: برادرم لباس های پشمینه می پوشد، خانه را رها کرده و رفته در یک گوشه ای می گوید:

۱- (۱) . زخرف، ۷۱

۲- (۲) . «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» روم، ۳۰.

«من بایـد عبـادت کنم.» نه به زنش می رسـد نه به فرزنـدش، امام فرمود: به او بگو نزد من بیایـد. وقتی آمـد، امام به او پرخاش کرد و فرمود: هان! تو چه خیال می کنی؟ چه گمانی درباره خدا می بری؟ آیا فکر می کنی که خدا این همه مواهب را در این دنیا آفرید و حلال کرده ولی بعد از آفریدن و حلال کردن، دلش می خواهد ما به آن ها پشت پا بزنیم؟

آن مرد عرض کرد پس چرا شـما اینگونه زندگی می کنید؟ لباس شما از من خیلی خشن تر است. خوراکت از من خیلی ساده تر است. بی اعتنایی ات به مواهب زنـدگی از من خیلی بیشتر است. مولا فرمود: مطلب بر تو اشـتباه نشود، حساب من از حساب تو جداست، من زمامدار امت اسلام هستم که واجب است زندگی شان هم سطح بینواترین مسلمانان باشد.» (۱)

نمودهای تفریح های سالم در دستورهای اسلام

بـا جسـتجو در آیـات و با دقت در روایات و دسـتورهای دینی می توان به این حقیقت پی برد که دین اسـلام به چه میزان، این مسئله را مورد تاکید قرارداده است. برخی از این دستورهای دینی که هدفی جز تأمین سلامت روحی و جسمی انسان را تعقیب نمی کنند، از قرار ذیل است:

۱- (۱) . نهج البلاغه، دکتر سید جعفر شهیدی، خطبه ۲۰۹.

۱. ورزش و مسابقه

«أَرْسِلْهُ مَعَنا غَداً یَرْتَعْ وَیَلْعَبْ» (۱)

در قرآن کریم در داستان حضرت یوسف و یعقوب آمده است: آن گاه که فرزندان او خواستند یوسف را از ایشان جدا کنند، ورزش را بهانه کردند و گفتند: «فردا او را همراه ما بفرست تا ورزش و بازی کند و ما هم یقیناً از او محافظت می کنیم.» (۲) و این بهانه هایی بود که حضرت یعقوب در برابر آن سکوت اختیار کرد، سکوتی که علامت رضایت و بیانگر تأیید این کار است.

نقل تاییدآمیز بازی و ورزش یوسف در داستان او، و نیز تاکید بر ورزش و مسابقات در روایات (۳)و سفارش های فراوان در خصوص ورزش هایی که پیش از همه نشاط آور و مفرّح است (۴)، خود می تواند دلیلی بر تاکید دین اسلام بر تفریح های سالم باشد.

۱- (۱) . یوسف، ۱۲

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . ر.ك: ورزش و تربیت بدنی در جمهوری اسلامی، اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۰

۴- (۴) . از میان رشته های ورزشی بر سوارکاری، تیراندازی و شنا تاکید شده است و حتی مسابقه دادن در این رشته ها و تعیین جایزه هم نه تنها ممنوع نیست، بلکه توصیه شده است. (ر.ك: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سیدرضا پاك نژاد. انتشارات کتابفروشی اسلامی، ج ۱۴)

افزون بر این، قرآن کریم از دو پیامبر به خاطر ویژگی «قوت» و «نیروی بـدنی» تعریف و تمجیـد می کند؛ یکی از طالوت (۱) و دیگری از حضـرت موسـی در جریان کمک کردن او به دختران شعیب (۲)که همگی نشان دهنده ی توصـیه به قدرتمند شدن در پی تلاش و کوشش است.

ورزش های سوارکاری، تیراندازی و شـنا سه ورزش مورد تاکید اسـلام است که فرح بخشـی این سه در میان رشته های فراوان دیگر بر اهل فن پوشیده نیست.

۲. صله رحم و دید و بازدید

نشـست و برخاست با یکـدیگر، به ویژه اقوام و خویشان، یکی از بهترین انواع تفریـح های سالم است. این عمل آن چنان مورد تأکید است که روایات فراوان و نیز آیاتی در این زمینه وارد شده است. خداوند متعال در آیات مختلف این حقیقت را اینگونه بیان می کند:

« و به پدر و مادر، و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم نیکو سخن گویید.» (۳)

۱- (۱) . بقره، ۲۴۷: «... و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزود.»
۲- (۲) . قصص، ۲۶: «بهترین کسی که استخدام می کنی (شخص) نیرومند درستکار است.»
۳- (۳) . بقره، ۸۳.

«و (بیان) راه معتـدل و راست بر عهـده خداست، و برخی از آن (راه ها) کژ است؛ و اگر (بر فرض خدا) می خواست حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می کرد.» (۱)

از امام صادق(علیه السـلام) در تفسیر آیه ی ۱۹ سوره ی رعـد نقل شـده است که آنچه خـدا به آن فرمان داده که آن پیوند را قطع نکنید، «صله رحم» است. (۲)

همچنین از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «زودترین خیر از نظر ثواب صله رحم است.» (۳)

از امام باقر(علیه السلام) برای صله رحم آثاری نقل شده است که به قرار ذیل است:

۱. اعمال را پاکیزه می کند.

۲. اموال را زیاد می کند.

۳. بلا را دفع می کند.

۴. حساب را آسان می کند.

۵. اجل را به تأخیر می اندازد. (۴)

۱- (۱) . نحل، ۹

۲- (۲) . میزان الحکمه، ج ۴، ص ۸۲ به نقل از بحارالانوار، ج ۷۴

۳- (۳) . همان به نقل از کافی، ج ۲، ص ۱۵۱

۴- (۴) . همان به نقل از کافی، ج ۲، ص ۱۵۰.

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: کسی که برادر مؤمنش را در منزل او بدون حاجت و درخواست زیارت کند، خداوند نام او را از زیارت کنندگان خودش می نویسد و واجب است بر خدا که زائر خود را گرامی بدارد. (۱)

۳. اطعام و پذیرایی از مهمان

خوردن و آشامیدن و خوراندن و نوشانیدن و میهمانی از موضوعات مورد تأکید اسلام است.

قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم(علیه السلام)، به میهمانی او و غذای فراوانی که آماده کرد (گوساله بریان شده) (۲) و نیز میهمانی در منزل پیامبر اسلام اشاره کرده است. (۳)

میهمانی کردن که نقش بسزایی در ایجاد شادی در دل مردم دارد، مورد تاکید دین اسلام است. از امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) نقل شده: «لذت کریمان در خوراندن است و لذت لئیمان در خوردن.» (۴)

۱- (۱) . منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، تلخیص سید مجید حسینی، ص ۲۴۷. در این باره روایات فراوان دیگری وجود دارد که سفارش می کند به زیارت یکدیگر بروید

۲- (۲) . «بِعِجْلٍ حَنِیذٍ». (هود، ۶۹)

۳- (۳) . احزاب، ۵۳

۴- (۴) . کافی، ۲۸،۱.

و همچنین از ایشان نقل شده است: «قوی کردن و توانمند سازی اجسام با غذا خوردن است و توانمندسازی روح با غذا خوراندن می باشد.» (۱)

۴. سیر و سفر و گردش

سیر و سفر و گردش و استفاده از مناظر زیبای طبیعت، آبشارها، کوه ها، دریاها و آثار باستانی دشت ها و حتی کویر مورد سفارش دین اسلام است، تا آن جا که سیر و سفر را مقدمه ی علم آموزی و عبرت اندوزی می داند: «سِیرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُکَذِّبِینَ» (۲)

و از رسول اکرم روایت شده است که می فرماید: «مسافرت کنید تا صحت یابید و غنیمت به دست آورید.» (۳)

۵. استفاده از مظاهر زیبای موجود در طبیعت:

قرآن کریم می فرماید:

«و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه بر می گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به چراگاه می فرستید.» (۴)

۱- (۱) . افزون بر این، هر خانه ای که مهمان داخل آن خانه نشود، ملائکه نیز داخل آن خانه نمی شوند. منتخب میزان الحکمه، ص ۳۱۲

۲- (۲) . انعام، ۱۱: بگو: «در زمین گردش کنید!سپس بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟!»

۳- (۳) . «سافِروا تَصّحوا و تغنموا». منتخب میزان الحکمه، حدیث ۲۵۳ به نقل از کنزالعمال ۱۷۴۷۰

۴- (۴) . «وَلَکُمْ فِیهَا جَمَالٌ حِینَ تُرِیحُونَ وَحِینَ تَسْرَحُونَ» نحل، ۶.

صبح هنگام و عصرگاهان مواقعی است که انسان نیاز به آرامش روحی دارد. صبح گاهان، آن گاه که قصد شروع فعالیت روزانه را دارد و عصرگاهان، آن هنگام که نیازمند رفع خستگی تلاش روزانه است. قرآن مجید برای کسانی که در صحرا زندگی می کنند و از نعمت آب و هوای پاک و زندگی در طبیعت بهره مند هستند، توصیه می کند که به چارپایانی که خدا به شما عنایت کرده بیشتر توجه کنید که موقع رفتن و برگشتن آن ها، زیبایی و حسن نظر وجود دارد. خداوند به چنین مردمی توصیه کرده برای آرامش اعصاب و تفریح به چارپایان نگاه کنند و از نگاه به آنان لذت ببرند؛ حال آیا جا دارد بگوییم خدا مردمی را که هر روز با دود و دم و سر و صدا همنشین هستند از این نعمت و از سایر تفریح ها منع کرده باشد؟! هرگز چنین نیست و انسان های شهرنشین نیز باید از این مواهب برای تأمین بهداشت روان و جسم و تفریح بهره گیرند و این نیز توصیه ای است برای رفتن به دل طبیعت و تماشای آن مناظر زیبا.

آیات دیگری نیز از جمله توصیهٔ توجه به گیاهان زیبا (حج / ۵)، آب های روی زمین (کهف / ۷)، زینت آسمان ها در شب (صافات / ۶ و فصلت / ۱۲ و ملک / ۵ و حجر / ۱۶ و ق / ۶) و ... بیانگر بهره برداری و لذت از مواهب الهی است که در طبیعت وجود دارد.

ص:۲۷۹

۶. خودآرایی و رسیدگی به سر و وضع و لباس

انسان چون می خواهد برای عبادت و حضور در مسجد از منزل خارج شود، به سفارش خداوند لازم است خود را زیبا کرده و زینت های خود را بردارد. «يَا بَنِى آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنـدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (۱) همچنین جواز استفاده از زینت های خدا و طیبات رزق در آیه بعد صادر شده است (۲) و به طور کلی هر زیبایی که در روح و روان انسان و دیگران تاثیر مثبت گذارد، مورد تایید آیات و روایات فراوان می باشد.

از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است: «بپوشید و زینت کنید (خود را بیارائید) که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (اما این زینت و خود آرایی) باید از راه حلال باشد.» (۳)

۷. استفاده از لذات حلال در مسائل زناشویی

یکی دیگر از تفریح های سالم که ضرورت آن نمی توان مورد شک قرار داد، بهره برداری جنسی مشروع و قانونی است که در آیه ی ۵۸ سوره ی نور در قالبی زیبا و کنایی بیان شده است:

ص:۲۸۰

۱- (۱) . اعراف، ۳۱

۲- (۲) . اعراف، ۳۲

۳- (۳) . وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۰.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند:

پیش از نماز صبح، و هنگام نیم روز که لباس های رسمی خود را فرو می نهید، و بعد از نماز عشاء،] اینها [سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست که بعد از آن (زمان ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون (اجازه) رخصت وارد شوند؛ چرا که) برخی از شما بر (گردن برخی دیگر) از شما می چرخید، این گونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می کند و خدا دانای فرزانه است.»

در طول شبانه روز برای بهره برداری از لذت ها سه وقت مخصوص وجود دارد، به گونه ای که ورود اطفال غیربالغ ممنوع شمرده شده است، و افراد بالغ نیز که هیچ گاه بدون اذن وارد نمی شوند؛ زیرا در آیه ی بعد می فرماید: «هنگامی که کودکان شما به بلوغ می رسند، پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند، رخصت می گرفتند.» (۱)

ص:۲۸۱

۱- (۱) . نور، ۵۸.

از رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) نقل شده است: هر کار بیهوده ای از انسان مومن باطل است، مگر در سه چیز: تربیت و تعلیم اسب (سوارکاری) و تیراندازی و بازی با همسر که این سه چیز حق است.

۸. کار، بالاترین تفریح (۱)

این سخن که از امام علی(علیه السلام) روایت شده است، راهی نوین در تفریحات سالم می گشاید که انسان اوقات فراغت خود را با کارهای مفید (مثل صنایع دستی و...) پر کند.

نتیجه گیری

دین اسلام نظر روشنی درباره ی تفریح های سالم دارد و با سفارش به تقویت قوای جسمی و روحی، (۲) انسان را در راه مبارزه با دشمنان ظاهری و باطنی، آماده می سازد؛ تا راه برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت ابدی از مسیر همین دنیا فراهم آید.

۱- (۱) . مشهور است که این کلام به حضرت علی(علیه السلام) منسوب می باشد، ولی در منابع روایی دریافت نشد

۲- (۲) . انفال، ۸: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَااستَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِبَاطِ الْخَيْلِ...؛ و هرچه در توان دارید، از تیر و از اسب های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن-)ان، آماده سازید... .»

افزون بر این، غنی سازی اوقات فراغت و اشتغال دائم به کارهایی از این قبیل، مانع از هجوم وسوسه های شیطانی است؛ زیرا شیطان به دنبال فرصت مناسب می گردد تا انسان را به گونه ای فریب دهد و به هدف اصلی خود یعنی «سقوط معنوی انسان» برسد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹